

بسم الله الرحمن الرحيم

این مجموعه در برگیرنده اخبار و اطلاعات
ویژه و محرمانه می باشد که جهت خواص تهیه
گردیده است.

لذا مسائل حفاظتی را رعایت فرمایید.

تبلیغ

(۱۰)

قبیله حيله

نگرشی بر کارنامه مدعیان معنویت و مهدویت
به ضمیمه بازخوانی پرونده چند مدعی

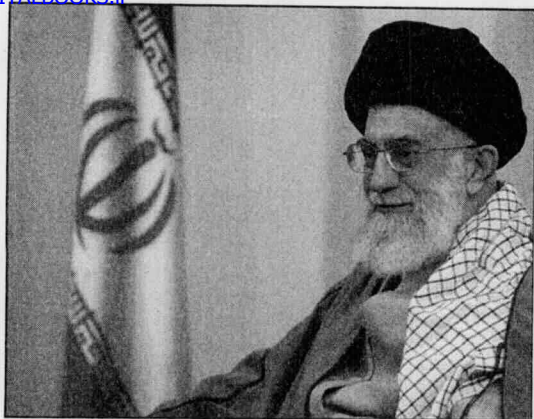
ویژه ماه مبارک رمضان

(۱۴۲۹)

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

معاونت جامعه و نظام

مدیریت سیاسی



رهنمودهای مقام معظم رهبری

البته مواظب باشید توی دام عنکبوت‌های
دنیا دار دکان دار (وارد) نشوید. الان این
روزها از این چیزها زیاد است و
دکان‌دارهایی که به اسم معنویت ادعا
می‌کنند امام دیدیم، فلان دیدیم هیچ
واقعیتی هم ندارد. حواستان باشد که اسیر
آنها نشوید.

اردیبهشت ۸۶ در جمع دانشجویان بسیجی

۱۱.....	مقدمه
---------	-------

بخش اول؛ فرقه‌ها؛ چستی و چرائی

فصل اول؛

۱۵.....	تحریف ادیان آسمانی
۱۷.....	عرفان در ادیان الهی
۱۸.....	گوشه نشینی؛ تفکری انحرافی و باطل
۱۸.....	دو منشأ اصلی تحریف و انحراف
۱۹.....	فرقه چیست؟
۲۱.....	انواع فرقه
۲۱.....	تفاوت فرقه‌ها با گروه‌های معمولی
۲۲.....	راه‌های ترویج و تبلیغ عرفان‌های بدلی
۲۴.....	علل پیدایش جنبش‌های نوپدید
۲۵.....	مهد فرقه‌ها

فصل دوم؛

۲۷.....	تحلیلی از عوامل انحراف و زمینه‌های شیوع فرقه‌ها
۲۹.....	برخی علل رشد و گسترش فرقه‌های نو
۳۲.....	رد پای استعمار در عرفان‌سازی و ترویج صوفی‌گری
۳۳.....	اهداف فرقه‌سازی‌ها

فصل سوم؛

۳۷.....	عرفان‌های بدلی
۳۹.....	فرقه‌های نو و عرفان‌های بدلی وارداتی
۴۱.....	معرفی اجمالی «جنبش‌های موسوم به نوپدید دینی»
۴۴.....	ویژگی‌های برجسته‌ی جنبش‌های نوپدید
۴۵.....	رابطه‌ی تمدن سکولار غرب و جنبش‌های نوپدید
۴۶.....	ارتباط با فراماسون‌ها
۴۷.....	روش‌های اعمال نفوذ مدعیان دروغین

فصل چهارم؛

- بررسی برخی فرقه‌های وارداتی..... ۴۹
- ۱- شیطان پرستی..... ۵۱
- ۲- رام الله..... ۷۴
- ۳- فرقه اکنکار..... ۷۸
- دسته بندی براساس خاستگاه جغرافیایی گروه‌ها..... ۷۹

فصل پنجم؛

- عرفان‌های بدلی (تصوف، مهدویت)..... ۸۵
- مدعیان مهدویت..... ۸۷
- فرقه ضاله رشاد خلیفه (ریچارد کلیف)..... ۱۱۳
- وجه مشترک مدعیان دروغین..... ۱۱۶

بخش دوم؛ بازخوانی چند پرونده

- مدعی طی السماء..... ۱۲۱
- نورعلیشاه..... ۱۲۶
- باند مدعیان مازندران..... ۱۲۹
- مدعی ارتباط با اجنه..... ۱۳۱
- مدعی دهمین نیابت..... ۱۳۳
- مدعی استادی عرفان..... ۱۳۵
- مدعی انرژی درمانی..... ۱۳۷
- مدعی همسری امام عصر(عج)..... ۱۴۲
- مدعی ارتباط با امام زمان(عج)..... ۱۴۴
- مدعیان دین پاک..... ۱۴۶
- مدعی علوم باطنی..... ۱۵۱
- مدعی پیامبری..... ۱۵۷
- ادعای مراقبه..... ۱۵۹
- مدعی نمایندگی امام زمان(عج)..... ۱۶۲
- مدعی مکاشفه..... ۱۶۴
- مدعی ارتباط با ملکوت..... ۱۶۸

مدعی ارتباط با غیبت..... ۱۷۱

مدعی طالع بینی..... ۱۷۵

مدعی علوم غریبه..... ۱۷۷

بخش سوم؛ اخبار..... ۱۸۱

بخش اول؛

فرقه‌ها؛ چیستی و چرائی

فصل اول؛

تحریف ادیان آسمانی

مقدمه

از پدیده‌هایی که از مدت‌ها پیش در جامعه ما، قابل مشاهده است و شیوع و گسترش یافته است، فرقه‌های مختلف ادعایی و گرویدن گروه‌هایی از اقشار گوناگون خصوصاً قشر جوان به سوی آنان است، این مسأله که در ابعاد مختلف تأثیرهای مهم و فراوانی دارد، نمی‌تواند از نظر کاوشگران مختلف در عرصه اجتماع پنهان مانده و مورد بررسی قرار نگیرد.

ابعاد سیاسی، اجتماعی، روانی، دینی و... تأثیرپذیر از این واقعه بوده و هستند و ناگفته پیداست که بروز این گونه فرقه‌ها که بیشتر جلوه و ظهور دینی دارد، در ادوار مختلف تاریخی مسبوق به سابقه بوده و پدیده‌ای نو نیست، اما آن چه در این باب مهم جلوه می‌نماید، توجه به رشد و توسعه قارچ گونه این فرق و نحله‌ها می‌باشد.

بررسی تاریخی و مطالعه ادواری که این گونه فرقه‌ها در آن، رشد و توسعه داشته‌اند می‌تواند در نتیجه‌گیری‌ها مؤثر و مفید باشد.

در این زمان فرقه‌ها و گروه‌های مختلف با نام‌ها و سخنان فریبنده و پر زرق و برق و با استفاده از دستگاه‌های اطلاع رسانی پیشرفته امروزی نظیر اینترنت و ماهواره به تبلیغ پرداخته و گروه‌هایی از مردم بدون هیچ گونه تحقیق و بسیاری به انگیزه‌های مذهبی به این گونه فرقه‌ها مراجعه و متأسفانه برخی از آئین‌های من درآوردی را بی هیچ تردید به اسم اسلام از مدعیان این گروه‌ها پذیرفته و انجام می‌دهند، این در حالی است

که از سوی دیگر شبهه‌افکنان در مورد دستورات اصیل دینی و توصیه‌های عالمان دینی شبهه می‌کنند که در افراد تأثیر سوء می‌گذارد. به نظر می‌رسد بررسی عوامل و ارائه راهکار در این باره در حوزه‌های مختلف، خصوصاً در حوزه دین باید مدنظر بزرگان قرار گرفته و برای آن اندیشه‌ای جدی بنمایند.

بدیهی است قدم اول برای این کار، آشنایی با برخی از این گروه‌ها و نحله‌ها و فرقه‌هایی است که این روزها کم و بیش با نام‌ها و آرم‌ها و آوازه آنان روبرو هستیم.

این گروه‌ها برخی وارداتی و سوغاتهای مخرب فرهنگ غرب و صهیونیست و برخی نیز با سوءاستفاده از انگیزه‌های مذهبی خصوصاً عشق و علاقه به اهل بیت علیهم السلام و اشتیاق و محبت مردم به امام دوازدهم و انتظار ظهور آن حضرت، یعنی عقیده به مهدویت ساخته شده و پرورش یافته است که در این بخش نیز نقش عوامل بیگانه و استعمارگران جدی است.

جزوه پیش‌رو به انگیزه آشنایی تأثیرگذاران اجتماعی - خصوصاً روحانیون - با برخی از مهم‌ترین این فرقه‌ها و نحله‌ها تهیه گردیده و امید است مطالعه آن در جهت، اندیشیدن و ارائه راهکار برای مقابله با این آفت اجتماعی در حال و آینده مؤثر باشد.

بدیهی است که راه جلوگیری از چنین پدیده‌های شوم و زیانباری، افزایش آگاهی و رشد فرهنگی قشر جوان از طریق برنامه‌های عمیق فرهنگی و دینی است. امری که با وجود هشدارهای مکرر رهبر انقلاب مبنی بر خطر جدی هجوم فرهنگی و شبیخون خطرناک آن، هنوز از سوی دست اندرکاران مربوطه مورد کارشناسی و آسیب شناسی جدی و اصولی قرار نگرفته است.

انشاء...

عرفان در ادیان الهی

عرفان یعنی شناخت خدا، اما نه غایبانه و از راه عقل و برهان، بلکه با قلب و دل، و رؤیت حضور او در عمق روح و جان. راههایی که خداوند متعال برای تکامل بشر و رفع نیازهای مادی و معنوی او به صورت «دین» و «شریعت» به وسیله انبیا نازل فرموده است به تدریج در طول زمان به واسطه عوامل گوناگون دچار انحرافها و تحریفهایی شده است.

ادیانی که انبیای عظام علیهم السلام برای مردم آورده‌اند، همه دین توحیدی بوده و ما در عالم، دین آسمانی غیرتوحیدی نداشته‌ایم. آنچه امروزه به صورت شرکهای مختلف دیده می‌شود همگی ساخته دست انسانها است.

حقیقت «عرفان» نیز که همان روح و مغز دین است، در ابتدا از طرف انبیا برای راهنمایی و هدایت بشر و ارضای حس فطری عرفانی آورده شده، اما به تدریج در طول تاریخ دست خوش تحریفها و انحرافهایی گردیده است.

تاریخ ادیان نشان می‌دهد که در قدیمی‌ترین ادیان شناخته شده، عناصر عرفانی وجود داشته است. در ادیان هندی، از هندوئیسم، بودیسم، مذاهب جوکی (مرتاضان هندی و پیروان فلسفه یوگا) و سایر مشتقات مذهب هندی، نوعی گرایش به عرفان وجود داشته است. این مطلب حتی در مورد یهودیت نیز که پیروان آن در بین همه ادیان، بیش از همه

گرایش به مادیات دارند صادق است. در میان مسیحیان نیز فرقه‌هایی که گرایش‌های عرفانی داشته‌اند، بسیار زیاد بوده‌اند و اکنون نیز نسبتاً فراوان هستند. بنابراین در مذاهب معروف دنیا، اعم از مذاهب ابراهیمی، و مذهبی نظیر هندوئیسم و بودیسم که به صورت آیین‌های بت پرستی درآمده‌اند، گرایش‌های عرفانی وجود داشته و بزرگان‌شان کسانی بوده‌اند که در راه تکامل معنوی و عرفانی، ریاضت‌هایی کشیده‌اند.

عرفان‌ها و تعالیم عرفانی موجود را نیز که برگرفته از ادیان الهی است - یا به تعبیری، روح و محتوای اصلی آن‌ها برگرفته از ادیان آسمانی است - نباید حقیقت محض و عاری از هر گونه تحریف و آموزه‌های خرافی و باطل دانست. از قرآن که بگذریم، در تعالیم اسلام در مجموع، تحریف‌ها و انحراف‌های مهم و متعددی پدید آمده و امروزه شاهدیم که چه در زمینه مسایل نظری و چه در ابعاد عملی اسلام، اختلاف‌های بسیاری میان طوایف مختلفی که خود را به اسلام نسبت می‌دهند، وجود دارد.

گوشه نشینی؛ تفکری انحرافی و باطل

یکی از انحراف‌های مهم در باب عرفان - که از امثال حسن بصری آغاز شده و عثمان بن مظعون نیز ابتدا چنین برداشت ناروایی کرده بود - این است که عده‌ای فکر می‌کنند عرفان به معنای دست شستن از زندگی دنیا و کناره‌گیری از مردم و جامعه و گوشه‌ای نشستن و عبادت کردن و ذکر گفتن است. همان گونه که در روایات آمده و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بوده، انسان اگر در شبانه روز، شب هنگام که همه خاموشند و در خوابند، ساعتی را برای توجه به خدا اختصاص دهد بسیار خوب است.

با نگاه به رفتار و زندگی اهل بیت علیهم السلام در می‌یابیم که راه کامل شدن و به حقیقت رسیدن این نیست، بلکه سیر و سلوک باید همه جانبه باشد و در آن، همه ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار گیرد و متکامل گردد.

دو منشأ اصلی تحریف و انحراف

علت همه انحراف‌هایی که در عالم، از بدو پیدایش تا پایان آن، رخ داده و خواهد داد دو چیز بیش‌تر نیست و تمامی انحراف‌ها از این دو اصل

ریشه می‌گیرد: یکی نادانی و دیگری هواپرستی. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع. سرمنشأ همه فتنه‌ها، پیروی از خواهش‌های نفس است، و احکامی که برخلاف شرع صادر می‌گردد.

در هر صورت تمامی ملل دنیا به این دو عامل انحراف مبتلا بوده و هستند و مسلمانان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیستند. در عرفان نیز کسانی دانسته و آگاهانه امور باطلی را از پیش خود اختراع کرده و کسانی هم در اثر جهل و بی‌اطلاعی، این روش‌های باطل را پذیرفته و از آنها تبعیت کرده‌اند. این روش‌های باطل تدریجاً در طول قرن‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و تا آن جا رسیده که ما امروزه شاهد فرقه‌ها و مرام و مسلک‌های مختلف و متنازعی هستیم که هر یک دیگری را نفی می‌کند و مدعی حق بودن خود و باطل بودن دیگران است. در این میان، فعالیت و حرکتی برای تمیز حق از باطل کم‌تر صورت می‌گیرد و هر کس به آنچه در دست دارد و پسندیده است دل خوش کرده و به همان اکتفا می‌کند. در این معرکه معمولاً تعصبات قومی و فرقه‌ای حرف اول را می‌زند و هر فرقه‌ای با حمایت و تبعیت از مرام و مسلک خویش، سایر مرام‌ها و فرقه‌ها را تخطئه می‌کند.

فرقه چیست؟

بسیاری از گروه‌های فرقه‌ای بطور فعال اقدام به عضوگیری، گسترش و کسب پول و قدرت در سراسر جهان می‌نمایند. این گروه‌ها اعضا یا هواداران خود را توسط کارهای برنامه‌ریزی شده ذهنی، یا روند بازسازی فکری، استثمار کرده و تحت نفوذ و کنترل کامل در می‌آورند. سوء استفاده ذهنی می‌تواند به طرق یا روش‌های متعددی انجام شود.



در گذشته، فرقه‌ها با جذب افراد به اصطلاح حاشیه‌ای اجتماع یعنی افراد بدون وابستگی، افراد سرخورده و افراد ناراضی از هر نسل، جای پای خود را محکم می‌کردند. ولی گروه‌های فرقه‌ای امروز آنچنان نحوه برخورد و روش‌های مجاب‌سازی افراد را حرفه‌ای کرده‌اند که فراتر از چهارچوب معمولی و در متن جریان اصلی جامعه حرکت می‌کنند.

فرهنگ لغات معمولی در خصوص فرقه دارای تعاریف توصیفی معینی است. اما بهتر است از عبارت روابط فرقه‌ای برای بیان دقیق‌تر جریانات و عملکردهایی که در یک فرقه اتفاق می‌افتند استفاده کنیم. روابط فرقه‌ای عبارت از روابطی است که در آن یک فرد آگاهانه افراد دیگر را با استفاده از روش‌های خاصی وادار می‌کند تا بطور کامل (یا نسبتاً کامل) در خصوص تقریباً همه تصمیمات مهم زندگی‌شان وابسته به او باشند، و به این پیروان عقیدتی اینطور القا می‌نماید که او دارای استعداد، نبوغ یا دانش ویژه‌ای است.

بر این اساس، فرقه حول فاکتورهای زیر تعریف می‌شود.
الف) در بسیاری از موارد یک فرد، که عموماً بنیانگذار فرقه هم هست، در بالای ساختار تشکیلاتی فرقه قرار گرفته و تصمیم‌گیری در وی متمرکز می‌شود.

رهبران فرقه‌ها اغلب مردان و انتصابی و تحمیل‌گر هستند تمایل به اعمال اراده و تسلط داشته و اغلب به عنوان کاریسماتیک توصیف می‌شوند.

آنان تکریم و ستایش را بر روی خود متمرکز می‌نمایند. روحانیون مذهب برحق، تکریم و ستایش پیروان را به سمت خدا، معطوف می‌کنند در حالی که رهبران فرقه‌ها، تمرکز را بر عشق، ایثار، و وفاداری نسبت به شخص خود بنا می‌گذارند.

ب) فرقه‌ها در ساختار تشکیلاتی خودکامه هستند. رهبر به عنوان مقام عالی شناخته می‌شود.

ج) فنون خاص مجاب‌سازی استثمار، یعنی پروسه‌های متعدد بازسازی فکری، مورد استفاده رهبران فرقه‌ها و سازمانهای شبه فرقه‌ای برای وادار کردن افراد به پیوستن، ماندن و اطاعت کردن قرار می‌گیرد.

فرقه‌ها تمایل به خودکامگی، تمام خواهی، کنترل رفتار اعضا، همچنین خودکامگی ایدئولوژیک، بروز علنی تعصبات و افراطی‌گری در جهان‌بینی دارند.

انواع فرقه

یک فرقه می‌تواند حول هر محتوایی نظیر سیاست، مذهب، تجارت، سلامت جسم، روانشناسی، و غیره شکل گرفته باشد. هر فردی که دارای قاطعیت کافی و مقداری جذب و توان عوام‌فریبی باشد، یا حتی یک بازاریاب خوب که وقت و انرژی کافی صرف کند، به سادگی می‌تواند پیروانی حول تقریباً هر موضوعی گردآورد. فرقه‌ها، از هر نوعی که باشند، دارای رهبران فرقه‌ای مجربی هستند که افراد محزون، تنها و سرخورده و کسانی که صرفاً به دلیلی در دسترس هستند و یا افرادی که به دعوتی در یک نقطه بحرانی در زندگی‌شان، پاسخ مثبت داده‌اند را مجبور به پیوستن می‌کنند.

تفاوت فرقه‌ها با گروه‌های معمولی

با توجه به مجموعه مطالب ذکر شده، در بیان تعریف و خصوصیات یک فرقه باید روی سه ویژگی زیر نسبت به تفاوت یک فرقه با یک گروه معمولی متمرکز شد:

۱- فرقه‌ها توسط رهبران کاریسماتیک یا قوی که هرم قدرت و منابع مادی را کنترل می‌نمایند، تأسیس شده یا هدایت می‌شوند، در مقابل، گروه‌های معمولی تمایل دارند ساختار تشکیلاتی را به حداقل رسانده و قدرت طالبان را خنثی یا اخراج نمایند.

۲- فرقه‌ها دارای نوعی کلام و بیان آشکار به شکل یک کتاب، مانیفست، یا دکترین هستند. در حالی که گروه‌های معمولی تشویق به تعهد عمومی نسبت به صلح و آزادی کرده و از مؤسسات کنترل‌کننده مادر رویگردان می‌باشند.

۳- فرقه‌ها مرزهای غیر قابل عبور ترسیم کرده، اعضایشان را به طرق مختلف کنترل نموده و به کسانی که می‌خواهند فرقه را ترک کنند، تحت عناوین بریده، مزدور و خائن حمله می‌کنند. آنها اعضای جدید را با

انرژی فوق العاده‌ای جذب نموده، پول فراوانی جمع کرده و نظرات خصمانه‌ای توأم با عدم اعتماد را نسبت به جهان خارج از تشکیلات جا می‌اندازند. در عوض، گروه‌های معمولی نسبتاً گشاده و باز هستند. مرزهای آنها پرده‌های قابل عبوری هستند که مردم نسبتاً بدون اشکال از آنها رفت و آمد دارند که در صورت تمایل به مراجعاتشان ادامه بدهند و یا در صورت عدم تمایل، به جامعه‌ای که از نظر گروهی متفاوت تعریف می‌شود، برگردند.

بنابراین اغلب گروه‌های معمولی، بر اساس تعاریف فوق، به نظر می‌رسد تهدید نسبتاً کمی را متوجه جامعه می‌نمایند. در مقابل بسیاری از فرقه‌ها بطور فزاینده‌ای خطرناک هم برای اعضایشان و هم برای دیگران به حساب می‌آیند.

راه‌های ترویج و تبلیغ عرفان‌های بدلی

مکتب سازی و تقلید از الگویی پرورده شده، همیشه در رسانه‌ها رایج بوده است. تقلید از رفتار، لباس، مدل آرایش و حتی لهجه بازیگران و گزارشگران، یکی از غیرقابل انکارترین اثرات رسانه‌هاست. در این بین، تقلید از یک فرد یا آیین و مسلک، حرف تازه‌ای نیست؛ اما نوع دیگری از ترویج مکاتب انحرافی در رسانه‌ها این است که به جای ساختن برنامه‌ای مستند برای جذب مخاطب به فلان دین یا مذهب، فکری را پرورده و با مخاطب شناسی و نیاز شناسی او، آیینی را به خورد مخاطب می‌دهد. این بار مخاطب، دین یهود یا مسیحیت یا فرقه هندو یا بودا را نمی‌شناسد؛ بلکه به آن معتقد می‌شود! وقتی زنجیره‌های نامرئی رسانه و سینما، فکر را اسیر می‌کند، مجالی برای اندیشیدن نمی‌گذارد تا فرد به انتخاب صحیح برسد. این تأثیرگذاری مستقیم، بر دیدگاه جهان بینی مخاطب، اثری عمیق‌تر بر جای می‌گذارد؛ اثری که دیگر، آنی و زودگذر نیست. مکتب کابالایسم یکی از مکاتب انحرافی یهود است که توسط هالیوود و رسانه‌های دنیا به آن پرداخته می‌شود.

- از دیگر زمینه‌ها می‌توان به سرخوردگی بشریت از نظام‌های عقلانی و علمی و مدل مدرنیته به عنوان حلال مشکلات را یاد کرد شکست نظامیان معنویت ستیز خصوصاً کمونیست سبب رواج و تمایل به

عرفان در این دوران گردیده است. به همین دلیل در آمریکا کتب معنوی و عرفانی جزو پر فروش ترین کتب سال است. ترجمه چند دفتر مثنوی معنوی در آمریکا جزو پر فروش ترین کتاب های سال به حساب می آید. در ایران نیز به تأیید آمار رسمی وزارت ارشاد، کتابهای عرفانی و معنوی جزو پر فروش ترین کتابهاست.

اقبال مردم به کتابهای ساحری و جادویی و نیز کتابهای یوگا، هیپنوتیزم، تله پاتی، طالع بینی و امثالهم وجوه چنین گرایشی را تأیید می نماید.

از سویی به تبع این گفتمان غالب در دنیا در کشور ما نیز با موج ترجمه و تبلیغ مکاتب عرفانی شرقی و غربی و نیز تبلیغات وسیع فرقه‌های سنتی تصوف در خانقاه‌ها مواجه هستیم. می توان گفت قریب به صد فرقه و مکتب از غله های مختلف و با گرایش های متبوع در کشور فعالیت می کنند که مورد حمایت جدی دشمنان انقلاب و اسلام می باشند.

از عوامل و زمینه‌های رواج فرقه‌ها می‌توان به زمینه‌های پیدایش برخی فرقه‌های موسوم به مهدویت در قرن ۱۹ میلادی و قدرت یافتن این گروه‌ها اشاره کرد: از یک سو نقش‌ها و نارضایتی های موجود در جوامع آن روز اسلامی و از سوی دیگر تلاش استثمارگران برای تسلط بر ممالک شرقی و اسلامی از جمله ایران اسلامی و مقاومتی که در برابر خویش روبرو بودند، آنان دریافته بودند که باورها و اعتقادات دینی اسلامی مسلمانان سبب چنین مقاومتی در برابر نفوذ و تجاوزات استثمارگران شده است. چنین مقاومتی در نقاط غیر مسلمان نشین (مثل بخش مهمی از افریقا و آمریکای لاتین) یافت نمی شد بنابراین برای اینکه اسلام و باورهای حیات بخش آن را به طور ریشه ای و بنیادین از سر راه بردارند اقداماتی انجام شد، از آن جمله: ایجاد اختلالات فکری و اعتقادی در ذهن مسلمانان به صورت ایجاد و شکل دهی مسلک نامه و مذاهب ساختگی و برای مقبولیت بیشتر در میان مسلمانان - از راه همان فرهنگ و ادبیات مأنوس مسلمانان وارد شدند. در ایران بابیه و بهائیه و در هند قادیانیه را ساختند و هر قدرت استعماری به قدر وسعش از این خوان گسترده بهره می برد. هم انگلیس و هم روسها در پی بلع ایران بودند، به

همین منظور (رساله جهادیه) در زمان میرزای فراهانی پدر قائم مقام معروف با امضای بیش از صد نفر از علمای بزرگ شیعه منتشر شد و مردم را به مبارزه با ارتش متجاوز روس تشویق کرد و مردم واقعا جنگیدند و حتی در ابتدای دوره دوم جنگ های ایران و روس هم پیروز شدند که به دلیل ضعف و بی کفایتی حکومت وقت و جنایت برخی سرداران دوام نیافت. مثلاً در آجن تزار به مقاومت «دینی» این ملت پی برد و فهمید تشیع - مذهب مبارزه با طواغیت - تا هست مزاحم آنان و دیگر سلطه گران خواهد بود لذا نوک حمله پاسداران تشیع این روحانیت قرار گرفتند و برای این امر از مهم ترین موضع در فرهنگ شیعه بهره بردند و از بستر موجود استفاده کردند و بعد هم با ادعاهای او و دستگیری و قتل او پرونده مهدویت که یاد و نام آن خواب خوش مستکبران را بر می آشوبد برای همیشه مختومه اعلام گردد.

حال باید علل حمله به این اصل را جویا شد؟

اعتقاد به «مهدویت» شور و نشاطی در دل ها ایجاد می کند که به قیام و تحرک ملتها می انجامد، یعنی همان که در تاریخ شیعه مشهود است، بخش مهمی از قیامهای تاریخ اسلام مربوط به تشیع است. آنان از ائمه علیهم السلام دستور دارند که همواره آماده نبرد در رکاب حضرت حجت علیه السلام باشند. انسان با این باور در راه تحقق وضع مطلوب قدم بر می دارد و همیشه آماده پیکار و جهاد است. این خواب استعمارگران را می رباید.

در اوائل پیروزی انقلاب در فلسطین اشغالی صهیونیست ها در کنفرانس کارشناسان استعماری را گرد آوردند و درباره نسبت این انقلاب با آموزه های تشیع بحث کنند آنان به این نتیجه رسیدند که دو عنصر عاشورا و مهدویت (عزاداری سالار شهیدان و انتظار فرج) عامل پویایش و پایداری انقلاب اسلامی است.

علل پیدایش جنبش های نوپدید

امروزه در غرب، روی کرد به دین نسبت به گذشته، رشد قابل توجهی یافته و این امر، عمدتاً برخاسته از عاملی چون در هم شکستن فرو ریختن بسیاری از ایدئولوژی های ذهنی جهان غرب است که از بطن

اندیشه‌ی قرون هجدهم و نوزدهم اروپا سربرداشته و جای دین در تمدن مدرن غرب را گرفته بود. این ایدئولوژی‌های غربی به تدریج رنگ باختند و خطر و قدرت تخریب شان به گونه‌ای بی سابقه هویدا گشته است.

امروزه در جهان غرب با برچیده شدن بساط مکاتب فلسفه‌ی جدید توسط پُست مدرنیسم که با شالوده‌شکنی و منهدم کردن همه‌ی ساختارهای معنایی موجود از قبل، مکاتب فلسفه جدید غرب را به پایان خود رسانده است، بیشتر فلاسفه‌ی معاصر در غرب معتقدند که دوران مشغله‌ی فلسفی، به آن معنایی که تا کنون در غرب فهمیده می‌شده، پایان یافته و دیگر، مکاتب فلسفه جدید غرب نمی‌توانند گره‌ای از کار غرب و انسان‌های تشنه و نیازمند معنویت در آن سامان بگشایند. از این رو، بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه در ربع گذشته، جنبشی در آمریکا و اروپا برای کسب تجارب روحانی و معرفت دینی به وجود آمده است.

در همین راستا، در ربع قرن گذشته، افرادی از هند به نام «گورو» در آمریکا و اروپا تبلیغاتی گسترده انجام می‌دهند و به نام ترویج عرفان هندوئیسم، پیروان را به سوی خود جذب می‌نمایند. هم چنین بعضی از مرشدهای صوفی از کشورهای شرقی نیز تعالیم افراطی صوفیانه را در جهان غرب آموزش می‌دهند. آن‌ها هم از سوی قوانین لیبرالی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، دولت‌ها و رسانه‌های گروهی در کشورهای غربی حمایت می‌شوند. حتی اقبال رسانه‌ها به این گروه‌ها آنقدر زیاد است که گاه از آن‌ها به عنوان پدیده‌ای رسانه‌ای یاد می‌شود.

پست مدرنیسم به گونه‌ی دیگری هم تأثیر خود را داشته است. مدرنیسم به شدت مطلق اندیش بود و بر پارادایم خاصی اصرار داشت. مدرنیسم به یک چیز می‌اندیشید و از آن دفاع می‌کرد؛ اما پست مدرنیسم، مطلق‌اندیشی مدرنیستی را درهم شکست و تنوع طلبی و تکثرگرایی نامحدود در هر چیز و هر مسأله را به رسمیت شناخته شد. در چنین فضای تکثرگرا، طبیعی است که امکان بروز و ظهور فرقه‌ها و مذاهب متعدد برای همه فراهم آید.

مهد فرقه‌ها

در بررسی فرقه‌های موجود هر چند که غالب فرقه‌ها را متأثر از تفکرات هندوئیسم می‌بینیم ولی عملاً آمریکا بعنوان مهد این فرقه‌ها و

مکانی برای ظهور و رشد و گسترش فرقه‌ها درآمده است. اکنون اکثر قریب به اتفاق فرقه‌های موجود در دنیا هر چند که در یک کشور دیگر ظهور کرده باشند ولی مرکزیت آنها به آمریکا انتقال یافته و در این کشور سریعاً رشد کرده و به کشورهای دیگر منتقل می‌گردد. رشد و گسترش فرقه‌ها در آمریکا عقبه تاریخی دارد. مهاجرین اولیه به آمریکا، که در جایی فرود آمده بودند که به طور قانونی به آنان تعلق نداشت، از نظر تأسیسات دین انگلیکن چنان تحت تعقیب و شکنجه و آزار قرار گرفته و در انگلستان برچسب فئاتیک‌های مذهبی خورده بودند که قبل از ترک سرزمینهای خود به امید دنیای جدید به هلند پناه برده و در آنجا ایمنی یافته بودند. گروههای اقلیت دیگر نیز افرادی نامأنوس و عجیب و غریب یا منحرف قلمداد می‌شدند و در اروپا مشمول شکنجه و آزار و تعقیب بودند. به هر تقدیر برخورد بسیار سخت و خشنی که با این گروهها می‌شد موجب تشویق بسیاری از آنها به مهاجرت به دنیای جدید گردید جایی که در آن بعثت ساختاری، تسامح و تساهل بیشتری نسبت به عقاید به چشم می‌خورد.

در قرون نوزدهم عده کثیری از این گروههای مذهبی سر برآوردند. در فضای احساسی تجدید حیات مسیحیت در سالهای قرن هجدهم میلادی چندین انشقاق و جدایی آدونتیست گرایانه از کلیسای انجیلی پروتستان صورت گرفت. گروههای دیگری هم که هیچ پیوند روشنی با مسیحیت ندارند و یا اینکه پیوند آنها بسیار خفیف می‌باشد در آمریکا ظهور نموده و پیروان نسبتاً زیادی را هم به دور خود جمع کرده‌اند. قرن نوزدهم شاید ظهور گروههایی نظیر اسپیتوالیستها (روحگرایان)، اهل معرفت و انجمنهای ودانتایی بوده است که منبع و منشاء همه آنها مشخصاً مسیحیت نیست. در قرن بیستم نیز شاهد بوجود آمدن و رشد گروههایی بوده‌ایم که از دل تفکرات و اعتقادات مذهبی هندویی، بودایی و اسلام برآورده‌اند و یا همچنین گروههایی که به آسانی با هیچ یک از ادیان رسمی و تثبیت یافته عالم قابل تداعی نیست.

قابل ذکر است در حال حاضر فرقه‌های مولویه و شاخه‌هایی از بودائیسم از جمله فرقی است که در جامعه امروزی آمریکا در حال رشد و گسترش هستند.

**فصل دوم؛
تحلیلی از عوامل انحراف و
زمینه‌های شیوع فرقه‌ها**

برخی علل رشد و گسترش فرقه‌های نو

رشد و گسترش فرقه‌های نو معنویت گرا در دهه‌های اخیر، از موضوعات مهم تحت بررسی و تحقیق جامعه شناسان دین بوده است. این جریان‌ها که در غرب از آن به جنبش‌های دینی یاد می‌شود، به عنوان مسأله‌ای که توانسته در حوزه‌های مختلف دینی، فرهنگی، سیاسی و بویژه خانواده تأثیرگذار باشد، مورد توجه بوده است.

در بستر شناسی ظهور و رشد این فرقه‌ها نگرش‌های متفاوتی ارائه شده است که بسترهای شرقی و غربی آن گاهی مشترک و گاهی متفاوت است. مهمترین وجوهی که یاد شده است، عبارتند از:

الف) شکل‌گیری مدرنیته و سپس پست مدرنیسم و تأکید بر نیازمندی بشر به ساحت دین

ب) تأثیرگذاری مفاهیم موثری چون پلورالیسم دینی در بسترهای فرهنگی جوامع

ج) نیازمندی بشر از گذشته آدمیان بر آرامش‌های معنوی

د) جایگزینی محسوس معنویت به جای شریعت و مشکلات روحی، روانی انسانها

ه) گرایش نسل امروزین به قرائت‌های نو از دین رسمی در نگاهی دیگر می‌توان انحراف و انگیزه‌های آن در مسایل مربوط به عرفان را به سه بخش تقسیم کرد. یک بعد این مسأله مربوط به بنیان‌گذاران و پرچمداران فرقه‌های باطل و انحرافی است که در اصطلاح

«قطب» نامیده می‌شوند. بعد دیگر مربوط به اهداف و انگیزه‌های کسانی است که از این سردمداران حمایت می‌کنند و با انواع وسایل و ترفندهای مالی و تبلیغاتی، دیگران را به طرف آنان سوق می‌دهند. بعد سوم مسأله مربوط به کیفیت به دام افتادن افراد ساده لوح است و این که چگونه است کسانی که خودشان حسن نیت و انگیزه‌های صحیح دارند، به دام مدعیان دروغین و فریب کاران می‌افتند.

درباره سردمداران این فرقه‌ها باید بگوییم که انگیزه اصلی اینان همان انگیزه‌ای است که بسیاری از منحرفان و اتباع شیطان را در طول تاریخ به دام انداخته و موجب پیدایش ادیان و مذاهب مختلف شده است. همان گونه که پیش از این اشاره کردیم و قرآن کریم نیز مؤید این مطلب است، بسیاری از اختلاف‌ها در ادیان، از ناحیه دانشمندان و علمای آن ادیان، و با انگیزه‌ها و اغراض شخصی و دنیوی ایجاد شده است.

انگیزه اصلی این سردمداران در ایجاد این بدعت‌ها و تحریف‌ها را می‌توان در دو امر خلاصه کرد: یکی «جاه و مقام» و دیگر «مال و ثروت».

انگیزه اول، یعنی «جاه و مقام»، نسبت به انگیزه دوم بالاتر و برتر است. بسیاری از افراد تحت تأثیر این انگیزه دست به ایجاد فرقه‌ها و آیین‌های جدید زده‌اند و عطش ریاست و محبوبیت و شهرت، آنها را به ایجاد بدعت و تحریف در تعالیم دینی واداشته است.

اما دشوارتر از این دو، تحت کنترل درآوردن میل و علاقه به ثروت و مال اندوزی است. در روایات آمده است: یهرم ابن آدم و یشب منه اثنان الحرص علی المال و الحرص علی العمر؛ آدمی زاده پیر می‌شود در حالی که دو خصلت در او جوان می‌شود: حرص بر مال و حرص بر عمر (ادامه حیات)

انگیزه جاه و مقام گاهی باعث می‌شود کسانی دست به دین سازی و اختراع مذهب و فرقه بزنند تا مریدان و پیروان و طرفدارانی پیدا کنند و مورد تکریم و تعظیم آنان واقع شوند. طبیعتاً هر چه احترام و تکریم و تعظیم پیروان و مریدان بیش‌تر ارضا می‌گردد و نقطه اوج ارضای این خواسته آن جا است که اینان در چشم مریدان تا مقام الوهیت و خدایی بالا روند.

یکی از بهترین راه‌ها و شیوه‌ها برای جذب ثروتمندان و ارضای غریزهٔ ثروت و قدرت این است که به مردم بقبولانند که می‌توان از راه‌های بسیار ساده و تلاش و کوششی اندک به مقام‌های عالی عرفانی دست یافت. طبع بشر راحت طلب است و انسان پیوسته این هوس خام را در سر می‌پروراند که با کمترین زحمت، به بهترین و بیشترین نتیجه برسد. این قضیه در مورد عرفان و نیل به مقامات عرفانی نیز صادق است و کسانی به دنبال راهی هستند که پیمودن آن بسیار آسان باشد و یک شبه همه مسایل را حل کند و آنان را به قله‌های رفیع مقامات عرفانی برساند! افرادی سودجو و فرصت طلب نیز با دست گذاشتن بر روی همین رگ خواب آدمی، به سوءاستفاده از افراد می‌پردازند. آنان می‌گویند ما راهی را به شما نشان می‌دهیم که در کمترین زمان ممکن و با تحمل کم‌ترین دشواری، شما را به سرمنزل مقصود می‌رساند؛ و آن راه این است که با یک «قطب واصل الی الله» بیعت کنید و دست در دست او بگذارید و تنها با یک دست دادن و دست بوسیدن همه مسایل حل می‌شود.

اگر به راستی انسان بتواند از این طریق به عالی‌ترین مقامات عرفانی برسد، دیگر بهتر از این چه می‌خواهد؟! ارتکاب هر فسق و فجوری آزاد است و چاره‌اش فقط یک بیعت است.

متأسفانه این شیوه بسیار کارگر بوده است و بخصوص در مورد دو طایفه بسیار مؤثر واقع شده است: یکی همین ثروتمندانی که وصفشان رفت، و دوم، صاحب منصبانی که عمری بر مردم ستم روا داشته‌اند و به دنبال مستمسکی برای آرامش روح خود می‌گردند.

شیادان دین ساز هنگامی که این دو دسته، یعنی صاحبان ثروت و صاحبان قدرت را جذب کردند، ابزار خوبی برای به دام انداختن دیگر افراد در دست خواهند داشت. آنان با معرفی افراد فقیر به مریدان ثروتمند خود و حل مشکلات مالی و مادی ایشان، زمینه جذب این گونه افراد را فراهم می‌کنند. هم چنین کسانی که در منطقه سلطه و قدرت و حاکمیت رئیس و خانی زندگی می‌کردند، برای آن که از آزار و اذیت و زورگویی‌های او نسبت به خود بکاهند، به فرقه و مسلکی که در آن رئیس و خان اهل آن بود، می‌گرویدند؛ یعنی هم مسلک شدن با خان وسیله‌ای برای در امان

ماندن از شر او محسوب می‌شد. بدین ترتیب، جذب ثروتمندان و قدرتمندان در واقع مقدمه و زمینه‌ای برای به تور انداختن دیگران بود.

رد پای استعمار در عرفان سازی و ترویج صوفی گری

اگر تاریخ قرون معاصر جهان و تاریخ سده‌های اخیر ایران را مطالعه

کنیم و پیدایش مذاهب و فرقه‌های مختلف را مورد بررسی و کاوش قرار دهیم، می‌توانیم دست قدرت‌های استعماری را در پشت صحنه تأسیس بسیاری از این فرقه‌ها ببینیم. مطالعه اسرار پشت پرده این داستان، به خوبی به عمق خطری را که از این ناحیه وجود دارد برملا خواهد ساخت. این مطالعه نشان خواهد داد که اگر نگوییم همه، تقریباً



اکثر قریب به اتفاق این فرقه‌های جدیدالتأسیس از آب‌خورد یک «عرفان دروغین» تغذیه شده و سوءاستفاده کرده‌اند.

به عنوان نمونه‌ای از این شواهد تاریخی، می‌توانیم به چهره‌ای به نام «کینیاز دالگورکی» اشاره کنیم. این شاهزاده روسی که در زمان قاجاریه در ایران زندگی می‌کرد، از طرف دولت پادشاهی تزاری مأموریت داشت تا دست به ساختن فرقه‌های مذهبی بزند و بدین وسیله بین مردم اختلاف بیفکند و از قدرت و صولت اسلام و روحانیت در میان مردم بکاهد در علوم دینی به مراتب و درجات بالایی دست یافت. از جمله اساتیدی که «دالگورکی» در درس وی شرکت می‌کرد، سیدکاظم رشتی بود. در همین درس بود که او مهره مناسبی را برای اهداف خویش پیدا کرد و با او طرح دوستی ریخت و بسیار گرم گرفت. این فرد یکی از شاگردان سیدکاظم رشتی به نام «سیدمحمدعلی شیرازی» بود که بعدها به سید محمدعلی باب معروف شد. دالگورکی او را مهره بسیار مناسبی برای مقاصد خود تشخیص داد و بیش از همه خود را به او نزدیک کرد. سیدعلی محمد اهل قلیان بود و او از این فرصت استفاده می‌کرد و گاهی بر آتش قلیان مقداری حشیش می‌گذاشت و در نتیجه حالت نشیگی به

وی دست می‌داد. دالگورکی در عالم نشئگی مطالبی را به سید القا می‌کرد. کم کم به سید علی محمد گفت که شما نماینده امام زمان علیه السلام هستید و من به شما و مقام بسیار والایتان واقفم و ایمان دارم! در اثر این القائات و تحت تأثیر مواد مخدر، آهسته آهسته خود سیدعلی محمد نیز، این مطلب باورش آمد و در همان عوالم نشئگی و حالت نیمه مستی حرفهایی زد و ادعاهایی مطرح کرد و سرانجام کارها و داستان او به پایه‌گذاری فرقه «بابیت» و «بهائیت» منجر شد.

اکنون نزدیک دو قرن از تأسیس این دین سراپا جعلی و باطل می‌گذرد و تاکنون هزاران نفر به دام این آیین ساختگی افتاده‌اند. نظیر همین مسأله، تأسیس فرقه «اسماعیلیه» و «قادیانی»ها و ده‌ها مذهب و فرقه جعلی دیگر در هندوستان است که مؤسسان آنها افرادی فریب خورده و آلت دست استعمار، بخصوص استعمار پیر انگلیس بوده‌اند. بسیاری از مصیبت‌های اسلام و مسلمانان در سراسر دنیا به ویژه در فرقه‌سازی و تحریف مبانی مذهب به نقشه‌ها و توطئه‌های روباه پیر استعمار انگلیس مربوط می‌شود.

امروزه محل زندگی بسیاری از رؤسای این فرقه‌ها و مذاهب ساختگی در کشورهای اروپایی و آمریکا است و زندگی‌هایی بسیار مجلل و مرفه و کاخ‌های آن چنانی دارند. پیروان و مریدها از اقصی نقاط دنیا اموالی را جمع می‌کنند و با کمال افتخار و با هزار زحمت برای آنان می‌فرستند. به عنوان نمونه، پیروان فرقه «آقاخانی» (از فرقه‌های اسماعیلی هندوستان) هر ساله هم وزن رئیسشان یکی از جواهرات را به پیشگاه او تقدیم می‌دارند! گاهی طلا و گاهی جواهرات دیگر؛ در یکی از سالها هم وزن «آقاخان» الماس‌های گران قیمتی را در برابر او گذاشتند.

اهداف فرقه‌سازی‌ها

یکی از اهداف مهم و کلی در این مسأله، ایجاد «اختلاف و تفرقه» است. برای استعمارگران، ایجاد اختلاف در بین مسلمانان، هر چند درحد اختلاف دو شهر، دو قبیله و دو طایفه، همیشه یکی از اهداف مهم و اساسی بوده است. برای نمونه، یکی از اختلافاتی که سابقاً در ایران بدون هیچ مایه و زحمتی درست کرده بودند و تقریباً در همه شهرها و مناطق

ایران وجود داشته است، دعوای «حیدری» و «نعمتی» بوده است. استعمارگران به وسیله عمال خود در مناطق و شهرها مردم را به دو دسته «حیدری» و «نعمتی» تقسیم کرده بودند. این اختراع آنها به ویژه در روز عاشورا ظهور پیدا می کرد و ثمر می داد. در این میان حتی یک نفر هم نمی دانست که اصلاً «نعمتی» و «حیدری» یعنی چه و از کجا آمده و این دعا بر سر چیست!

در این میان یکی از بهترین اختلافها در جهت مقاصد شوم استعمارگران، اختلافهای مذهبی است که نمونه بارز آن، اختلاف شیعه و سنی است.

انگیزه دومی که استعمارگران از دین سازی و ترویج مذاهب و فرقه‌های جعلی دنبال می کردند، مقابله با مارکسیسم بود. میدانیم که تا اوایل دهه نود میلادی و طی تقریباً هفتاد سال، دنیا شاهد رویارویی دو ابرقدرت بزرگ شرق و غرب و اردوگاه مارکسیسم و کمونیسم از یک سو و کاپیتالیسم و سرمایه داری از سوی دیگر بود. دولت‌های غربی و در رأس آنها آمریکا که عمدتاً در اردوگاه کاپیتالیسم قرار می گرفتند، دشمن شماره یک خود را مارکسیسم می دیدند. مارکسیسم شعار «دین افیون توده‌ها» را سر می داد و به شدت با هر نوع دین و مذهب مخالف بود. از این رو ترویج بی دینی و نفی مذهب، در نهایت به نفع مارکسیسم و به ضرر آمریکا و اردوگاه سرمایه داری بود و به عکس، روی آوردن جوامع به دین، مانعی محکم در راه نفوذ و گسترش مارکسیسم محسوب می شد. به همین دلیل دولت‌های غربی و در رأس آنها آمریکا و انگلیس، برای حفظ منافع خود و برای آن که سدی در برابر نفوذ و گسترش قدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق و اردوگاه کمونیسم ایجاد کنند، به تبلیغ و ترویج ادیان مختلف دامن می زدند. برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم کافی بود که نام دین در میان باشد و نوع دین چندان اهمیتی نداشت. البته سعی بر این بود - و مراقب بودند - که دینی باشد که ضرری برای آمریکا نداشته باشد.

در این میان، هدف سومی نیز برای دین سازی و جعل فرقه‌ها و مذاهب جدید وجود دارد که پیدایش بیداری اسلامی در دهه‌های اخیر، و به ویژه انقلاب اسلامی ایران، عامل آن بوده است. پیدایش انقلاب

اسلامی ایران و برخی دیگر از حرکت‌های دهه‌های اخیر در جهان اسلام، آمریکا و دولت‌های غربی را متوجه این نکته ساخت که اسلام می‌تواند تهدیدی بسیار جدی و به مراتب خطرناک‌تر از کمونیسم برای آنها باشد. از این رو جامعه‌شناسان و سایر دانشمندان و نظریه‌پردازان خود را بسیج کردند تا راه‌های چاره‌ای برای این مسأله پیدا کنند.

این ملاحظه را از یاد نبریم که نفی دین و مبارزه با اصل اسلام، از آنجا که زمینه را برای پیشرفت و نفوذ کمونیسم مهیا می‌کرد، راه کاری نبود که دولت‌های غربی و آمریکا بخواهند و بتوانند آن را انتخاب کنند. از این رو باید راهی را انتخاب می‌کردند که در آن، اسم اسلام محفوظ بماند اما اسلامی باشد که خطر بیداری ملت‌ها و ایجاد حرکت‌هایی نظیر انقلاب اسلامی ایران را به همراه نداشته باشد. به این ترتیب، هم مسأله بازدارندگی اسلام در مقابل نفوذ و گسترش کمونیسم حفظ می‌شد و هم تهدید بودن آن برای اردوگاه غرب و کاپیتالیسم منتفی می‌گشت.

چاره‌ای که بدین منظور اندیشیده شد این بود که حس عرفانی و دینی مردم را به صورت بدلی و به وسیله اسلامی دست کاری شده، تخلیه نمایند؛ اسلامی که فرد تمام حواسش به خدا و ارتباط فردی‌اش با او باشد و هیچ رنگ سیاسی و وارد شدن به مسایل اجتماعی نداشته باشد. در این باره اگر مسایل و جریان‌ات نیم قرن اخیر ایران - به ویژه از سال ۴۲ به بعد - را بررسی کنیم، می‌بینیم که اکثریت - اگر نگوئیم همه - مشایخ متصوفه روابط خوبی با دربار و درباریان داشته‌اند.

دکتر منوچهر اقبال (نخست وزیر رژیم پهلوی) یکی از این نمونه‌ها است که به یکی از فرقه‌های معروف متصوفه وابسته بود. در زمان او خانقاه‌های مجللی در ایران ساخته شد و تبلیغات گسترده‌ای برای ترویج مشرب صوفی‌گری صورت گرفت. در این دوره، کتابهای متعددی از صوفیه پیاپی چاپ و منتشر شد. پس از انقلاب، برخی از این قبیل کتاب‌ها، با چاپ و کاغذ عالی در خارج از کشور چاپ و به داخل قاچاق و توزیع می‌شود. هم اکنون بسیاری از کتابهای تبلیغی صوفیه چاپ فرانسه، آلمان، آمریکا و برخی از دیگر کشورهای اروپایی است.

فصل سوم:

عرفان‌های بدلی

فرقه‌های نو و عرفان‌های بدلی وارداتی

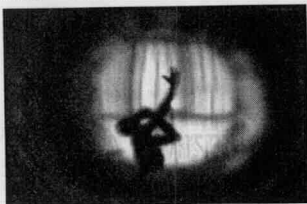
دنیای غرب پس از جنگ جهانی دوم شاهد پدیده‌ای بود که از آن به انفجار فرقه‌ای تعبیر می‌شود. داستان از این قرار بود که عوامل متعددی بعد از جنگ جهانی دوم دست به دست هم داد تا تعداد بی شماری فرقه، مذهب و حتی ادیان جدید و نوپدید در جوامع غربی سربر آورند.

این پدیده، هر چند در غرب نمود برجسته تری داشته است اما نه تنها محدود به جوامع غربی نمی‌شود، بلکه در جوامع شرقی مانند ژاپن، چین، هند، کشورهای آفریقایی و حتی ایران نیز مشاهده می‌شود، برخی از آثار این فرقه‌ها به فارسی ترجمه می‌شود و به چاپ‌های انبوه هم می‌رسد و مورد مطالعه نسل جوان قرار می‌گیرد، اما تاکنون این پدیده تقریباً در رشته‌های دانشگاهی یا مراکز مطالعاتی در ایران به صورتی آکادمیک مطالعه و بررسی نشده است. در ادبیات غرب از این پدیده با اصطلاحات متفاوتی نام می‌برند. با این که از ظهور این پدیده در غرب تاریخ‌چندانی نمی‌گذرد، ولی امروزه «cult» (فرقه یا گروه مذهبی) و «N.R.M» - که مخفف عبارت: New Religious Movements می‌باشد - (جنبش‌های نوپدید دینی / جنبش‌های دینی جدید) در عرصه دین پژوهی و ادبیات دینی مغرب زمین، اصطلاحاتی آشناست.

امروزه مؤسسات مطالعاتی و نشریاتی تخصصی به طور مستقل به مطالعه در باب جنبش‌های نوپدید شبه دینی اشتغال داشته و سالانه

سمینارها و کنفرانس‌های متعددی در همین خصوص تشکیل می‌شود. اگر چه هنوز رشته‌ی دانشگاهی مستقلی در دانشگاه‌های دنیا برای مطالعه‌ی این پدیده شکل نگرفته است، اما این پدیده در رشته‌های زیر مجموعه‌ی جامعه‌شناسی در اکثر دانشگاه‌های اروپا و آمریکا تدریس می‌شود.

این پدیده به قدری در دنیای مجازی رسانه‌ها و به ویژه اینترنت ظهور و بروز دارد که گاه از آن به عنوان یک پدیده‌ی رسانه‌ای نیز یاد می‌شود؛ به گونه‌ای که صداها سایت و وبلاگ در اینترنت هم اکنون به این موضوع اختصاص دارد.



پدیده‌ی موسوم به

«جنبش‌های نوپدید» در

جامعه‌ی غرب، تنها نظر دین پژوهان را به خود جلب نکرده است، بلکه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و حتی سیاست‌مداران نیز به این موضوع عطف توجه کرده و هر یک از زوایه‌ی خاص خویش به مطالعه‌ی آن روی آورده‌اند. این همه توجه، قطعاً تحت تأثیر آثار و پیامدهای گسترده و عمیقی بوده که جنبش‌های نوپدید در جوامع غربی از خود به جای گذاشته‌اند.

ایران نیز مثل سایر کشورها و جوامع اسلامی در معرض چنین رخ دادی است. واقعیت آن است که «cult» - گرچه نه چندان قوی ولی در مقیاس‌هایی محدودتر - در ایران نیز ظهور کرده است: «اکنکار» به عنوان یک فرقه‌ی مذهبی جدید صادراتی از آمریکا که حتی مدعی است «دین جدید»، بلکه «تنها دین اصیل» است و سایر «ادیان و مذاهب، شکل انحراف یافته‌ی آن هستند»، چند سال در تهران دارای دفتر بود و به آموزش تعلیم خود اشتغال داشت. گروه‌های آموزشی متعددی - رسمی و غیر رسمی - که به تعلیم گرفته و تمرین آموزه‌های مختلف فرقه‌های جدید برآمده در غرب اشتغال دارند، کم نیستند. ترویج و بازار گرمی عرفان‌های سرخ‌پوستی و عرفان‌های هندویی که از طریق غرب! به ایران سرازیر شده‌اند؛ تکنیک‌های روان‌شناختی مانند N.L.P. T.M،

بیوفیدبک و نظایر آن که گاه در قالب یک «دین» آموزش داده می‌شوند و گاه از چنین تحرکاتی به عنوان معنویت مدرن «معنویت مدرن» نیز یاد می‌کنند، همه حکایت از وضعیت حساس کنونی ما در برابر مسأله‌ی «جنبش‌های نوپدید دینی» دارد.

جنبش نوپدید که به اختصار «NMRS» خوانده می‌شود را نباید با پدیده‌ی «معنویت مدرن» و نیز نباید با «دین عصر جدید» خلط کرد چون هر کدام از این پدیده‌ها ماهیتی جداگانه داشته و مستقلاً قابل مطالعه می‌باشند. گرچه یادآوری این نکته نیز خالی از لطف نیست که همه‌ی این پدیده‌ها در جامعه‌ی کنونی ایران، قابل ردیابی و مطالعه هستند.

در این نوشتار در اشاره به ترکیب واژگان «جنبش‌های نوپدید دینی» از واژه‌ی «دین» بهره برده شده است، به مفهوم «دین» دانستن این گرایش‌ها نیست؛ بلکه می‌توان اغلب تصویری هم چون «فرقه» و یا حتی «شبه دین» در خصوص آنها را در نظر آورد.

معرفی اجمالی «جنبش‌های موسوم به نوپدید دینی»

برای معرفی جنبش‌های نوپدید دینی قرن نوزدهم میلادی و پایان جنگ دوم جهانی به عنوان دو نقطه‌ی مهم تاریخی حائز اهمیت فراوان است. غرب به ویژه آمریکا، در قرن نوزدهم شاهد سر بر آوردن فرقه‌ها و گروه‌های جدید دینی بود. به عنوان نمونه از این گروه‌ها و فرقه‌ها می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد:

کلیسای عیسی مسیح (ع) قدیسین متأخر (مکتب مورمون، ۱۸۳۰ م)؛ (مکتب روح گرایی ۱۸۴۸ م)؛ (شاهدان یهوه، ۱۸۷۲ م)؛ (انجمن تنوصوفی، ۱۸۷۵ م)؛ (انجمن وادنتا)؛ (دانش مسیحی ۱۸۷۹ م) و...

چنانچه ملاحظه می‌گردد، یکی از مشخصات مشترک اکثر این فرقه‌ها، وابستگی و عدم استقلال آن‌ها از ادیان سنتی (مثل مسیحیت، یهودیت، بودیسم و...) است؛ اما پس از پایان جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ م) از یک سو کثرت، تعدد و تنوع پیدایش فرقه‌های جدید به حدی بود که با قبل از آن قابل قیاس نیست، تا جایی که از آن به انفجار فرقه‌ای یاد می‌کنند.

از سوی دیگر نیز اکثر این فرقه‌های جدید ادغاهایی مبنی بر استقلال از ادیان سنتی و نو بودن خود داشته‌اند. شاید به نوعی رابط و نسبتی بین آنها با ادیان سنتی مشاهده شود، ولی ادعا این بوده که در همان مسیر، پیام آور پیامی نو و جدیدند. به عنوان مثال اکنکار (۱۹۶۵ م)؛ انجمن بین المللی آگاهی کریشنا [هیرکریشنا] (۱۹۶۵ م)؛ انجمن بین المللی شیوا ناندا یوگا؛ کلیسای اتحاد (۱۹۷۰ م)؛ فرزندان خدا (۱۹۶۸ م)؛ کلیسای علم آیینی (۱۹۵۴ م)؛ راه بین المللی (۱۹۴۰ م)؛ کلیسای جهانی و فاتح (۱۹۶۰ م)؛ ترکیب کلپ‌های بشقاب پرنده‌ی آمریکا و تکنیک‌هایی نظیر T.M و سایر جنبش‌های دینی، از این دست به شمار می‌روند.

در جهان غرب بعد از جنگ جهانی دوم و مخصوصاً از دهه‌ای ۱۹۶۰ به این سو، شمار زیادی از گروه‌های مذهبی غیر متداول – خارج از چارچوب ادیان سنتی و قدیمی – بوجود آمده است. این گروه‌های غیرمتداول را گاه کشیش‌هایی که از یک کلیسای سنتی موجود گسسته و درصدد ایجاد «ادیانی» خاص خودشان بوده‌اند، تأسیس کرده‌اند. ظهور این پدیده در غرب تا حدود زیادی برخاسته از ترویج مرموزات و علوم غریبه بوده است. ضمن آن که طی چند دهه‌ی اخیر، کارهایی هم چون سحر و جادو که از سوی کلیساهای سنتی تحریم شده بود، مجدداً رشد یافته است و طرفداران سحر و جادو در آمریکا و اروپا، از ادیان کهن پیش از مسیحیت اروپا، هم چون ادیان درویدها و سلت‌ها ترویج می‌کنند. اما اکثر این جنبش‌ها و فرقه‌ها وارداتی بوده و ریشه‌های شرقی دارند و حتی برخی نیز نه مسیحی و نه وارداتی، بلکه کاملاً بومی‌اند.

این آیین‌ها که به عنوان «جنبش‌های نوپدید دینی» به خصوص در ایالات متحده‌ی آمریکا، کانادا و اروپای شمالی معروف شده‌اند، از طریق تضعیف ادیان سنتی در این کشورها نفوذ می‌کنند. در آمریکا و اروپا از این آیین‌های نوپدید در بین عموم و فضاهای مذهبی به عنوان «cult» (گروه‌های مذهبی بیگانه و غیرمتداول) و در فضاهای دانشگاهی به «جنبش‌های نوپدید دینی» یاد می‌کنند.

تنها در انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۸۷ م، بیش از چهارصد گروه از این گروه‌های مذهبی به وجود آمده‌اند که تعداد آنها در

ایالات متحده‌ی آمریکا بیش از انگلستان است. رهبران این گروه‌های غیر متداول چنین انگاره‌هایی را ترویج می‌کنند که طبق ادعای آن‌ها، «هیچ کتاب مقدس در جهان ابدی نیست» و «انسان این شایستگی را دارد که دینی جدید را خلق نماید» از دیدگاه آن‌ها «روش‌های عقلی مانع کشف حقایق دینی می‌باشد و رستگاری بشر با کنار گذاشتن روش‌های عقلی و پیروی مطلق از بنیانگذاران این گروه‌ها حاصل خواهد شد.»

این گروه‌ها بر محور شخصیت رهبران و بنیان‌گذاران خود استوارند و از این رو بیشتر آن‌ها با مرگ بنیان‌گذاران شان محو و نابود شده‌اند. برخی از این گروه‌های غیر متداول و نوظهور، بنیادهای اعتقادی و عملی خود را به شکل‌های گوناگون از ادیان سنتی بزرگ اخذ و اقتباس کرده و آن گاه به شکلی جدید و گاه تحریف شده عرضه می‌نمایند. این گروه‌ها را در انگلیس مخلوط می‌نامند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این گروه‌ها اعتقاد به معنویت فردی و مذهب خصوصی است؛ به این معنی که به دنبال آیینی هستند که فرد، خود معمار آن است.

طالع بینی، جادوگری، غیب‌گویی، ورزش‌های معنوی، ارتباط با ارواح و موجودات سیار سیارات، روش‌های درمانی و معالجه‌ی بیماری‌ها با داروهای طبیعی یا اعمالی با مواد بلورین، در برخی از این گروه‌ها رایج و متداول است.

این گروه‌ها شماری از مؤسسات فرهنگی و تجاری را در جهان غرب تأسیس کرده، کتاب‌ها و مجلات متعددی را منتشر می‌کنند. بیشتر این گروه‌ها با مرگ بنیان‌گذاران آنها منقرض می‌گردند و با گذشت زمان تضعیف و محو می‌شوند. این در حالی است که اغلب افعال و مناسک ظاهراً مذهبی آن‌ها در جهان غرب توسط شمار زیادی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان برجسته و علمای مسیحیت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برخی از رهبران این گروه‌ها، به تشکیلات فراماسونی وابسته‌اند. بر اساس آمار موجود در جهان ۳۳۷۰۰ مکان برگزاری جلسات فراماسونها وجود دارد. در ربع قرن گذشته، فراماسونها - که با صهیونیست‌ها به ویژه گروهی مرموزی در میان آن‌ها به نام قبالة رابطه‌ای بسیار نزدیک دارند - در راستای اهداف گروه‌های بیگانه و غیرمتداول تبلیغ می‌کنند که پیروان این گروه‌ها با اطاعت از رهبران شان می‌توانند خدا شوند! اعتقادات این

گروه‌های بیگانه بر رموز و اسرار استوانه است و آن‌ها جوانان هجده تا بیست و پنج سال را هدف تبلیغات سازمان یافته‌ی خود قرار می‌دهند.

ویژگی‌های برجسته‌ی جنبش‌های نوپدید

در یک ربع قرن گذشته، نزدیک به ۲۵۰۰ گروه از این گروه‌های غیرمتداول به نام دین در ایالات متحده‌ی آمریکا و اروپا به سرعت بوجود آمدند. این گروه‌ها تغییراتی اساسی در اعتقادات خود به وجود آوردند تا خود را با فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی غربی کاملاً منطبق نمایند.

روش کاری این گروه‌ها آن است که اعضای خود را - که بیش تر از میان جوانان جذب شان می‌نمایند - با شست و شوی مغزی زیر نفوذ روانی رهبر گروه قرار می‌دهند. بعد از جذب کامل اعضا، از آنها خواستار پول می‌شوند و حتی آن‌ها را برای گردآوری اعانه استخدام می‌کنند. از آن جا که شمار اعضای این گروه‌ها محدود است، روابط و تعامل عاطفی میان آن‌ها بوجود می‌آید و حتی به کرات، رواج نامشروع جنسی در بین اعضای این گروه‌ها گزارش شده است.

این گروه‌ها با توزیع مجلات، کتابها، نوارهای سمعی و بصری و ایراد سخنرانی در هتل‌ها و مراکز شهری، ایده‌ی خود را - که اغلب مسائل مادی و روانی را تشکیل می‌دهد - با روش‌های متعدد درمانی ترویج می‌کنند. گفتنی است این گروه‌ها مسائل روانی و درمانی را که با واقعیت قطعی علوم پزشکی و روانشناسی ناسازگار است، به عنوان حقیقت علمی القاء می‌کنند که نتایج زیان بار و معکوسی برای اعضای آن‌ها در پی داشته است.

بیشتر این گروه‌ها به باورهای تمدن‌های قدیم جهان به ویژه دوران فراعنیه‌ی مصر - توجه خاص دارند و در کشورهای اروپا و آمریکا که کلیسا و مسیحیت بنیادین و کلاسیک در آن‌ها تضعیف شده است، نفوذ می‌کنند. گروه‌های مزبور به دلیل در اختیار نداشتن معیاری معین و به خاطر ویژگی التقاطی آن، همواره از درون خود تجزیه و شاخه، شاخه می‌گردند. این گروه‌ها فقط به خواهش‌های فردی توجه دارند و به مسائل و تحولات اجتماعی توجه ندارند.

رابطه‌ی تمدن سکولار غرب و جنبش‌های نوپدید

مصرف گرایی به عنوان یک اصل، در زندگانی جوامع غربی، مدرن حاکم است و بر این اساس کالاهای مصرفی برای فروش توسط رسانه‌ها تبلیغ می‌شوند. گروه‌های غیر متداول نیز افکار خود را در جوامع غربی به عنوان کالاهای مصرفی و مطابق فردگرایی حاکم بر این جوامع ترویج می‌کنند. جوانان این جوامع هم برای ایجاد تغییر در روند عادی زندگی خود و کسب یک تجربه‌ی جدید، جذب این گروه‌ها می‌شوند، چرا که این گروه‌ها از جهاتی با ادیان سنتی، تشابهاتی دارند.

برخی از این گروه‌های نوظهور، فاقد هر گونه تعلیمات دینی هستند و فعالیت‌های آن‌ها بر محور رهبرانشان انجام می‌شود که تسلطی کامل بر اعضای خود دارند. اعضای این گروه‌ها بعد از عضو شدن در تشکیلات از خانواده و جامعه‌ی خود کاملاً منقطع می‌شوند و در اختیار این گروه‌ها قرار می‌گیرند.

در پروژه‌ی سکولار نمودن جوامع جهانی، این گروه‌های غیرمتداول مذهبی را که جدیداً ظهور نموده اند، به عنوان «ادیان جایگزین» معرفی می‌نمایند و دکتر پیتر کلراک (استاد فلسفه‌ی دین در دانشگاه لندن) این گروه‌ها را به «اسب‌های تروا» (حمله از درون) تشبیه می‌کند که هدف آنها «سکولار نمودن تمامی ادیان در جهان از درون» است.

بیشتر اعضای ای گروه‌ها مورد سوء استفاده و استثمار رهبران و افراد نزدیک به رهبران خود قرار می‌گیرند، ولی به دلیل شرم و ترس از آنها، این مطلب را آشکار نمی‌کنند. با این حال، فسادهای جنسی و مالی از سوی بنیان گذاران این گروه‌ها، سبب جدایی شمار زیادی از اعضای این گروه‌ها شده است.

اکثریت مطلق این گروه‌ها نظام سرمایه داری، خصوصی سازی، فرضیه‌ی نسبی گرایی، مکتب وحدت وجود و فلسفه‌ی کلیت را ترویج می‌کنند و باورهای دینی آن‌ها تلفیقی از عقاید ادیان مختلف با یک دیگر است و بر این اساس پیروان خود را در فضایی در فانتزی (خیال بافی) غوطه ور می‌نمایند. بیش تر پیروان این گروه‌ها از مواد مخدر و مدیتیشن برای بوجود آوردن حالت خلسه و نشاط بهره می‌گیرند که این امر، باعث ایجاد تضاد میان تعقل و احساسات و انشعاب در شخصیت فرد می‌گردد.

بعضی از این گروه‌ها ریاضت‌های سخت و برخی لذت جویی‌های افراطی را برای پیروان خود تجویز می‌کنند و به این ترتیب - بر خلاف ادعای خود - پیروان خود را از دست یابی به حقیقت ابدی باز می‌دارند. یک معنای سکولاریسم، انکار متافیزیک است؛ در حالی که در جنبش‌های نوپدید دینی، متافیزیک نفی نمی‌شود؛ اما تحت تأثیر آموزه‌های بنیادین مدرنیسم که سکولاریسم یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن است، متافیزیک هم بر اساس تعالیم مدرنیستی مانند جهان مادی باید ساخته شود، نه آن که وجود دارد و فرد مکلف به پیروی از آن باشد! همین درک از متافیزیک است که باعث گردیده تا در جنبش‌های نوپدید دینی، تلاش برای ساختن دنیای معنوی، کاملاً شخصی شده و فرد تلاش می‌کند خود، معنویت و دیانت خود را از نو معماری نماید.

ارتباط با فراماسون‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های این گروه‌ها، برقراری رابطه‌ی نزدیک با فراماسون‌ها می‌باشد. در دوران جنگ‌های صلیبی و بعد از فتح بیت المقدس، یک گروه مذهبی و نظامی برای حفاظت از زائران مسیحی که به بیت المقدس سفر می‌کردند، در سال ۱۱۱۸ م تشکیل گردید این گروه به عنوان «نات تیمپلر» شهرت یافت. گروه مذکور در دوران جنگ‌های صلیبی ثروت زیادی به دست آورد و در دوران اقامت خود در بیت المقدس با گروه یهودی به نام قباله ارتباط برقرار کرده آن‌ها اعتقادات مذهبی مردم عصر دوران فرعونیان را جزء باورهای دینی خود قرار دادند. نامبردگان را می‌توان از بنیانگذاران نظام سرمایه داری در دوران قرون وسطی در اروپا نامید که نظام بانکداری جدید را که بر مبنای «معاملات ربایی» استوار است، طراحی کردند. آن‌ها مراسمی که با دین مسیحیت کاملاً بیگانه بود انجام می‌دادند، پس از پایان جنگ‌های صلیبی، گروه مزبور در کشورهای اروپا به ویژه فرانسه، با ثروت خود قدرت سیاسی را به دست آوردند. این گروه به دستور پاپ کلیمت پنجم توسط امپراتور فرانسه در سال ۱۳۱۲ م سرکوب شدند.

در قرن بیستم در انگلستان گروه‌های دیگری به نام «جامعه‌ی روشنایی درون» بوجود آمدند که عرفان واقعی را حداکثر بهره مند شدن از لذات جنسی و مادی می‌دانستند و اعتقاد داشتند در بهره مندی از هر گونه لذت جنسی و مادی هیچ گونه ملامت روحی و ندامت نباید در شخص بوجود آید.

در آمریکا با حمایت فراماسون‌ها گروه‌های جدید با عنوان «مشرکان جدید» بوجود آمده است که اعتقادات و سنت‌های بومیان قاره‌ی آمریکا را با اعتقادات و مراسم عبادی کاهنان جادوگر اقوام سلتی تلفیق نموده اند. این گروه‌ها در آمریکا در سال ۱۹۹۱ م فدراسیون جهانی مشرکان را بوجود آورده‌اند و مراسم عبادی آن‌ها شامل پرستش خدایان زن است که ابتذال جنسی را در پی دارد.

روش‌های اعمال نفوذ مدعیان دروغین

بررسی‌ها نشان می‌دهد هر کدام از مدعیان با روشهای خاص برای پیشبرد اهداف خود تلاش کرده‌اند، اما در مجموع روشهای زیر از طرف همه آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- ۱- نشان کردن و جذب افراد ساده لوح و زودباور
- ۲- دروغ‌های بزرگ برای جذب تک تک مریدان به طور جداگانه
- ۳- اخاذی پنهان از مریدان
- ۴- پنهان کاری در روابط خود با مریدان
- ۵- صدور فتوا و دستورات فقهی برای مریدان بدون ارجاع آنان به مراجع تقلید
- ۶- وادار کردن مریدان به انجام روشهای خرافی و غیراخلاقی و...
- ۷- تعبیر خوابهای مریدان به شکل و دلخواه و غیراصولی
- ۸- تفسیر به رأی و تأویل آیات و احادیث و... برای جذب مریدان
- ۹- تکفیر اشخاصی که با عقاید آنها مخالفت می‌کنند.
- ۱۰- ارائه جزوات حاوی دستورالعمل‌های خاص و اختلاف افکن.
- ۱۱- مسافرت اردویی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مریدان برای انتخاب زوج معرفتی
- ۱۲- تعیین وظیفه و دادن مأموریت به مریدان

- ۱۳- نفوذ مریدان جهت جمع آوری اخبار از مراکز مورد نظر
- ۱۴- نامه نگاری به برخی مراکز موجه برای اثبات حقانیت خود
- ۱۵- تلاش برای جدائی همسران و متلاشی کردن خانواده‌ها
- ۱۶- دستور طلاق یا ازدواج تشکیلاتی
- ۱۷- ادعای رفع مشکلات روحی و جسمی و مادی
- ۱۸- و

فصل چهارم؛

بررسی برخی فرقه‌های وارداتی

۱- شیطان پرستی

سالهای پس از رنسانس را می‌توان به سالهای افسار گسیختگی جهان غرب در تمامی ابعاد فردی، اجتماعی و جنبه‌های متعدد روابط انسانی توصیف کرد.

پس از برداشته شدن یوغ تعلیم متعصب کلیسای کاتولیک از گردن انسان غربی، چند کنش مهم فکری و فلسفی شکل گرفت که از جمله آنها، رویکردهای متفاوت به مسأله انسان و رابطه او با خداست که زمینه‌های شکل‌گیری بسیاری از جریان‌های فلسفی را فراهم آورد.



قرن‌ها بعد یعنی در سالهای آغازین قرن بیستم برخی عناصر فاسد الاخلاق با اتکا به گرایش‌ها و نظریات توراتی و پروتستانی به طور مخفیانه جریان شیطان پرستی را با ویژگی‌هایی همچون گناه گرایی، قتل، تجاوزات جنسی، نابود کردن اصول اخلاقی، بی توجهی به مسائل توحیدی و... پایه‌گذاری کردند.

اگرچه فطرت خداجوی انسانی عاملی بازدارنده در تمامیل یافتن تعداد زیادی از افراد به این جریان شده، ولی استفاده از موسیقی‌های جذاب و متنوع، انجام اعمال خارق‌العاده و دور از ذهن، تهی شدن انسان

غربی و عصر جدید از معنویت و اتصال به منبع فیض، موجبات گرایش افراد اندکی را به این گروهها فراهم آورد.

نکته حائز اهمیت آن است که با وجود عدم استقبال عمومی از عضویت در گروههای شیطان پرستی، آموزه‌ها و تعالیم گمراه کننده‌ای توسط ایشان و به وسیله ابزارهایی که از سوی قدرت‌های بزرگ سیاسی در اختیارشان قرار گرفته، منتشر شده و می‌شود و این گروهها در سراسر جهان همواره به عنوان کانون‌های فساد و فحشا شناخته می‌شوند.

سال ۱۹۶۰ را می‌توان به طور جدی آغاز دور جدید حیات و فعالیت شیطان پرستان در آمریکا دانست، یعنی زمانی که یک جریان خاص شیطان پرستی مسیحی به طور رسمی در کشور آمریکا فعالیت خود را به عنوان یک فرقه و مکتب آغاز کرده است. نکته قابل توجه، نقش جدی یک مأمور شناخته شده سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا در شکل‌گیری جریان یاد شده است.

شیطان پرستی دینی

این که اساساً می‌توان شیطان پرستی را دینی خواند، محل سؤال جدی است، اما با توجه به این که در بیشتر کشورها چنین دسته بندی‌های ارائه شده است، از عنوان «شیطان پرستی دینی» عیناً استفاده می‌شود.

مبنای بنیادین این نوع گرایش به شیطان‌پرست، پرستش یک نیروی ماوراء الطبیعه اساطیری یا چند خدایی است و بیشتر پیروان آن به «خدایان» روم باستان، الهه‌های شرقی و... گرایش دارند. اما رکن اصلی این نوع شیطان پرستی نیز مانند دیگر انواع آن، تأکید بر پرورش استعدادهای شخصی انسان و در حقیقت خودپرستی است.

شیطان پرستی فلسفی

این نوع گرایش عبارت است از این که محور و مرکز عالم، انسان است. این شاخه از شیطان پرستی به پایه‌گذار این فرقه به نام آنتوان لاوی نسبت داده می‌شود.

این نوع شیطان گرایی نیز مانند نوع دیگر یعنی دینی و گوتیک از مبنای اعتقادی یهودیت نشأت گرفته است.

بنیانگذار این فرقه کتابی را با عنوان «انجیل شیطان» و کتاب دیگری نیز با نام «آیین پرستش شیطانی» به چاپ رساند. روز مرگ لاوی با نام هالووین در آمریکا شناخته می‌شود.

شیطان پرستی گوتیک

این نوع شیطان گرایی نیز مانند ۲ نوعی که در قبل اشاره شد، نوعی



از شرپرستی با اشاره به تاریکی است و از کثیف‌ترین فرقه‌های انحرافی به شمار می‌آید. در موسیقی متالیک نیز سبکی به نام گوتیک وجود دارد.

کثیف‌ترین اعمال مانند خوردن نوزادان، تجاوزات جنسی و... به این گروه نسبت داده می‌شود؛ (اگرچه برای

تمام گروههای شیطانی این اعمال از واجبات به حساب می‌آید!) میل و درخواست به «برگشت تاریکی» در این شاخه بارز است. همانند اعضای گروه «آکنکار» که با لباسهای تیره به غارها و تاریکی‌ها برای فریاد کشیدن پناه می‌برند.

صهیونیسم و شیطان‌نیسیم

در اینجا رابطه میان صهیونیسم و یهودیت و ارتباط آن با شکل گیری و دوام شیطان‌نیسیم را بررسی می‌کنیم. بسیاری معتقدند، متون دینی یهود، مهمترین عامل ایجاد این نحله فاسد فلسفی بوده است.

متون

از منظر متون یهودی و نقش آنها در شکل گیری شیطان پرستی، چند نکته زیر قابل توجه است:

الف) براساس آموزه‌های یهودی و عبرانی، شیطان نه یک موجود بد، بلکه فرشته‌ای خادم برای آزمایش انسانهاست.

ب) در مکاشفات نیز به عدد ۶۶۶ - عدد مقدس شیطان پرستان - اشاره‌هایی شده است و آن عدد وحش توصیف شده که باید شمرده شود.
ج) خواه ناخواه متون یهودی منبع برداشت برای مسیحیان نیز قلمداد می‌شوند و نگاه خاص یهودیت به شیطان، تأثیرات فراوانی را بر مسیحیت داشته است.

تصوف یهودی (کابالا) ۱

کابالا یا قبالا یا همان تصوف یهودی، آیینی است که به نوع خاصی از ریاضت‌های شیطانی یهودیت دلالت دارد. طبق نظر کارشناسان ملل و نحل، این فرقه تحت تأثیر عرفان و تصوف اسلامی و بر اثر همنشینی مسلمانان آندلس با برخی یهودیان تشکیل شده است.

کابالا، بخش رمز آلود و بسیار سری دین یهودی در ۵۰۰ سال اخیر به شمار می‌آید و عمده تحولات جهان از سوی کابالیست‌ها دنبال می‌شود.^۲

۱ قباله / کابالا (Qabbalah- Kabbalah)

قباله بر دریافت و ادراک عمیق ده فرمان خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) و حوادث تشریح شده در تورات تأکید دارد. براساس دیدگاه علمای یهود، کابالا یک روش متافیزیکی است که فرد برگزیده از طریق آن، خدا و کائنات را می‌شناسد. این اسرار همه در کتاب مقدس محفوظند، که به نسبت‌های ریاضی و استفاده از جادو و علوم غریبه از متن کتاب به دست می‌آیند.

در خداشناسی قبالایی، نه تنها دیدگاه نکر خدایان وجود دارد، بلکه خداوند، صورت دوگانه مذکر و مؤنث به خود گرفت: Hokhmah و binah؛ پدر و مادر آسمانی. اولین شکل‌های خدایی بودند! کابالیست‌ها برای توضیح چگونگی آمیزش دو خدای اولیه و ایجاد آفرینش بعدی، به صراحت از استعاره‌های جنسی استفاده می‌کنند. براساس این خداشناسی سری، بشر آفریده نشده، بلکه خود به گونه‌ای خداست! «کابالا تصور پیچیده خدا را به گونه دیگری می‌داند؛ به گفته یک کابالیست، خدا اولین انسان ازلی و نمونه اولیه آن بود»

۲- کابالا پس از تدوین، به تعالیمی پنهانی در یهودیت مبدل شد، اما با تورات راستین که خداوند هدایت و نور را در آن قرار داده بود مغایرت داشت؛ به همین سبب در انحراف یهودیت به سمت دنیاگرایی و جادو بسیار موثر بود.

کابالا را می‌توان ادامه سنت تفسیر راز آلود تلمود (کتاب تفاسیر شفاهی تورات که کم کم مکتوب شده و هنوز هم بر حجم آن افزوده می‌شود و برای یهودیان بسیار پراهمیت است) دانست. پیش از کابالا، دانشمندان یهود در متون تلمود به دنبال رازهای پنهانی می‌گشتند و این روند به جایی رسید که آنها تلاش کردند با استفاده از کابالا به بررسی شیوه‌های کنترل ارواح بپردازند.

کابالا در اکثر موارد، بحث‌هایی از ریاضی و علوم غریبه هم دارد، یعنی طی آن با جایگشت یا بدون جایگذاری بیست و دو حرف الفبای عبری به این روند، تلاش می‌شود تا روابط

کریستف کلمب و همکارانش همگی کابالیست بودند و از فنون جادوگری کابالایی و منجمان آن برای پیدا کردن قاره آمریکا بهره بردند. کابالا عمیقاً بر برخی باورهای خرافی همچون جادوگری استوار است و رسماً آن را مقدس می‌داند و این عمده‌ترین نقطه اشتراک شیطان پرستی در گذشته و حال است.

هم اکنون اصطلاح کابالا، وصف کننده تمرین آیین و دانش محرمانه یهود است. مهمترین منابع و کتابهای کابالیستی که به عنوان ستون فقرات و پایه اصلی آیین کابال درآمدند، شامل مجموعه کتابهای عبری «بهیری» - به معنای کتاب روشنائی - و «هیچالوت» - به معنای کاخ‌ها - می‌شوند که به قرن اول میلادی باز می‌گردند و نهایتاً در قرن ۱۳ میلادی کتاب «زوهار»^۱ نوشته شد که تفکر و شکل کنونی آیین کابالا را تشکیل داد.

دکتر عبدالله شهبازی، نویسنده مجموعه کتابهای زرسالاران یهودی و پارسی و متخصص در باره تعریف کابالا می‌نویسد: کابالا نامی است که بر تصوف یهودی اطلاق می‌شود و تلفظ اروپایی «کباله» عبری است به معنی قدیمی و کهن.

این واژه به شکل «قباله» برای ما آشناست. پیروان آیین کابالا یا کابالیستها این مکتب را «دانش سری و پنهان» خاخام‌های یهودی می‌خوانند و برای آن پیشینه‌ای کهن قائلند. برای نمونه، مادام بلاواتسکی، رهبر فرقه تتوسوفی مدعی است که کابالا (قباله) در اصل کتابی است رمزگونه که از سوی خداوند به پیامبران، آدم، نوح، ابراهیم و

ریاضی بین اعداد و حروف کشف شود، برای مثال: معتقدان به کابالا می‌کوشند تا با استفاده از ترکیب حروف و جمع و تفریق اعداد و استفاده از قواعد ایجد و تلاعب و بازی اعداد و کلمات عبری، رازهایی چون «چگونگی صدور انسان که وجودی ناقص دارد، از خداوند که موجودی کامل است» را حل کنند.

۱ - کتاب ظُهر یا زوهر (Seferha-Zohor)

مهمترین کتاب کابالا، که آن را به صورت نظامی منسجم درآورد، ظُهر یا زوهر است. این کتاب، تفسیری رازآلود بر تورات است که در قرن ۱۳ میلادی به زبان آرامی نوشته شده است. نویسنده این کتاب، یک یهودی اسپانیایی به نام «موسی بن شم تاو لئوونی» است که در سالهای ۱۲۸۰-۱۲۸۶ آن را نوشت و برای معتبر کردن کتاب خود مدعی شد که آن را براساس متن کشف شده‌ای از قرن دوم میلادی اثر یک خاخام یهودی به نام «شمعون بن یوحای» نوشته است.

موسی نازل شد و حاوی دانش پنهان قوم بنی اسرائیل بود. به ادعای بلاواتسکی نه تنها پیامبران، بلکه همه شخصیت‌های مهم فرهنگی و سیاسی و حتی نظامی تاریخ چون افلاطون، ارسطو، اسکندر و... دانش خود را از این کتاب گرفته‌اند! مادام بلاواتسکی برخی از متفکران غربی چون اسپینوزا، بیکن و نیوتون را از پیروان آیین کابالا می‌داند.

شهبازی در رد این ادعا می‌گوید:

«این ادعا نه تنها پذیرفتنی نیست بلکه برای تصوف یهودی به عنوان یک مکتب مستقل فکری پیشینه جدی نمی‌تواند یافت».

شهبازی، دیرینه مکتب کابالا را به اوایل سده سیزدهم میلادی محدود کرده و ماقبل آن را گردهمایی یهودیان از مکتب فیلمون اسکندرانی در فرهنگ هلنی و فلسفه یونانی و کپی‌برداری از آموزه‌های عرفانی مکتب اسلام می‌داند.

شهبازی در باره نمونه تأثیرات فرهنگ اسلامی بر تصوف یهود می‌نویسد:

«بسیاری از مفاهیم آن (کابالا) شکل عبری مفاهیم رایج در فلسفه و عرفان اسلامی است. در واقع اندیشه‌پردازان مکتب کابالا به دلیل زندگی در فضای فرهنگ اسلامی و آشنایی با زبان عربی به اقتباس از متون مفصل عرفان اسلامی دست زدند و با تاویل‌های خود به آن روح و صبغه یهودی دادند. این کاری است که یهودیان در شاخه‌های متنوع علوم و دانش انجام دادند. برای نمونه باید به مفاهیم هوخمه (حکمت)، کدش (قدس)، نفس (نفس)، نقش مدبر (نفس مدبره)، نقش سیخلت (نفس عاقله)، نقش حی (نفس حیات بخش)، روح و... در کابالا اشاره کرد.

مکتب کابالا نیز به ۲ بخش حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می‌شود. در تصوف کابالا، بحث‌های مفصلی درباره خداوند و خلقت وجود دارد که مشابه عرفان اسلامی است بویژه در تأکید فراوان آن بر مفهوم نور و مراحل تجلی آن».

این استاد تاریخ در انتهای بحث خود می‌افزاید:

«آنچه از زاویه تحلیل سیاسی حائز اهمیت است، «شیطان‌شناسی» و «پیام مسیحایی» این مکتب است و دقیقاً این مفاهیم است که کابالا را به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی، معنادار می‌کند».

کابالا و بت پرستی و شرک باستان

هارون یحیی می‌نویسد: بنی اسرائیل زمانی که موسی(ع) هنوز در قید حیات بود، به ساخت بت‌هایی از آنچه در مصر دیده بودند، پرداختند و به عبادت آنها مشغول شدند! پس از مرگ موسی(ع) دیگر ترسی از برگشتن از دین و انحرافات نداشتند، این موضوع را نمی‌توان به همه یهودیان تعمیم داد، به همین سبب، بعضی از آنان بت پرستی مصر باستان را پذیرا شدند. در واقع آنان عقاید «کاهنان مصر» یا همان «جادوگران فرعون» را - که بنیاد عقاید اجتماعی آن زمان را تشکیل می‌داد - ادامه دادند و ایمان خود را کنار گذاشتند. عقایدی که یهود از مصر باستان با آن آشنا شد، بعدها ذیل نام «کابالا» ادامه یافت. ساختار کابالا در باره آفرینش، با آنچه در تورات است، کاملاً متفاوت می‌باشد و تفسیری ماده‌گرا و مبتنی بر عقاید مصر باستان بوده و به وجود ابدی ماده عقیده دارد.

مناسک جنسی در فرقه کابالا

مسئله دیگر در فرقه کابالا، مناسک جنسی این فرقه است که از نیمه سده هجدهم و براساس آموزه‌های فردی به نام یعقوب بن یهودا لیب ظهور کرد که با نام یاکوب فرانک (۱۷۱۹-۱۷۲۶) شهرت دارد. یاکوب فرانک شاخه «فرانکیست» فرقه کابالا را بر بنیاد میراث شاخه‌های متعلق به «شابتای زوی» و «ناتان غزه‌ای» بنا نهاد. یکی از مواردی که توانسته کابالا به شیطان پرستی راه یابد، نماد پنتاگرام یا ستاره ۵ پر است. این نماد نمانند ابزاری برای جادوگران کابالیست مورد استفاده قرار می‌گرفته است. گفتنی است، بخش عمده‌ای از بازیگران و خوانندگان فحشا در جهان همچون مدونا کابالیست هستند.

مدونا در سال ۲۰۰۵ به طور رسمی عضویتش را در گروه‌های کابالا اعلام کرد و نام یهودی «استرا» را بر خود نهاد. نقطه دیگر اشتراک کابالا با شیطان پرستی، دیدگاه جنسی این دو فرقه است به این معنا که در هر دو نحله فاسد، لذت جنسی در اولویت قرار دارد.

بنیانگذاران کابال همان افرادی هستند که نهضتی را با عنوان «پرستش زنان» تشکیل دادند که می‌توان بصراحت آن را یک جریان شهوت محور خطاب کرد.

این گروه، جریانی را پی گرفت تا رابطه جنسی نه مانند یک عمل برای تداوم نسل، بلکه در جهت هدف انسان در زندگی به آن نگاه شود. برخی کارشناسان بر این باورند که کابالیست‌ها، ذائقه جنسی مردان و زنان را در سراسر عالم دستخوش تغییر و تحول کرده‌اند و به سمت توحش برده‌اند، مانند تغییر جنسیت مایکل جکسون و...

اگرچه آوردن دیگر توضیحات مناسب این نوشتار نیست، ولی یادآوری این نکته ضروری است که یهودیان و صهیونیست‌ها بشدت از سخن راندن در باره کابالا پرهیز دارند و امروز تنها یک کتاب فارسی در این خصوص موجود است و در صفحات مقالات اینترنتی نیز تا ۲ سال قبل بجز کابالا شدن مدونا خبری در دسترس عموم قرار نداشت.

نمادها

در بررسی نمادهای متعلق به شیطان پرستی، خط بسیار روشنی از ارتباط صهیونیسم و شیطان‌یسم به وضوح دیده می‌شود.

در ذیل برخی از نمادها که به عنوان نگین انگشتر، گردنبند، تصاویر روی دست بندها، پیراهن، شلوار، کفش، ادکلن، ساعت و... درج شده و به ایران اسلامی نیز راه یافته است، مورد بررسی و معرفی قرار می‌گیرد:

اگر نوشته وسط نماد یعنی (Satanism) به معنای شیطان گرایی را همراه دایره حذف کنیم، آن وقت یک ستاره ۵ ضلعی می‌ماند که همان نشانه ستاره صبح یا پنتاگرام است.

این نشانه سمبل پنتاگرام است که به شکل ۵ ضلعی وارونه (snvertidpentagram) و گاهی به شکل (Buphomet) در میان نمادهای شیطان پرستان به چشم می‌خورد.

گفتنی است، برخی از شیطان گرایان، محدوده جغرافیایی تحت سلطه این نماد و در واقع منطقه نفوذ شیطان گرایی را در نقشه‌ای توصیف می‌کنند. (محدوده‌ای در ايسلند و اروپا) که آن هم مشابه ستاره ۵ ضلعی است.

در میان پنتاگرام‌های قبلی، تصویر سر یک بز تعبیه شده است که اقدامی ضد مسیحی و به این معناست که مسیحیان معتقدند، مسیح همچون یک بره برای نجات ایشان قربانی شده است و با توجه به این که مسیحیان بز را نماد شیطان و در برابر بره می‌دانند، شیطان پرستان این آرم را انتخاب کرده‌اند.

۶۶۶؛ سمبلی است که با عنوان شماره تلفن شیطان از سوی گروه‌های هوی متال، وارد ایران اسلامی شده؛ اما در حقیقت علامت انسان و نشانه جانور در میان شیطان پرستان تلقی می‌شود از سالها پیش تاکنون این عدد با اشکال مختلف روی دیوار شهرهای بزرگ مشاهده می‌شود.

صلیب وارونه: (pown cross upside) این نماد حکایت از وارونه شدن مسیحیت دارد و عمدتاً استهزا و سخره گرفتن این دین است. صلیب وارونه در گردنبند‌های بسیاری دیده شده و خوانندگان راک، انواع مختلف آن را همراه خود، دارند.

نماد صلیب شکسته یا چرخ خورشید (swastika or sun wheelc) چرخ خورشید نمادی باستانی است که در برخی فرهنگ‌های دینی همچون کتیبه‌های بر جای مانده از بودایی‌ها و مقبره‌های سلتی و یونانی دیده شده است.

گفتنی است، این علامت سالها بعد توسط هیتلر به کار رفت، اما برخی با هدف به سخره گرفتن مسیحیت، این سمبل را وارد شیطان پرستی کردند.

چشمی در حال نگاه به همه جا: (All seeing Eye) چشمی در برخی نمادهای روشنفکری نیز به کار می‌رود. اما شیطان پرستان اعتقاد دارند چشم بالای هرم، چشم شیطان است و بر همه جا نظارت و اشراف دارد.

این علامت در پیشگویی، جادو کردن، نفرین‌گری و کنترل‌های مخصوص جادوگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ضمن این نماد روی دلارهایی آمریکایی نیز به کار رفته است.

این نمادها به انگلیسی (Ankh) انشا می‌شود و سمبل شهوت‌رانی و باروری است.

این نمادها به معنای روح شهوت زنان نیز تعبیر می‌شود. امروزه نماد فمینیسم در واقع نمادی برداشت شده از سمبل‌های شیطانی است.

پرچم رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی علاوه بر حمایت‌های آشکار و پنهان، حتی از قرار گرفتن نماد رسمی کشور نامشروعش در کانون علائم شیطان گرایان نیز پرهیز ندارد.

ضد عدالت: (Anti justice) با توجه به این که تبر رو به بالا نماد عدالت در روم باستان به شمار می‌آمده است، شیطان پرستان تبر رو به پایین را با عنوان نماد ضد عدالت در راه پیمودن مسیر تاریک، انتخاب کرده‌اند.

همچنین گفتنی است که فمینیست‌ها از ۲ تبر رو به بالا به معنی مادرسالاری باستانی استفاده می‌کردند.

سر بز (Goat Head): بز شاخدار، بز مندس (همان بعل خدای باروی مصر باستان)، بافومت، خدای جادو، (بز طلّیعه یا قربانی) این یکی از راههای شیطان پرستان برای مسخره کردن مسیح است زیرا گرفته می‌شود که مسیح، مانند بره‌ای برای گناهان بشر کشته شد. همان طور که در توضیح نمادهای اول اشاره شد، این نماد تصویر کاملی از بز قرار گرفته در نماد پنتاگرام است.

هرج و مرج: (Aye of satan) این نماد نیز به معنای چشم شیطان و نظارت و اقتدار است و کمتر شناخته شده است.

این دو نماد نیز به عنوان سمبل‌های شیطان پرستی در زیورآلات و... به کار می‌رود.

سیاست اسرائیل

رژیم اشغالگر قدس که سلامت اخلاقی، روحی و روانی انسانها را همواره به منزله تهدیدی جدی برای منافع ملی خود می‌بیند در اقداماتی گوناگون و پیاپی مبادرت به ساخت جریان‌های مسموم فرهنگی کرده است و این جریانات مسموم را به رگ‌های حیاتی جوامع - از طریق جاذبه‌های مجازی - تزریق می‌کند.

در نگاهی جامع، ارتباط رژیم صهیونیستی و نقش آن در سازماندهی گروههای شیطان پرست در محورهای زیرقابل اشاره است:

الف) این گروهها به لحاظ داشتن فلسفه اولیه و بسترهای معرفتی دامنه وسیعی از ارتباط با این رژیم داشته و خواهند داشت.

ب) نحله‌های مختلف شیطانی از سوی ۲ سازمان مهم جاسوسی یعنی CIA و موساد سازماندهی، هدایت و تغذیه می‌شوند.

ج) بودجه، نظارت و پشتیبانی، شیطان پرستان فعال در جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم از سوی سازمان موساد تأمین شده و این سلسله اقدامات با اهداف امنیتی دنبال می‌شود.

د) رژیم صهیونیستی از اعضای گروهها برای مقاصد شوم سیاسی و جاسوسی بهره می‌برد، به گونه‌ای که انجام خشونت‌بارترین اعمال به این گروهها واگذار می‌شود.

موسیقی و شیطان پرستی

شیطان پرستان با استفاده از موسیقی توانستند به نفوذ خود در اقصا نقاط جهان بیفزایند. بیشتر این اقدامات در فضای تأسیس و فعالیت گروه متالیکا دنبال شده است.

آشنایی با متالیکا

در سال ۱۹۸۱ یک نوازنده درام به نام «لارس ال ریچ» با انتشار آگهی فراخوان تشکیل گروه «هوی متال» را اعلام کرد و پس از مدتی موفق به جذب افراد مختلفی شد.

فعالیت این گروهها مانند دیگر گروههای هوی متال به صورت غیرقانونی و زیرزمینی در ظاهر و در باطن با حمایت سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا با شعارهای اجتماعی و اعتراضی ادامه و گسترش یافت.

این گروه چند سال بعد پیشنهادهای Black metal نیز عرضه کرد و ضمن ارائه آثار مختلف، زمینه را برای شکل‌گیری گروههای بعدی فراهم آورد.

ارزش‌های القایی متالیکا

متالیکا در حقیقت ضدارزش‌هایی را ارائه می‌کند که شامل بازگشت به تاریکی (محور اصلی تفکرات شیطان پرست)، بی رحمی و تجاوزات جنسی، فحاشی، هجوم و حمله به جامعه و فرهنگ عمومی آن است.

خوانندگان این گروه روی صحنه و در کلیپ‌های خیابانی دست به خوردن و آشامیدن میوه‌های فاسد، ادرار، مدفوع، خون و مردار می‌زنند و از کثیف‌ترین گروه‌های موسیقی جهان به شمار می‌آیند. متالیکا از همجنس بازی نیز دفاع می‌کند و آلبومی را در سالروز مرگ «کوئین»، همجنس باز بنام آمریکایی منتشر کرد. برخی آمارها حکایت از این امر دارد که تاکنون بیش از ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار کپی از آلبوم‌های این گروه موسیقی شیطانی به فروش رسیده است.

دلایل استفاده از موسیقی

الف. جاذبه‌های مجازی و حاشیه‌ای موسیقی متالیکا مانند ایجاد فضا برای روابط آزاد دختران و پسران
ب. ارزان بودن و قابلیت دسترسی موسیقی با توجه به ارتقای تجهیزات فنی تکثیر و توزیع
ج. کاهش سطح حساسیت یا حساسیت زدایی از طریق نفوذ به خانواده‌ها، شرکت‌ها، اتومبیل‌های شخصی، رایانه‌ای شخصی و در نهایت گوشی‌های تلفن همراه.

مرلین منسون



استفاده از موسیقی و به تبع آن ظهور خوانندگان جدید همانند شیاطین نو، ظرفیت‌های جدیدی را در اختیار شیطان پرستان قرار داد.

«مرلین منسون» نام مستعار «برایان وارنر»

(Brain Warner) متولد سال ۱۹۶۹ میلادی از یک خانواده فقیر و سطح پایین فرهنگی در منطقه کانتون اوهایو آمریکا می‌باشد. وی پس از آشنایی با اسکات میچل گیتاریست فعال در برخی گروه‌های کوچک و نه چندان حرفه‌ای راک، گروه متالیکای خود را تشکیل می‌دهد.

وی در این سال‌ها نام مرلین منسون (Marilyn manson) را با ترکیب نام دو نفر دیگر بر خود می‌گذارد.

پس از انجام اقدامات جسورانه گروه منسون در انتخاب رنگ‌بندی صحنه، نوع اجرا، گستاخی در استفاده از الفاظ رکیک و ترویج فحشا در آثارشان، «ترنست رزنور» (یکی از فعالان گروه متالیکا در آمریکا) در سال ۱۹۹۳ زمینه تبادل نظر گروه منسون که دچار تغییرات رادیکال‌تری نیز شده بود را با مدیر یک شرکت فعال در حوزه موسیقی آمریکا بنام



«تایتینگ ریکورد زلیپل» را فراهم می‌آورد.

منسون در این سال‌ها و به سرعت عصر توحش موسیقیایی‌اش را پشت سر گذاشت

و به ستاره مبتذل، اما پرمخاطب رسانه‌های آمریکایی بدل شد.

ناگفته نماند که حضور معنادار روزنامه‌های آمریکایی در چهره‌سازی این عنصر نامطلوب فرهنگی نیز بی‌تاثیر نبوده که در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت.

او در سال ۱۹۹۷ به یکی از خبرسازترین چهره‌های جهان بدل شد. اما آنچه باید ذکر شود، آن است که محصول این فعالیت‌ها شهرت و ثروت بسیار زیادی است که حداقل ۵ نسل بعد از این خواننده متالیکا را بیمه کرده است و بسیاری از آگاهان نامبرده را از سوپر میلیونرها یا بهتر بگوییم میلیاردرهای جهان می‌شناسند که به کمک تسلط بر احساسات جوانان دورمانده از معنویت و به مدد کارهای شنیع توانسته است ثروت کلانی را جذب



حساب‌های بانکی‌اش نماید.

سیک خاصی را نیز در ارائه آثار موسیقیایی به منسون نمی‌توان نسبت داد، اگرچه همانطور که اشاره شد پایه تم‌های آثار وی همان پایه‌های برگرفته شده از موسیقی متال است.

هیچ عقیده ثابتی را نمی‌توان به منسون نسبت داد، او مظهر لاقیدی و بی‌عقیدگی محض است و آنجا که پای عقیده به میان کشیده می‌شود آن عقیده به شیطان و بزرگی این موجود رانده شده‌است.



بی‌عقیدگی که در پلورالیسم یا نسبت‌گرایی نیز رخ می‌نماید امروزه شاخصه زیربنای بسیاری از مکاتب فکری است، بد نیست در اینجا متذکر شویم که منسون مصداق نسبی‌گرایی در حوزه اخلاق است.

در هر حال این شیطان‌مدرن به نظر گروهی یک متالیکا و به نظر گروهی دیگر یک پانکیسم است.

اما برخی عقاید محوری این شیطان دست‌آموز آمریکا به قرار ذیل است :

۱. هر کس او را نمی‌فهمد خودش دچار مشکل فکری است و کودن

است.



۲. هر کس برداشت بدی از آثار وی دارد، خودش دچار ردایل اخلاقی است و براساس زاویه دیدش به کارهای او نگاه می‌کند.

۳. تکرر در قرائت‌ها و برداشت‌ها (پلورالیسم)

۴. اقتدار و قدرت وسیع شیطان از دیگر عقاید وی است.

۵. منسون در جای دیگر می‌گوید من از خدای مردمی متنفرم که از آن مردم تنفر دارم.

۶. ضدیت با مسیح نیز با توجه به گرایش کلی شیطان‌پرستان در عناد با دین مسیح در ساخت فکری بدون سازمان منسون جایگاه ویژه‌ای دارد.

روش تبلیغ

خبر تکان‌دهنده‌ای از پاره‌کردن انجیل در اجرای کنسرت زنده منسون و پرتاب آن به سوی جمعیت در سراسر جهان منتشر شد.

منسون انجیل را پاره کرده و خطاب به جمعیت با صدای سنگین و خشکیده فریاد زد: «این است خدا! شما.»

باز خبر می‌رسد و به سرعت در تمامی سایت‌های خبری پخش می‌شود که او در هنگام برگزاری یکی دیگر از کنسرت‌هایش مدفوع را بر روی صحنه اجرا بلعیده و سپس مست و لایعقل به نعره کشیدن‌های مداوم ادامه داده‌است.

این اخبار علی‌رغم زشتی خیره‌کننده‌اش، به سرعت در جهان گسترش می‌یابد، طبیعی است که در جامعه ویران آمریکایی انجام چنین اقداماتی صرفاً تندروی‌های کودکانه یک جوان آمریکایی است که در حال حاضر هم که ۳۷ سال سن دارد در وجودش مانده‌است.

منسون در بسیاری از کشورها توانسته است گروه‌های مختلفی از جوانان را تحت‌تاثیر فضای عمومی رایج در آمریکا مبنی بر داشتن حلقه‌های هوادار برای خوانندگان مطرح نظیر مایکل جکسون و ... را ایجاد نماید.



تغذیه این گروه‌ها با ترتیب دادن دکورهای ویژه - ساخت کلیپ‌های پرهزینه و فوق فنی و... و به مدد انجام امورات خلاف اخلاق امکان‌پذیر می‌شود. ارائه آثار متناوب و بدون وقفه‌های طولانی از دیگر عواملی است که کمک می‌کند این خواننده متالیکای با راک آمیخته، همواره گروه‌های کوچک و بزرگ از هواداران را به خود اختصاص دهد.



تمام افرادی که با شیطان مدرن برخورد داشته‌اند، چنانچه مورد سوال قرار بگیرند، اولین موردی را که از منسون نقل خواهند کرد نوع آرایش سر و صورت و نحوه لباس پوشیدن، راه‌رفتن و حتی وسایل نقلیه مورد استفاده او خواهد بود.

اگرچه این شیطان ساخته شده توسط نظام سلطه و استحاله فرهنگی آمریکا فلسفه‌بافی‌هایی را نیز در خصوص ظاهر نامتعارفش ارائه

کرده است، مانند اینکه می خواهد « با انجام چنین چهره آرایشی ها باطن انسان ها را به تصویر بکشد » و... اما آنچه حقیقی به نظر می رسد وجود بسیاری از بیماری های روحی و روانی است که درون وی به وجود آمده و این گونه راه به جهان خارج گشوده است.

۱. چشم چپ منسون اولین نمادی است که از آن به عنوان (look Marilyn manson) یاد می شود. این چشم با لنزی پررنگ روشن از چشم دیگر وی متمایز شده است.



۲. نماد مقابل تلفیقی از ۳ نماد مسیحی در شیطان پرستی است که شامل صلیب وارونه، چرخ خورشید (صلیب شکسته) و پنتاگرام است. این نمادها علاوه بر استهزا مسیحیت،

تحقیر دینداران مسیحی و باورهای صحیح و غلطشان را در بردارد. ۳. نماد mm یا دوران طلای مزخرف نیز نامگذاری شده است (Grotesque mm, The Golden Ayeof):

هواداران منسون او را به اختصار mm می خوانند، ضمن اینکه در طراحی این نماد و به آرم یوف یا همان کمپانی سینمای یونیورسال و گشتاپو سازمان اطلاعاتی هیتلر اشاره شده است. القاکننده این معانی نیز در کنار هم می باشد. این نماد که به نحوی صلیب شکسته را به تصویر می کشد، نقش دو عقاب را نیز به نمایش گذاشته است. (عقاب نیز نماد کشور آمریکا است)



گفتنی است در حال حاضر شیطان پرستی مبلغ نژادپرستی خاص نازیسم نیز هست که این اقدام با دو هدف عمده صورت می پذیرد:

اول؛ غرب و جریانات صهیونیستی می کوشند تا نشان دهند کسانی که یهودیان را مورد آزار قرار دارند (البته صرفا بنابر ادعای واهی هلوکاست) از تبار شیاطین هستند.

دوم؛ همچنین پوششی نیز برای جدایی تبلیغات مدنظر قرار دارد، جدایی دروغین صهیونیسم از نازیسم که این امر خلاف واقعیت است.

۴. نماد تشنج یا ستاره ضد مسیح

(Anticrist, superstar shock):

این نماد نیز مانند بسیاری از نمادهای رایج میان شیطان پرستان از نمادهای صهیونیستی و دقیقاً امتداد ستاره داوود و با حاشیه‌هایی از حروف یونانی مبنی بر کلمه نهنگ (که بنا بر برخی اعتقادات نه چندان صحیح عبرانی از اشکالی است که شیطان به شکل آن ظاهر می‌شود). علاوه بر ستاره داوود که مبنای طراحی این ارم است، تعادل و چرخش نیز از خصوصیات این نماد است که در مجامع شیطان مدرن مورد تایید قرار می‌گیرند.

۵. امگا و حیوانات مکانیکی

(Animal omega, mechaniall):



نام آلبوم پرفروش منسون است که شامل ۱۵ ترک است این تعداد به شکل کلیدهایی در سر این نماد که بی‌شباهت به بز نیست طراحی شده‌است.

۶ عطارد و اکنون هالی‌وود

(mercury, Holy wood)

این نماد پس از آلبوم هالی‌وود با اندک تغییراتی مورد استفاده گروه منسون قرار گرفت. این نماد مبتذل بر روابط جنسی نامشروع میان زن و مرد و آثار اروتیک تولید شده نیز دلالت دارد

۷. سر مرگ

(Grotesk Burlesk tour Death head ,the):



این نماد ترکیبی از مجسمه انسان و گوش‌های موش است، موش که توسط نازی‌ها به یهودیان نسبت داده می‌شود. البته در سراسر اروپا یهودیان از لقب موش‌های کثیف برخوردار بودند) این نماد نیز مانند برخی از موارد بررسی شده به جهت همسویی

تبلیغاتی با صهیونیسم در برقراری پیوند سوری میان نازیسم و شیطان‌یسم طراحی شده‌است.

۸. صلیب لوراین، مرا بخور مرا بنوش

: (Eat me , Drink me , lorraine cross)

این نماد باستانی که توسط منسون مورد استفاده قرار می‌گیرد ویژه گروهی از چهره‌های افسانه‌ای به نام شوالیه‌های معبد بوده‌است. این نماد کاربردهای جادوگری و مصرف برخی امور غیرمعمول مانند کیمیاگری و... را نیز دارا می‌باشد. از صلیب لوراین به عنوان مرگ مجازی روح و اتحاد مقابل نیز تعبیراتی ارائه شده‌است.

او اکنون علاوه بر هواداران چندین هزار نفری در اقاصا نقاط جهان به عنوان شیطان بزرگ شناخته شده و مورد پرستش قرار می‌گیرد، مانند دیگر افرادی که از چهره‌های شاخص شیطان پرستی به شمار می‌آیند.

مراحل وارد شدن به شیطان پرستی

کسب قدرت تاریکی برای شیطان پرستی، به دست آوردن نیروهای نهفته در تاریکی، کسب قدرتی است درونی و بی‌پایان و انرژی عظیمی که این امکان را به شما می‌دهد روح خود را ارتقاء بخشید و کمبودهایش را با قدرت جایگزین کنید. نکته مهم در برگزاری این مراسم این است که هرگز نباید به نتیجه بدگمان باشید. خالصانه به نیروی روح خود و روح تاریکی ایمان داشته باشید. آن چه باقی می‌ماند آرامش و دوری از افکار بیهوده است که باید در خود ایجاد کنید.

محراب؛ مقابل دیوار غربی قرار گرفته پارچه سیاهی به روی آن کشیده می‌شود. بالای سر محراب (روی دیوار) ستاره ۵ پر وارونه نصب کن. روی محراب ۲ شمع سیاه روی پایه، خنجر مخصوص مراسم جمجمه انسان، یک زنگ، یک آتشدان و یک جام بگذار (برای نور بیشتر می‌توان از شمع‌های سیاه در گوشه‌های اتاق استفاده کرد). می‌توانید از جمجمه انسان ساخته شده از مواد مصنوعی نیز استفاده کنید.

خون: جام را به مایعی به رنگ قرمز پر کن. ماهیت مایع اهمیتی ندارد زیرا که این مایع نماد خون قربانی است.

آتش: آتشدان را درست در مرکز محراب قرار ده.

پوشش: تماما سیاه همراه با ستاره ۵ پر وارونه آویخته بر گردن.

آداب مراسم: به ترتیب ذیل زنگ را به صدا درآور: شش بار در جهت جنوب، شش بار در جهت شرق، شش بار در جهت شمال. حال خنجر را به دست گیر به سمت پنتاگرام وارنه نشانه برو و با لحنی دعایی نیایش کن؛ به نام شیطان بزرگ و افتخار او، لوسیفر من نیروهای تاریکی او قدرت شیطان را به درون فرا می خوانم. با خنجر، پنتاگرام وارونه ای در هوا رسم کن و آتش را بیافروز، نیایش را ادامه بده: آتش سیاه برافروخته و درهای تاریکی بر پاشنه خود چرخیده اند. روح سیاه و شیطانی کاین ظاهر شده کسی که از دور دست می آید تا خواست خود را بر فراز هستی بنا کند. بر حذر باش از گمراهی انسان که همواره همراه اوست از ابتدا تا نهایت. نظاره کن. این منم خدای دیروز، امروز و فردا، نگهبان زمان و ابدیت، بی مانند. غرق در دانایی، بی همتا در توانایی. عناصر را بخوان تا مرا خدمت کنند و نیروهای طبیعت را امر کن تا تجلی آمال من شوند. بپاخیز من تو را می خوانم. دوباره خنجر را به سمت پنتاگرام وارونه نشانه برو ادامه بده: کاین، شیطان، من قله ها را تصرف کرده ام. قدرت تاریکی در دستان من است. اکنون من در قالب تو خواسته های شیطانی ام را تجلی می بخشم، پندار مرا با شکوه و عظمت باستانی تسخیر کن. مرا در لایه های نامریی و رمزآلودش تنها گذار. جام را در مقابل پنتاگرام وارونه بالا ببر (به منظور پیشکش) و انگشت اشاره دست راست را درون ظرف ببر. انگشت را از ظرف خارج کرده، دور لبه جام بگردان (در جهت گردش عقربه های ساعت) و هم زمان بخوان: من از این جام می نوشم. من از زندگی می نوشم. قدرت های نهفته در تاریکی مرا در برگیرید. جام را یک نفس تا انتها بنوش و ادامه بده: همراه با برترین نیروهای شیطانی و عمیق ترین قدرت های تاریکی به جهان ماده باز می گردم تا شبی دیگر را تسخیر کنم. آتش را خاموش کن، زنگ را در خلاف جهت ابتدایی به صدا درآور، شمع ها را خاموش کن.

اعمال و زمان شیطان پرستی؛ شیطان پرستی در زمان های بسیار قدیم و قرون اولیه آدمی در چندین زمان انجام می گرفت. اولین زمان هنگام کسوف و خسوف بود. در این تصور که شیطان و خدای تاریکی از انسان ها عصبانی هستند و منتظر هدیه خود هستند و اگر برای آنها قربانی انجام نمی گرفت خدای تاریکی و شیطان تمام انسان ها را قتل عام

می کردند لذا برای آرامش شیطان، قربانی کردن انسان انجام می شد. این مراسم به خصوص در قبایل آمریکای جنوبی بسیار فراوان دیده شده به گونه ای که اکتشافات به دست آمده وجود این قربانی کردن ها را تصدیق می کند و اتاق های مخصوص قربانی کردن نیز به شیوه ای خاص بنا شده بود و تزئینات خاص خود را داشت. البته قربانی کردن انسان در زمان های دیگر نیز انجام می شد که اکنون قربانی کردن آنان در دوره کنونی در یک شب کاملاً تاریک انجام می شود. مهم ترین اعمال آنها اعمالی است که همیشه انجام می دهند و در آن به انجام امور جنسی می پردازند. و همچنین از شیطان برای پیشبرد اهداف حاضرین کمک می خواهند و اگر کسی مشکلی داشته باشد برای حل مشکل وی دعا می شود. مراسم بعدی، مراسم عضویت یک عضو جدید به این هیأت و مجموعه است که این کار توسط کشیش کلیسای شیطان و یا همسر وی (بستگی به مذکر یا مونث بودن عضو جدید دارد) انجام می شود.



مراسم قربانی کردن؛ در شیطان پرستی
جدید قربانی کردن مفهومی ندارد اما برای آنان که هنوز پیرو شیطان پرستی قدیم و قرون وسطایی هستند این کار در شبی تاریک انجام می شود. قربانی توسط آب مقدس غسل داده می شود و بر روی محراب خوابانده می شود. البته اصولاً قربانی ها قبل

از انجام مراسم بیهوش می شوند و در کامل ترین مراسم قربانی کردن برای شیطان، قربانی پس از کشته شدن و نوشیدن خون وی توسط آتش سوزانده می شود. در این مراسم خواندن اوراد مخصوصی به زبان کاملاً بی معنا و گاهی عبری انجام می گیرد. مراسم معروف نماز سیاه یا نماز جماعت سیامی شاید معروف ترین مراسم آنان باشد. این مراسم در کلیسای شیطان پرستی انجام می شود و دقیقاً همان مراسم عشای ربانی مسیحیت است با این تفاوت که تمام کارها بر عکس انجام می شود و البته کارهایی نیز در این مراسم انجام می گیرد که از ذکر آنها خودداری می کنیم.

مراسم پیوستن عضو جدید؛ مراسم پیوستن عضو جدید به شیطان پرستی، بوسه مقدس است که البته چنین عملی در جادوگری نیز وجود دارد. این بوسه توسط همسر یا خود کشیش به بدن شخص عضو شونده زده می‌شود.

بررسی فیلم اسرار حروف

کارگردانان این فیلم «اسکات مک گهی» و «دیوید سیگال» هستند. این فیلم محصول آمریکاست و در سال ۲۰۰۵ در مدت ۱۰۴ دقیقه تولید شده است. دو زبان عبری و انگلیسی در این فیلم به کار رفته‌اند. فیلمنامه آن براساس رمانی از «میلا گلدبرگ» به نگارش درآمده است. این رمان که پرفروش‌ترین کتاب سال ۲۰۰۰ شناخته شده، درباره خانواده‌ای است که دارای دختری یازده ساله به نام «الیزا» هستند. پس از این که قدرت دخترک در تلفظ لغات در مسابقه هیجی کردن، شناسایی می‌شود، در مسابقات جهانی «اسپل حروف» شرکت می‌کند. بااین حال افزودن قدرت مذهبی به دختر، اتفاقی است که در فیلم «اسرار حروف» نسبت به کتاب آن پررنگ‌تر جلوه‌گر می‌شود. پدر «الیزا» به نام «سائول» (همان طالوت) در رشته مذهبی تحصیل کرده است. پدر وقتی متوجه می‌شود که دخترش در مسابقه اسرار حروف در مدرسه برنده شده است، سعی می‌کند نیروی وی را در جهت‌های مذهبی هدایت کند تا از این طریق نامه‌ای به خدا نوشته، بتواند با او ارتباط برقرار کند. این در حالی است که پسر خانواده با عقاید مذهبی پدرش مخالف است و همسر خانواده «مریام» از بیماری روحی رنج می‌برد. اما دخترک با حروف عبری می‌تواند طبق مضامین عرفانی دین یهود (کابالا) با خدا ارتباط برقرار کند. در فیلم، آشکارا اشاره‌های متعددی به تصوف یهودی - که بنیاد فکری صهیونیسم است - می‌شود.

مرکز آموزش کابالا در هالیوود!

بنیانگذار و رهبر این فرقه که امروزه عملاً بر هالیوود حکومت می‌کند، یک یهودی ۷۵ ساله به نام «فیوال گروبرگر» تغییر داد و به کمک معشوقه سابق و همسر امروزش «کارن»، سازمان «مرکز آموزش کابالا» را تأسیس کرد و خود را رهبر طریقت کابالا خواند. به گزارش «پل اسکات» از روزنامه «دیلی میل» فیلیپ برگ، برای نخستین بار در

سال ۱۹۶۹ دفتر کار خویش را در اورشلیم (بیت المقدس) گشود و سپس کار خود را در لس آنجلس و در نزدیکی هالیوود ادامه داد. امروزه شبکه فرقه برگ از توکیو تا لندن و بوئنوس آیرس گسترده است و این سازمان، چهل دفتر در سراسر جهان دارد. در سال ۲۰۰۲ دارایی فرقه حدود ۲۳ میلیون دلار تخمین زده می‌شد؛ ولی در سال گذشته تنها در لس آنجلس ۲۶ میلیون دلار ثروت داشت!

این فرقه کابالا این روزها در هالیوود رواج خاصی یافته است: مدونا (خواننده و هنریشه معروف هالیوودی) پس از تغییر دین مسیحیت به یهودیت، نام خود را به «استر» تغییر داد. استر از زنان اسطوره‌ای یهود بود که با دلبری از خشیارشا در دربار ایران نفوذ کرد و با کمک عموی خود «مردخای» هفتاد هزار نفر از ایرانیان مخالف یهودیان را قتل عام نمود و به قدرت گرفتن یهود در ایران کمک شایان کرد. یهودیان سالانه در عید پوریم سالگرد این کشتار را جشن می‌گیرند! مدونا تاکنون در وصف خاخام‌های کهن کابالیستی اشعاری را خوانده و آلبوم‌هایی از این دست را منتشر کرده است.

باربارا استرایسند ۶۲ ساله، الیزابت تیلور ۷۲ ساله، و بریتنی اسپیرز، اشتون کاشر، دایان کیتون، دمی مور، استلا مک کارتنی، پاریس هیلتون، و یونا رایدنر، رورین بار، میک جاگر و نیز از ورزشکاران مشهور دیوید بهکام و همسرش ویکتوریا از جمله افراد شاخص هستند که با تلاش این مرکز هالیوودی به عضویت این فرقه درآمدند. فیلم‌های بسیار زیاد دیگری هم در ترویج سحر و جادو و موسیقی‌های شیطانی که برگرفته از عقاید کابالیست‌هاست، در دنیا در حال پخش هستند که می‌توان به آثاری چون «پروژه جادوگر شهر بلر»، «هری پاتر»، «جادوگر جوان» و... اشاره کرد. اکثر این آثار با کاشتن بذر ترس و وحشت در دل مخاطب، وجود جادو را عادی جلوه می‌دهند و به آرمان‌های آخرالزمانی صهیونیسم بین الملل یاری می‌رسانند.

وضعیت فعلی شیطان پرستی در ایران

وضعیت فعلی این گروه‌ها در ایران طی ۵ بخش که در ادامه شرح آن می‌آید، خلاصه می‌شود:

(الف) تحرک در اینترنت؛ وبلاگ نویسی، گفت و گو در محیط یاهو ۳۶۰ درجه، سایت کلپ دات کام، دریافت خبرنامه‌ها و... از جمله تحرکات اینترنتی شیطان پرستان ایرانی است که تا کنون نیز ادامه دارد.

(ب) تروج نمادها؛ مغازه‌ها و اصناف فروشنده زیورآلات نقره‌ای، فروشگاه‌های پوشاک جوانان و بانوان علی‌الخصوص در شهر تهران وظیفه عمده ترویج شیطان پرستی در داخل کشور را بر عهده دارند، در برخی موارد حتی می‌توان اظهار کرد که فروشندگان و مدیران حتی اطلاع اندکی از محتوای عمل خود ندارند. هم چنین گفتنی است برخی از چهره‌های مطرح موسیقی پاپ و متالیکا در تهران و شهرستان‌ها به کرات و از طرق مختلف این نمادها را حمل و معرفی و به صورت مستقیم و غیر مستقیم به ترویج آنها می‌پردازند. سایت‌ها و وبلاگ‌های فارسی زبان نیز نقش عمده‌ای را در گسترش و معرفی این نمادها ایفا می‌کنند. شایان ذکر است در برخی از برنامه‌های صدا و سیما نیز به صورت ناآگاهانه این نمادها ترویج می‌شود.

(ج) ترویج متالیکا؛ گروه‌های موسیقی متالیکا هم چون گروه «رامان» و گروه (OSD) که توسط بابک خواجه پور، ژانو باغومیان، لویک یومیان و کارن آرکلیان اداره می‌شود به عنوان شاخصی از فعالیت رو به گسترش گروه‌های متالیکا قابل ذکر هستند.

(د) پارتی‌های شبانه؛ پارتی‌های شبانه رپر‌ها، جشن‌های فارغ التحصیلی و میهمانی‌های خاص دوستانه همواره به عنوان کانون فعالیت شیطان پرستان قابل ذکر هستند. در این مراسم و هر بار گروهی از جوانان با انواع و اقسام مختلف یا اندیشه‌ها و ظواهر شیطان گرایی آشنا و یا جذب آنها می‌شوند.

(ه) همکاری با سلطنت طلب‌ها؛ اوایل سال گذشته میلادی خبری در وبلاگ‌های وابسته به شیطان پرستان ایران منتشر شد که اهریمن سرکرده گروه شیطان پرستان، پیوستن گروهش را به انجمن پادشاهی ایران اعلام می‌کرد.

زمینه‌های جذب

باید یادآور شد که علاوه بر تمامی موارد اشاره در این بخش یعنی زمینه جذب باید به تکرار برخی از آنها پرداخت که در کشورمان دارای بازخورد مثبت بوده است:

۱- موسیقی متال: این موسیقی در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی به گونه‌ای که شرح آن رفت، وارد شد و توانست پس از مدت کوتاهی به دانشگاه‌های بزرگ کشور هم چون دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه فردوسی و... راه یابد.

۲- افول معنویت: گر چه در بسیاری موارد، ایران اسلامی در جایگاه بالاتری از معنویات قرار دارد. لکن سیر جهانی و فراگیر و تلاش‌های قدرت‌های بزرگ فرمانطقه‌ای برای استحاله فرهنگی، از سوی دیگر ماشینی و صنعتی شدن مناسبات جاری و تأثیرپذیری مردم کشورمان از شرایط جهانی، زمینه‌ای برای رشد چنین جریاناتی را فراهم نموده است. باید عنایت داشت روند رو به رشد استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز عامل تعیین کننده در جذب و گرایش یافتن به این گروه‌ها می‌باشد.

۳- سرمایه‌گذاری: در بخش‌های قبل اشاره کردیم که سازمان‌های جاسوسی کشورهای غربی تلاش سازمان یافته‌ای را برای استحاله فرهنگ جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده و مدت‌هاست که می‌کوشند تا به تهی‌سازی فرهنگی جوانان کشور بپردازند. دشمن در این راه مبالغه‌نگفتی را نیز تدارک دیده است از جمله باید اشاره کرد که طبق گزارش برخی از رسانه‌های مستقل در سال گذشته مبلغ هشت میلیون دلار آمریکا به فعالیت تبلیغات گروه‌های شیطان‌پرست از سوی دولت آمریکا اختصاص یافته است.

۴- اینترنت: رشد تعداد مخاطبین شبکه جهانی اینترنت طی سالیان اخیر، آسیب‌هایی را متوجه نظام فرهنگی کشور نموده که از جمله می‌توان به فعالیت شیطان‌گرایان اشاره کرد. اما عمده فعالیت این افراد در قالب وبلاگ‌نویسی صورت می‌پذیرد. این دست از وبلاگ‌ها هم زمان با اعلام موجودیت جنبش شیطان‌گرایان ایران فعالیت خود را آغاز کرده و اظهار می‌نمایند که توسط فردی با نام مستعار اهریمن در ایران هدایت می‌شوند.

۲ - رام الله

یکی دیگر از فرقه‌هایی که اخیراً تحت تأثیر فرق هندی در ایران رشد بسیار چشمگیری داشته و دانسته است در حداقل زمان، هواداران

زیادی جذب نماید فرقه رام ... است. این فرقه نیز همانند دیگر فرقه، مدعی وحدت ادیان بوده و خود را در عین اینکه آورند «دین جدید معرفی نکرده است ولی بعنوان مفسر واقعی ادیان و منجی انسانها معرفی نموده است. نام رام ... برگرفته از تفکر یکی از شعرای هند به نام «کبیر» است. کبیر شاعری بود از اهل بنارس که شغل وی بافندگی بود. پدرش مسلمان و مادرش هندویی و برهمن زاده از مذهب ویشنوئیزم بود. او وظیفه خود می‌دانست که دین هندو را با اسلام بهم آمیخته و دین نوی را پدید آورد. در ضمن مسافرت‌هایش و با خواندن اشعار خود مردم را به سوی خدای یگانه دعوت می‌کرد. کبیر «رام» خدای هندو با «الله» خدای اسلام را یکی می‌دانست. از طرفی هم به تناسخ اعتقاد داشت و مانند هندوها دعا می‌کرد. هر چند در دین او نه رسم ختنه هست و نه مسجد و معبد و بتی وجود دارد اما وی هم در مساجد مسلمان می‌رفت و هم در معابد هندوها، هنگامی که ایشان در سال ۱۵۱۸ میلادی وفات یافت هندوها و مسلمانان بر سر جسد او نزاع کرده و هر کدام در پی دفن ایشان به روش آیین خود بوده‌اند.

این گروه که بوسیله شخصی که به شعبده بازی و تردستی علاقه‌مند بود و از تحصیلات رسمی بی‌بهره بود با استفاده از توانمندی‌های نسبی‌اش و با برنامه‌ریزی کامل با بهره‌گیری از روان شناسی، راز توفیق خود را نه در ماندن میان جمع، بلکه رفتن در پستوی خفا و ناآشنایی دانست و بدون آن که خود در اجتماع ظاهر شود، با تأثیرگذاری بر این جمع اندک توانست آرام آرام در جمع بزرگ‌تر شهرتی کسب کند.

ظهور شبه فرقه جدید رام الله، اساساً از کتاب «جریان هدایت الهی» است که در سال ۱۳۷۷ چاپ توزیع شد. این کتاب به عنوان مانیفست گروه، به رازآلودگی رام الله افزود و تشنگی بیشتری در طرفدارش برای شناخت بیشتر وی پدید آورد. باتورق در مقدمه کتاب رام الله در قالب تجسد و تجسم الهی، از آواتار، روح خدا و دیگر عناوین کفرآلود یاد می‌شود. ف.م با نام مستعار پ.الف به عنوان نویسنده مقدمه کتاب، مطالبی در باره رام الله عنوان کرده است که خواننده با مطالعه آن در بهت فرو می‌رود.

«... برخی از پیروان استاد، او را آواتار به معنی تجسم الهی نامیده‌اند... در باره تولدش حکایت شگفت‌انگیزی نقل می‌شود... آواتار معلم اعظم حق و قطب الهی در زمین می‌باشد... روح خدا در او حلول کرده و جاری است...».

با گسترش دامنه شهرت رام الله و ویژگیهای به اصطلاح ماورایی او، موسسات متعددی شکل گرفت یا برخی موسسات و نشریات فرهنگی غیروابسته با هدف جلب مخاطب به معرفی و تبلیغ رام الله پرداختند و در تبیین ویژگی‌های رام الله از یکدیگر سبقت گرفتند و فضای روانی عجیبی در انتساب ویژگیهای خارق‌العاده به رام الله شکل دادند.

این فضا، فرصت مغتنمی برای موسسات ایجاد کرد تا با ثبت نام از علاقه‌مندان شرکت در کلاس‌های رام‌الله، درآمد اقتصادی فراهم آوردند. علاقه‌مندان می‌باید ماه‌ها مترصد پذیرش آنها می‌شدند.

در کلاس‌های مقدماتی، ملاقات استاد! و استفاده از سخنان وی میسر نبود. باید مریدان، کلاس‌های متعددی طی می‌کردند تا در نهایت شاید صرفاً از صدای استاد از طریق نوار کاست یا سیمای استاد از طریق نوارهای تصویری، بهره‌مند می‌شدند.

شهرت و ویژگی‌های رام الله به حدی رسید که وی ضرورت انجام هدفمند فعالیت را احساس و ساختار منسجم، گسترده و در عین حال حفاظت شده‌ای ایجاد کرد تا روابط مرید و مرادی، انقیاد بدون چون و چرای مریدان، تقدیس خود، بیگاری مریدان و دیگر ویژگی‌های مطرح در روابط فرقه‌ای، جایگاه خود را کسب و جریان رام الله به شکل یک فرقه ظاهر شود.

مسئولان فرقه، اقدامات حفاظتی گسترده‌ای برای شخص پ.ف و تشکیلات او تدارک دیدند، از جمله این که از محل سکونت وی، صرفاً یکی از عناصر شاخص فرقه مطلع بود و برای جلوگیری از شناسایی احتمالی آن، وی با نام مستعار در محل زندگی می‌کرد.

رام الله از نظر مریدان

برای تشخیص این مهم که جریان رام الله یک فرقه است یا یک جریان فرهنگی، کافی است به معرفی رام الله از نظر شاگردان و مریدان بپردازیم.

مهمترین این مجموعه‌ها در سلسله کتابچه‌هایی موسوم به «اخبار مکتوم» گردآوری شده است. به نمونه‌ای از اظهارات و ادعاهای مریدان در خصوص رام الله اشاره می‌کنیم:

«... او با انگشت خود دانه‌های ریزمیوه را بیرون آورد و در حیاط خانه پاشید. هر قدمی که جلو می‌رفت انگشتش را حرکتی می‌داد و دانه‌هایی از انگشتش به روی زمین ریخته می‌شد. هرکدام از دانه‌های بسیار ریز در برخورد با زمین فوراً به میوه‌ای مانند میوه مادر یعنی همان میوه‌ای که در دست او بود، تبدیل شدند. این خارق‌العاده بود. دانه‌های نارس به محض برخورد با زمین به میوه تبدیل شده‌اند، سرعت زمان و سرعت رشد، صدها برابر شده بود و این چیزی نبود جز قدرت خلاقه او. او کاملاً از نیروی آفرینندگی و خلق کردن برخوردار بود و کافی بود تا جداً قصد چیزی را بکند و همان می‌شد.

«... او نقاشی یک لاک پشت روی کاغذ را زنده کرده و روح بخشید... سپس او روح لاک پشت را با نفس خود از بدن حیوان خارج کرده و در یک آن، بدن آن را به حد فساد و پوسیدگی رساند. قبل از مردن لاک پشت و قبل از این که پوسیده شود او گفت همان طور که با بازدم خودم روح دمیدم با دم خود هم روح او را می‌برم. بعد از این جمله، او نفس عمیقی کشید و کار تمام شد».

«... من و ۲ تن از دوستان به همراه استاد سوار ماشین بودیم... ناگهان متوجه شدیم یک نفر مأمور با انیفورم در حال کتک زدن یک پسر نوجوان است. استاد به سمت مأمور رفت و مأمور از ترس هیبت استاد فرار کرد. مأمور را با دستور استاد دستگیر کردیم و... استاد در یکی از میادین عمومی شهر به مجازات مأمور پرداخت و حکم زدن ۶۰ ضربه شلاق را صادر فرمود. با همان ضربه اول، نوجوان رضایت داده و مأمور از طرف استاد بخشده شد».

«... برایم روشن شده است که نتیجه خشم و لعن استاد، همیشه بلا و گرفتاری را به دنبال داشته است. این گرفتاری به صورت‌های مختلفی عینیت پیدا کرد و در اوج آن، من شاهد جنون و مرگ بوده‌ام؛ بیش از یک بار و ۲ بار و ۳ بار».

«...او دارای قدرت و شعور خداست. هر چه پیش از این گفت، پس هر چه پس از این هم بگویند، می‌شود. او توسط ارواح و موجوداتی ناشناخته، کاملاً پشتیبانی می‌شود. از این نظر من او را زار روح نامیده‌ام. او برخوردار از روح هفتگانه خداست. من شخصاً تکان دادن و لرزاندن زمین را که به اراده او انجام شده است، تجربه کرده‌ام.

ایجاد باد و وزاندن آن را توسط او شاهد بوده‌ام. در حضور من، او پرنده مرده را زنده کرد. عده زیادی او را در یک زمان واحد در دو مکان دیده‌اند، حتی در ۲ کشور که هزاران کیلومتر با هم فاصله دارند.

در تحلیل و بازشناسی این فضا عواملی وجود دارد که موجب تشدید جو روانی به وجود آمده شده است که مهمترین آن عبارتند از:

۱. پ.ف با زندگی پنهانی و عدم حضور متوالی میان مریدان، موجب شکل گیری زندگی افسانه‌ای و گاهی غیربشری شده است.

۲. برخی مریدان به دلیل این که خود را نسبت به دیگران نزدیک‌تر به وی نشان دهند، افسانه‌هایی در مورد او ساختند و خود را شاهد آن ماجرا معرفی کردند.

۳. مریدان و شاگردان حلقه اول رام الله که برخی از آنها نیز از فسادهای وی مطلع بودند، به دلیل ذی نفع بودن خود، به شرایط دامن زدند.

سرانجام

در جریان دستگیری وی، مریدان از هیچ اقدامی برای آزادی وی از جمله راه‌اندازی سایت و وبلاگ، نامه نگاری برای برخی مسؤولان و رسانه‌های گروهی، تهدید نظام به افشاگری در مورد اتفاقات دوران بازداشت ایلیا، انتشار کتاب دیجیتالی، مصاحبه با برخی شبکه‌های خارجی از جمله صدای آمریکا و... فروگذار نکردند و این تلاش‌ها در حال حاضر گرچه کم رنگ شده است، اما همچنان ادامه دارد.

۳- فرقه اکنکار

تفکر پایه‌ای اکنکار ریشه درت اریخ بویژه هندوئیسم دارد و اساس آن را تناسخ تشکیل میدهد. وقتی که اقوام آریایی وارد هند شدند مردمی

نیرومند و بانشاط بودند و نسبت به زندگی خویش خوش بین، اما پس از تسلط بر دراویدیها و تحت تأثیر اندیشه‌های آنها کم کم اندیشه انکار نفس و ترک دنیا در مغز ایشان پدیدار گردید. یکی از مظاهر این بدبینی اعتقاد به تناسخ یا سمساره می‌باشد. بنابر عقیده هندوها روح انسان در هنگام مرگ و در همه احوال، جز در یک حالت که روح در مقام اعلی با «براهما» وحدت تام حاصل می‌کند به کالبد و یا جسم دیگری انتقال پیدا کرده و یک سلسله تولد

و تجدید حیات را طی می‌کند و پس از هر تولد و زندگی دوباره، بار دیگر روح به بدنی دیگر حلول می‌کند و این تولدها ممکن است بی نهایت بوده و ابدالدر ادامه داشته باشد. این گردش دولا ب گونه روح را در اصطلاح «کرْمه» گویند. مقصود از گروه کرْمه این است که روح آدمی در طول تحولات بیشمار خود و حلول در بدنهای مختلف عوض نمی‌گردد و گوهر ذاتی آن تغییر نمی‌کند و تنها قالب و تن خود را تبدیل می‌کند. در واقع این تعویضهای جامه یا تن را «کرْمه» خوانند.

حال اگر آدمی شخصی بدکار باشد و خصوصا نظام کاست را رعایت نکرده باشد پس از مرگ روح کیفر اعمال خود می‌بیند و به جسم اشخاص پست‌تر و بدنهای حیوانات و حشرات حلول می‌کند و پیاپی از بدنی به بدنی منتقل می‌شود و اگر به بدن طبقه پست‌تر (پاریا) هم حلول کند باید در تهذیب نفس بکوشد تا پس از مرگ این روح در قالب مقامات عالیتر منتقل شود.

تعداد اعضاء این فرقه در ایران کاملا مشخص نمی‌باشد ولی بعضی از ادعاها و گزارشات حکایت از آمار ۳۰۰۰ نفری دارد ولی تاکنون موفق به شناسایی مشخصات تعداد تقریبی ۱۰۰ نفر از اعضاء، مسئولین و اساتید انکار شده است.

دسته بندی براساس خاستگاه جغرافیایی گروه‌ها

الف) برخی از مهم ترین فرقه‌های شرقی:

فرقه‌های جدید ژاپن: تن ریکیو (۱۸۳۸)

فرقه‌های جدید ژاپن: سوکا کاکایی (۱۹۳۷)

فرقه‌های جدید ژاپن: شین ریکیو (۱۹۴۷)

فرقه‌های جدید ژاپن: سوکیو ماهیکاری (۱۹۶۰)

فرقه‌های جدید ژاپن: اوم شین ریکو (۱۹۸۶)

فرقه‌های مذهبی جدید چین: فالون گونگ (دهه ۱۹۹۰)

فرقه‌های مذهبی جدید چین و تایوان: فنگ شویی (۱۹۴۹)

فرقه‌های مذهبی جدید تایوان: چن تائو (دهه ۱۹۹۳)

فرقه‌های جدید بنگلادش: سری چین موی (۱۹۶۴)

فرقه‌های مذهبی جدید تبت: اکنکار (۱۹۶۵)

فرقه‌های مذهبی جدید کره: کلیسای اتحاد (۱۹۵۴)

فرقه‌های مذهبی جدید ویتنام: کائو دائیسم (۱۹۲۶)

ب) گروه‌های مطرح در هندوستان:

انجمن ودانتا (۱۸۹۵)

انجمن بین المللی شیواناندا یوگا

کریشناآگاهی (هیر کریشنا) (۱۹۶۶)

جمعیت خود شکوفایی (۱۹۲۰)

سیک دارما (سازمان سلامت، شاد و مقدس) (۱۹۶۹)

ذن بودایی

ساجا یوگا (۱۹۷۰)

پدر - مادر الهی / ساتیا سای بابا

گروه‌های مهر بابا (۱۹۶۹)

مبلغ نور الهی (۱۹۷۰)

مدی تیشن (مراقبه) متعالی (۱۹۶۵)

راجنیشیسم (۱۹۶۴)

دیپاک چوپرا (۱۹۴۷)

ج) برخی از گروه‌هایی که نسبت خود را از سنت اسلامی می‌دانند:

وهابیت قرن نوزدهم

القاعده، طالبان

ملت اسلام/مسلمانان سیاه پوست (۱۹۳۰)

بهائیت/ قرن نوزدهم (۱۸۶۳)

راه کمال (طریقه‌ی نور علی الهی و دکتر بهرام الهی)
گروه منتظران
گروه‌های جدید مهدویت
دین خدا (ریاض احمد گوهرشاهی) (دهه ۱۹۸۰)

د) مهمترین فرقه‌های غربی:

مکتب مورمون (۱۸۳۰)
اسرائیل گرایی انگلیسی (۱۸۴۰)
شاهدان یهوه (۱۸۵۲)
راه بین المللی (۱۹۴۰)
کلیسای علم شناسی (۱۹۵۴)
کلیسای متدیست متحد (۱۹۶۸)
جنبش بیداری معنوی درونی (۱۹۷۱)
گروه‌های یوفو (شی ناشناخته‌ی پرواز کننده)
(مانند معبد خورشید - ۱۹۸۴ / الوهیم - ۱۹۷۳ / دروازه آسمان -
۱۹۷۵ / معبد مردم - ۱۹۵۵ / و...)
شیطان پرستی
(مانند کلیسای شیطان ۱۹۶۶ / معبد ست (خدای شر در مصر
باستان) - ۱۹۷۵ / و...)
گروه‌های سکس گرا (مانند: فرزندان خدا - ۱۹۶۹ / کلیساهای
همجنس گرا - ۱۹۶۸ / و...)
الحاد جدید (۱۹۵۱)
گروه‌های فمینیستی
روح گرایی (۱۸۴۸)

دسته‌بندی‌های دیگر:

۱- گروه‌های خطرناک:

در فرهنگ غرب، برخی از گروه‌های تازه تأسیس به طور جدی
خطرناک شناخته شدند. این مسأله موقعی علنی تر شد که اعضای معبد
مردم در سال ۱۹۷۰ میلادی در پی توطئه‌ای از سوی دولت آمریکا دست

به خودکشی دسته جمعی زدند که در این واقعه ۹۱۳ نفر جان باختند. به دنبال این واقعه، گروه‌هایی نیز بدنام شدند. در سال ۱۹۹۳ میلادی بین نمایندگان دولت آمریکا و یکی از همین گروه‌های تکزاسی درگیری رخ داد که طی آن هشتاد نفر از گروه که شامل بیست کودک هم می‌شد به علاوه چهار تن از نمایندگان فدرال کشته شدند.

۲- گروه‌های مذهبی و شیء پرواز کننده ناشناخته (یوفو):

بعد از دهه‌ی ۱۹۵۰ م با تألیف رمان و تولید فیلم درباره‌ی بشقاب پرنده‌های افسانه‌ای در آمریکا و انگلستان، چند گروه غیر متداول مذهبی که این افسانه را به شکل مذهب ترویج می‌کردند، در این کشورها بوجود آمدند. اعضای این گروه‌ها را سفید پوستان تشکیل می‌دهند و خود را اخوت بزرگ سفید پوستان می‌نامند.

رهبران این گروه‌ها ادعا می‌کنند که با افراد ماورای زمین در ارتباط می‌باشند و اعتقاد دارند انسان‌های ماورای زمین از انسان موجود در زمین برتر می‌باشند و انسان روی زمین توسط نژاد برتر ماورای زمین به نام الوهیم خلق شده‌اند.

گروه‌های مذکور این موضوع را ترویج می‌کنند که انسان به سبب کنارگذاشتن تمامی اعتقادات دینی و بهره‌وری از لذات جنسی می‌تواند به کمال برسد و از این رو آن‌ها به شدت طرفدار شبیه سازی انسان (کلونینگ) می‌باشند؛ موضوعی که توسط تمامی ادیان و سازمان‌های بین المللی محکوم شده است.

۳- گروه شیطان پرستان:

در اوائل قرن نوزدهم بعضی از اشراف انگلستان - که عضو گروه فراماسونری بودند - به رهبری سرفرانسیس داشود، گروه شیطان پرستان به نام «باشگاه آتش جهنم» را در شهر لندن تأسیس نمودند و از اوائل قرن نوزدهم شهر لندن مرکز شیطان پرستان در اروپا گردید. استفاده از مواد مخدر و انجام مراسم مبتذل جنسی، فعالیت اصلی این گروه‌های شیطان پرست را تشکیل می‌داد (۷۶).

در دهه ۱۹۶۰ م شیطان پرستی توسط سرمایه داران یهود مورد حمایت قرار گرفت و چند گروه شیطان پرست در انگلستان و آمریکا بوجود آمد که معروف ترین آن‌ها تشکل «کلیسای شیطان» (۷۷) در شهر سان فرانسیسکو می‌باشد. یکی از ویژگی‌های این گروه اعضای جوان آنهاست که سن بیش تر آن‌ها کم تر از بیست سال می‌باشد و مراسم مبتذل جنسی، استفاده از مواد مخدر و موسیقی‌های متال از عمده فعالیت‌های آن‌ها می‌باشد.

۴- گروه‌های سازمان یافته و غیر سازمان یافته

به اعتبار دیگری می‌توان گروه‌ها و فرقه‌های جدید را به دو دسته «گروه‌های سازمان یافته» و «گروه‌های غیر سازمان یافته» تقسیم کرد. اکثریت قریب به اتفاق گروه‌های تازه تأسیس، سازمان یافته‌اند. چه آنها که از ادیان سنتی مستقل‌اند و خود را وابسته یا فرع و شاخه‌ای از ادیان سنتی نمی‌دانند مثل کنکار و چه آنها که مستقل نیستند، بلکه به نوعی متفرع بر دینی از ادیان سنتی‌اند مثل شاهدان یهوه یا مبلغین نور مقدس.

۵- گروه‌های وابسته به ادیان سنتی و گروه‌های مستقل

فرقه‌های و گروه‌های برآمده در غرب به اعتبار دیگری هم تفاوت دارند. دسته‌ای از آن‌ها در واقع فرقه‌هایی هستند که از دل سنت‌ها و آیین‌های دینی کلاسیک پیدا شده‌اند. بسیاری از آنها متعلق و وابسته به سنت مسیحی - یهودی فرهنگ غرب و بخشی برآمده از سنت دینی (هندوئیسم و بودیسم) و نیز سنت دینی خاور دور (چین و ژاپن) مثلاً فرقه‌ی شاهدان یهوه، کلیسای عیسی مسیح (ع) قدیسین متأخر، کلیسای اتحاد و نظایر آن‌ها به وضوح تعلق خود را به سنت مسیحی - یهودی فرهنگ غرب نشان می‌دهند. گروه‌هایی نظیر انجمن ودانتا، انجمن بین المللی آگاهی کریشنا، انجمن بین المللی شیوا ناندا یوگا و نظایر آن نیز به صراحت وابستگی و خویشاوندی خود را با سنت دینی هندوستان نمایان می‌سازد. گروه اکنکار نیز وابسته و نشأت گرفته از تعلیم یک پیرمرد اهل تبت؛ مدی تیشنیا (T.M) و «ذن» و نظایر آن‌ها برآمده و هم خانواده‌ی سنت هندی - چینی (ژاپن) است.

۶- گروه‌های شبه دینی

به اعتباری نیز می‌توان فرقه‌ها و گروه‌های جدید را به سه دسته‌ی متمایز تقسیم کرد: برخی از آن‌ها معتقدند که ویژگی‌های یک دین را - فارغ از این که در مدعای خویش صادق‌اند یا نه - دارا می‌باشند. به عبارت دیگر دسته‌ای از این فرقه‌ها و گروه‌ها در کسوت یک دین ظهور کرده و به تبلیغ و ترویج خود اشتغال دارند، تا جایی این نکته برجسته است که گاه از «cult» یا «N.R.M»‌ها به ادیان جایگزین تعبیر می‌کنند. این که آیا این مدعیان، به راستی می‌توانند جایگزین ادیان سنتی و کلاسیک باشند یا نه، مسأله‌ای دیگر است. فی‌المثل مکتب مورون، کلیسای اتحاد، شاهدان یهوده و نظایر آن از حیث دارا بودن پارامترهای یک فرقه‌ی مذهبی، از فرقه‌ها و ادیان سنتی و کلاسیک چیزی کم ندارند.

اما بخشی از این گروه‌ها نیز می‌توانند شبه دینی تلقی گردند، از آن حیث که جهان بینی جامع و لازم برای ادعای دین داری را ندارند. مسلماً به همان میزانی که مثلاً شاهدان یهوه می‌توانند دینی تلقی گردد، گروه‌های بشقاب پرنده‌ای نمی‌توانند دینی تلقی گردند.

فصل پنجم؛

عرفان‌های بدلی (تصوف، مهدویت)

مدعیان مهدویت

از آنجا که مسأله مهدی موعود و قیام و انقلاب جهانی او، و این که او پس از ظهور، سراسر جهان را که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می‌کند، به طور مکرر از زبان پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و همه امامان(ع) ذکر شده و از امور قطعی انکار ناپذیر است. از همان قرن اول، سوء استفاده از این نام و ادعای دروغین مهدویت آغاز شد یعنی عده‌ای خود را همان مهدی موعود دانسته، و یا جمعیتی به مهدی موعود بودن شخصی اعتقاد پیدا کردند، با این که آن شخص چنین ادعایی را نداشت، بلکه آن را انکار می‌کرد.

یکی از انگیزه‌های پدید آمدن این دین سازان این بود که آنها تصور می‌کردند باید به دنبال هر دوره ظلم و طغیان بی حد و مرز، رادمرد نجات بخشی بیاید و مردم را از یوغ ستم‌ها نجات بخشد، مثلاً مردم مسلمان از ظلم بنی امیه، سپس بنی عباس و... به ستوه آمده بودند، و از مهدی موعود که در روایات به عنوان مصلح کل و منجی جهان بشریت یاد شده، تصویری عالی در ذهن داشتند، از این رو زمینه برای پذیرش مهدی موعود، فراهم بود، بر همین اساس رندان سود جود از این زمینه موجود، سوء استفاده کرده و به اغفال مردم پرداختند، و یا احیاناً از روی ناآگاهی به قصد قربت داست به این کار می‌زدند که برخی از نمونه‌های آن به شرح ذیل است:

الف) کیسانیه

کیسانیه نخستن گروهی هستند که در قرن اول هجری، پس از شهادت امام حسین(ع) به محمد حنفیه یکی از پسران حضرت علی(ع) گرویدند، و او را مهدی موعود خواندند، حتی پس از مرگ او قائل شدند که او زنده است و در کوه رضوی بین دو عدد شیر قرار گرفته است.

ب) مهدی سفیانی و گروه‌های دیگر

ماجرای خونبار کربلا، مسلمانان از شیعه و سنی را به «مهدی موعود» که نام او مطابق روایات به طور مکرر از پیامبر(ص) به عنوان مصلح و منجی عالم بشریت، نقل شده بود، متوجه ساخته بود، آنها به دنبال چنین شخصی می‌گشتند.

امویان از این موقعیت سوءاستفاده کردند و گفتند وقتی که علویان دارای مهدی هستند، و عباسیان نیز مهدی دارند، چرا ما نداشته باشیم، از این رو برای خود مهدی تراشیدند و او را با لقب «سفیانی» خواندند.

گروه دیگر به نام «جارودیه» محمد بن عبدالله بن حسین را مهدی غائب دانسته و در انتظار ظهورش به سر می‌برند.

گروه دیگری به نام «تاووسیه» حضرت امام صادق(ع) را هنوز زنده و مهدی می‌دانند. «فرقه زیدیه»، به زید بن امام سجاد(ع) به عنوان مهدی موعود اعتقاد دارند، «واقفیه» گروه دیگری هستند که امام کاظم(ع) را زنده و غائب می‌دانند و معتقدند او ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند.

به این ترتیب فرقه «باقریه»، امام باقر(ع) را مهدی موعود می‌دانند، و «اسماعیلیه»، اسماعیلی فرزند امام صادق(ع) را مهدی موعود دانسته و فرقه محمدیه به حضرت محمد بن علی (فرزند امام هادی) به عنوان مهدی موعود، دل بسته‌اند. «جوازیه» فرقه دیگری هستند که حضرت حجه بن الحسن(عج) را دارای فرزندی دانسته و او را مهدی موعود خوانده‌اند.

ابومسلم خراسانی نیز ادعای مهدویت کرد، و در سال ۱۳۸ هـ ق کشته شد.

در دوران عباسیان، عده‌ای منصور دوانیقی را مهدی موعود دانستند، و معتقد شدند که روح خدا در پیکر او حلول کرده است. تا آنجا که منصور دوانیقی، پسرش را به نام مهدی نام گذاری کرد، تا در آینده از این نام سوء استفاده کرده، و خود را همان مهدی موعود بخواند، و مردم از او به این عنوان اطاعت کنند. بعضی نخستین خلیفه عباسی، ابوالعباس عبدالله سفاح را مهدی موعود خواندند.

ابن مقفع نقابدار معروف خراسان که در علوم غریبه مانند: شعبده، طلسم و... مهارت داشت، مدعی مهدویت شد، و گروهی به او پیوستند. حاکم نظرالله که در سال ۳۸۶ هـ ق خلیفه شد، نخست ادعای مهدویت کرد، سپس ادعای خدایی نمود.

افراد دیگری مانند: عبدالله عجمی در ماه رمضان ۱۰۸۱ هـ ق در مسجد الحرام، محمد بن احمد سودانی در سال ۱۲۹۹ هـ ق، سید محمد بن علی بن احمد ادریس در سال ۱۳۲۳ هـ ق و ابن سعید یمانی ملقب به فقیه در سال ۱۲۵۶ ادعای مهدویت کردند.

این مسأله همچنان در طول تاریخ ادامه یافت مثلاً در سال ۱۲۱۳ میلادی شخصی به نام «مهدی مصر» خود را همان مهدی موعود خواند و گروهی به او پیوستند.

و در قرن ۱۹ میلادی در سال ۱۸۴۸ میلادی مهدی سودانی متولد شد، پس از آن که بزرگ شد، ادعای مهدویت کرد، و گروهی او را مهدی موعود خواندند، سرانجام در سال ۱۸۸۵ کشته شد.

یکی از این مدعیان مهدویت، درویش رضا بود که در سال سوم سلطنت شاه صفی (ششمین شاه صفویه، وفات یافته سال ۱۰۵۲ هـ ق) به نام مهدی در قزوین خروج کرد.

تا این که حدود صد و اندی سال قبل «غلام احمد قادیانی» در شبه قاره هند خود را مهدی موعود نامید و پیروانی پیدا کرد، که هم اکنون فرقه «قادیانی گری» در هندوستان معروف هستند، و در سال ۱۲۶۰ (به ادعای بابیان) سیدعلی محمد باب در کنار کعبه ادعا کرد که من همان قائم منتظر هستم.

در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی، استعمار پیر انگلستان، و روسیه تزار، دست به دست هم دادند، و به مهدی سازی پرداختند، در ایران سیدعلی محمد باب و حسینعلی بهاء و... را برای این کار برگزیدند.

در این دو قرن دست‌های استعمار به کار افتاده، و به این مسأله استعماری رونق بیشتری داد، به عنوان مثال حدود صد و اندی سال قبل، مردم هندوستان به رهبری نهرو، با استعمار انگلستان مبارزه کرده و استقلال خود را به دست آوردند. در همین بحران، استعمار انگلیس شخصی به نام «غلام احمد قادیانی» را راست کرد، او خود را مهدی موعود خواند، و اعلام کرد: «همه احکام اسلام ثابت و به وقت خود باقی است، جز جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، که من آنها را نسخ کردم، و به جای آن اطاعت از والی و حاکم را (که در آن روز، آن حاکم، دست نشاند استعمار انگلیس بود) بر همه واجب می‌کنم.

جمعیت قادیان، زشت‌ترین جمعیتی هستند که هنگام اشغال هند توسط انگلیس، با دست مرموز انگلیسی‌ها پدیدار شد، این جمعیت پیوسته برای ایجاد فساد و مبارزه با اسلام، به خصوص در آفریقا تلاش می‌نماید.

نظیر این مطلب در مورد سید علی محمد باب، و حسینعلی بهاء در ایران به وجود آمد، که جدایی دین از سیاست، و عدم دخالت و نظارت در امور، از دستورهای اولیه آنها است.

ج) مدعیان باییت در طول تاریخ غیبت امام عصر(عج)

علامه مجلسی(ره) در بحارالانوار به نقل از کتاب «الفیه» شیخ طوسی، هفت نفر را نام می‌برد که آنها در عصر نیابت خاص نایبان چهارگانه خاص امام عصر(عج) (که از سال ۲۶۰ تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ هـ ق نیابت کردند) به دروغ ادعای سفارت و نیابت و باییت (دربانی) حضرت مهدی(عج) را نمودند، سپس با توقیع امام عصر(عج) توسط نائبان خاص آن حضرت، لعن شده، و از آنها اعلام بیزاری شده و شیعیان آنها را لعنت کرده و از آنها اظهار بیزاری نمودند، آنها عبارتند از:

۱- ابا محمد، حسن شریعی

این شخص از اصحاب امام هادی(ع) و سپس از اصحاب امام حسن عسکری(ع) بود، او نخستین کسی بود که در عصر غیبت صغری، به

دروغ ادعای باییت و واسطه‌گری بین شیعیان و امام عصر(عج) کرد، و ادعاهای دروغین دیگر نمود، و نسبت‌های ناروا به امامان(علیهم السلام) داد، سرانجام از ناحیه مقدسه امام زمان(عج) توقیعی در مورد بیزاری از او و لعنت به او صادر شد، و به این ترتیب، مورد لعن و طرد شیعیان قرار گرفت.

۲- محمد بن نصیر نمیری

این شخص از اصحاب امام حسن عسکری(ع) بود، پس از شهادت امام حسن عسکری(ع) ادعای نیابت خاص و باییت (دربانی) امام مهدی(عج) نمود، بلکه کارش به الحاد و کفر کشیده شد، و ادعای رسالت و نبوت و ربوبیت کرد.

از ناحیه مقدسه امام عصر(عج) توقیعی در مورد بیزاری از او و لعن او صادر شد، رسوا گردید، و شیعیان از او بیزاری جستند.

۳- احمد بن هلال کرخی

او از اصحاب امام حسن عسکری(ع) بود، در عصر غیبت صغری، نیابت خاص محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام عصر(عج) را منکر شد، و کارش به انکار و الحاد و کفر کشید، سرانجام از ناحیه مقدسه امام مهدی(عج) توسط ابوالقاسم حسین بن روح (نایب خاص سوم امام زمان) در مورد بیزاری از او و لعنت او توقیعی صادر شد، و شیعیان از او بیزاری جستند و او را لعنت و طرد کردند.

۴- ابوطاهر محمد بن علی بن بلال

این شخص در عصر محمد بن عثمان (نایب خاص دوم امام عصر-عج) می‌زیست، سهم مبارک امام(ع) در نزدش بود، آن را به محمد بن عثمان(ره) تحویل نداد، و به دروغ ادعای وکالت و نیابت از امام عصر(عج) کرد، شیعیان او را لعن کردند، و توقیعی از ناحیه مقدسه در مورد لعن و بیزاری از او صادر شد.

۵- حسین بن منصور حلاج

یکی دیگر از کسانی که ادعای بابت و وکالت و نیابت خاص از طرف حضرت مهدی (عج) نمود، حسین بن منصور حلاج است. او در آغاز ادعا کرد که من و کیل امام زمان (عج) هستم، گروهی از ناآگاهان را به گرد خود جمع کرد، یکی از شیعیان به نام ابوسهل، در ظاهر از مریدان او شد، و پس از شنیدن ادعاهای او، به افشاگری پرداخت، و ادعاهای پوچ او را به شیعیان ابلاغ کرد.

حسین بن منصور حلاج به قم سفر کرد، و از عالم بزرگ علی بن بابویه قمی (وفات یافته سال ۳۲۹ هـ ق) که از شخصیت‌ها و فقها و محدثین بزرگ قم بود، تقاضای ملاقات و استمداد کرد، و در ضمن نامه‌ای برای او چنین نوشت: «من رسول و وکیل امام زمان (عج) هستم». علی بن بابویه (ره) نامه او را پاره پاره کرد، و سپس دستور داد او را با کمال ذلت و خفت از قم بیرون کردند.

سرانجام به دستور مقتدر عباسی (هیجدهمین خلیفه عباسی) به فتوای علما و فقه‌های عصر، او را در بغداد به دار آویزان کرده و اعدام کردند، و اعدام او در سال ۳۰۹ هـ ق واقع شد.

۶- ابوجعفر، ابن ابی العزاقر

او که نام اصلیش «محمد بن علی شلمغانی» است، به خاطر معرفی ابوالقاسم حسین بن روح (سومین نایب خاص امام عصر -عج) دارای موقعیت و شخصیت ارجمند، در میان شیعیان به خصوص در میان دودمان خود، بنی بسطام بود و از فقه‌های شیعه در عصر غیبت صغری به شمار می‌آمد. ولی جاه‌طلبی باعث گردید که کارش به انحراف کشیده شد، کفر و الحاد و انحراف عقیدتی او به جایی رسید که ادعا کرد؛ روح رسول خدا (ص) در کالبد محمد بن عثمان (نخستین نایب خاص امام زمان -عج) انتقال یافته، و روح امیر مومنان علی (ع) به بدن حسین بن روح نوبختی (نایب خاص سوم امام زمان -عج) حلول نموده است، و روح حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کالبد ام کلثوم دختر محمد بن عثمان، دمیده شده است.

او به این ترتیب ادعای بابت و تقرب به پیشگاه امام زمان (عج) می‌کرد، و گروهی را با ادعاهای باطل خود اغفال نموده بود، سرانجام توقیعی از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) توسط حسین بن روح (ره) در مورد لعن او و بیزاری از او صادر شد، حسین بن روح، آن توقیع را به شیعیان ابلاغ نمود، آنها و طایفه بنی بسطام از او بیزاری جسته و او را طرد و لعن کردند.

۷- ابوبکر بغدادی

این شخص به نام محمد بن احمد بن عثمان، معروف به «ابوبکر بغدادی» برادرزاده محمد بن عثمان (دومین نایب خاص امام زمان - عج) بود، به دروغ ادعای بابت و وکالت از امام عصر (عج) نمود، شیعیان به ادعای دروغین او پی بردند، و او را لعن و طرد نموده و از بیزاری جستند. روزی جمعی از شیعیان در محضر محمد بن عثمان عمری (دومین نایب خاص امام زمان - عج) بودند ناگاه محمد بن عثمان دید ابوبکر بغدادی از دور به سوی آنها می‌آید، به حاضران فرمود: «توجه کنید، این کسی که به اینجا می‌آید، از اصحاب شما و شیعیان نیست». نقل شده: ابوبکر بغدادی به بصره رفت و در آنجا به یزیدی (که از سرشناس‌های منحرف بصره بود) پیوست، و در خدمت او ثروت بسیار اندوخت، سرانجام بر اثر سعایت و گزارش خلافت‌کاری او به یزیدی، یزیدی، ضربه محکمی بر فرق سر او زد، که بر اثر آن، چشمهایش آسیب سخت دید، و پس از مدتی در حالی که نابینا شده بود درگذشت.

د) شیخیه

مذهب انحرافی شیخیه (در قرن ۱۳ هـ) به وجود آمد، سلسله جناب شیخیگری و پدر مهربان این فرقه شیخ احمد احساسی بود که زمان فتحعلی شاه در کربلا به منبر می‌رفت. شیخ احمد از طرفی دلبسته تشیع بود و از طرفی به فلسفه یونان گرایش داشت و حرف‌های فهمیده و نفهمیده ارسطو و افلاطون را بی چون و چرا قبول می‌کرد. او هم در فلسفه و هم در تشیع راه اغراق را می‌رفت و ردپای تفکرات صوفی و اسماعیلی را به وضوح در سخنان خود جلوه‌گر می‌ساخت.

او در تلفیق فلسفه و تشیع، پای تأویل را تا حدی که می‌شد و می‌توانست باز کرد و در فلسفه شیعی یا تشیع فلسفی طرحی نو در انداخت. برای مثال می‌گفت: علل اربعه افلاطون را باید به تأویل برد که نتیجه‌اش این می‌شود: «علل اربعه، همان آفریده شدن امامان ما می‌باشند» و در تفسیر آن می‌افزود: «آفریننده این جهان امامان بوده‌اند، روزی دهنده و گرداننده نیز آنها هستند؛ خداوند رشته کارها را به دست آنان سپرده است».

به واقع ریشه‌های تحریف در قائمیت و موعود سازی، در کلمات سلسله جنبان این قبیله به راحتی دیده می‌شود. به مطلب قبل اضافه کنید افاضات دیگر شیخ را درباره حلول امام در بدن شیخ دیگر: «این تن‌های ما نیز از امامان است؛ از این رو هر گاه امامی بخواهد درون بدن یک نفر حلول نماید، امری شدنی است و امامان می‌توانند در صورتی که شرایط یک نفر مساعد باشد در جسم او حلول نمایند» و دلیل خود را این گونه ارائه می‌دهد: «از این راه بود که امیرالمؤمنین توانست در یک شب در چهل محل مختلف حضور یابد و در یک زمان مهمان شود».

کج فهمی‌های فلسفی احساسی کار خودش را کرد و اسلامی شیخی بنیان نهاد. او ادعایش را این گونه ثابت کرد: «امام غایب دارای دو جنبه است؛ جنبه حقیقت او که روح اوست همیشه ثابت است، اما صورت و حجاب او که همان جسم عنصری باشد همواره در حال تغییر است. از این رو هر کس که به مقام «شیعه کامل» برسد، می‌تواند قابلیت آن را داشته باشد که جسمش محل حلول حقیقت و روح امام غایب باشد».

بستر سازی برای معرفی موعود تمام شد. فقط به یک نفر نیاز بود که امام زمان بدلی در وجود او حلول کند و منتظران را از غم هجران رهایی بخشد؛ همچنین کمی دل و جرأت تا همه علایم روایی را انکار کنی و آن چه را طبق احادیث قطعی و متواتر در کتب شیعه و اهل سنت آمده است، موهوم بخواند، که این همه رو و دل و جرأت هم موجود است.

وقتی سید رشتی که دنباله‌رو احساسی بود درگذشت، شاگردانش دنبال جانشینی برای او بودند که به قول خودشان مصداق «شیعه کامل» و «رکن رابع» باشد. در بحبوحه رقابت برای جانشینی، سید علی محمد باب پا را از جانشینی فراتر نهاد و خود را «باب امام زمان» معرفی کرد و

احادیث را طبق مذاق خود به تأویل برد و طبق آیه «ادخلوا الباب سجدا» فرمان به خشوع و تسلیم مردم در برابر باییت و نیابت خود داد و با نسبت دادن «باب» در آیه به خود گفت: «ای گروه شسیعیان! من باب امام شما هستم که در انتظارش بودید».

سفیر روس، در خاطراتش آورده که سید علی محمد به سبب ریاضیت‌های زیاد، جاه‌طلب و خودپرست شده بود و از آنجا که از جادو و جنبل هم بدش نمی‌آمد، برای چنین ادعایی بهترین مهره به شمار می‌رفت؛ لذا به او گفت: پول از من و ادعای مبشریت از تو. و چون یکی از علایم ظهور، خروج از مکه به شمار می‌رفت، از شهر خارج شد و نخودی‌های مواجب بگیرش شایعه کردند که به مکه رفته است، و هنوز از مکه برنگشته بود که یکی از بابیان در شیراز اعلام کرد: گواهی می‌دهم که علی محمد در ارتباط با امام زمان است. اما فقط کافی بود مردم اعتراض کنند تا خون نظام الدوله حاکم شیراز به جوش آید و سیلی محکمی به گوش باب مقدس بنوازد تا او هم بگوید: «به خدا قسم! من نه وکیل موعود هستم و نه واسطه بین امام و مردم».

شیخ احمد احسائی از منظر سید علی آقا قاضی

از اسوه عارفان، آیت الحق سید علی آقا قاضی (وفات یافته سال ۱۳۶۶ هـ ق) استاد علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان) که می‌گفت هر چه دارم از سیدعلی آقا قاضی دارم) سؤال شد نظر شما درباره شیخیه چیست؟ قاضی فرمود: «آن کتاب شرح زیارت شیخ احمد احسائی را بیاور و نزد من بخوان» او آن کتاب را آورد و خواند، آقای قاضی فرمود: «این شیخ می‌خواهد در این کتاب ثابت کند که ذات خدا دارای اسم و رسمی نیست، همه کارها که ایجاد می‌شود مربوط به اسماء و صفات خدا است، اتحادی بین اسماء و صفات با ذات خدا وجود ندارد. بنابراین شیخ احمد احسائی ذات خدا را مفهوم پوچ و بی اثر، صرف نظر از اسماء و صفات می‌خواند، و این عین شرک است».

او براساس پیشینه فکری صوفی منشی، در عین آن که شیعه بود، اعتقاد به چهار اصل داشت که عبارتند از: ۱- خدا ۲- پیامبر ۳- امام ۴-

باب امام (یعنی واسطه مخصوص بین امام و مردم) و مدعی بود که من نایب و باب خاص امام زمان(عج) هستم.

او در آخر عمر وقتی که تصمیم به مسافرت به مکه گرفت، یکی از شاگردانش به نام «سید کاظم رشتی» را جانشین خود کرد.

سید کاظم در سال ۱۲۵۹ هـ. ق از دنیا رفت. او جانشینی تعیین نکرد. سرانجام چهار نفر ادعای جانشینی سید کاظم رشتی را نمودند که عبارتند از:

۱- حاج کریم خان کرمانی

۲- میرزا شفیع تبریزی

۳- میرزا طاهر حکاک اصفهانی

۴- میرزا علی محمد شیرازی معروف به «سید باب» مؤسس فرقه بابی گری.

سید علی محمد باب یکی از کسانی بود که ادعا کرد که من چهارمین نفر هستم که باید جانشین سید کاظم رشتی گردم، به این ترتیب سر و کله سید علی محمد باب در اینجا پیدا شد و کم و کم - چنانکه شرح داده خواهد شد - به قدرت رسید و فرقه ضاله بابی گری را تأسیس نمود. جالب توجه این که: در سال‌هایی مانند عصر فتح‌علی شاه که بین ایران و روسیه تزار جنگ‌های سختی بروز کرد، مردم از جنگ فرسایشی خسته و افسرده شده بودند، و به دنبال پناهگاه معنوی می‌گشتند، حالتی پیش آمده بود که همه در این ایام در انتظار فرج امام زمان(عج) به سر می‌بردند، تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه تزاری نجات دهد، شیخ احمد احساسی از این فرصت سوء استفاده کرده و همواره از امام زمان(عج) و ظهور او صحبت می‌کرد، و اظهار نزدیکی و تقرب به حضرت مهدی(عج) می‌نمود، و همین موجب شد که عده‌ای به او گرویدند، و به جای پناهگاه صحیح، به پناهگاه کاذب روی آوردند.

ه) شکل‌گیری بابیت

سید علی محمد باب، بنیان‌گذار فرقه ضاله بابی در روز اول ماه محرم سال ۱۲۳۵ هجری قمری مطابق با سوم (یا بیستم) اکتبر ۱۸۱۹

میلادی (در عصر سلطنت فتحعلی شاه) در شیراز متولد شد. در ایام کودکی پدر سید علی محمد از دنیا رفت.

سیدعلی محمد توسط دایی خود به مکتب شیخ محمد عابد که در محله قهوه اولیاء (بیت العباس) فعلی شیراز واقع بود فرستاده شد.

گرچه پیروان باب اصرار دارند که سیدعلی محمد را درس نخوانده تا به اصطلاح او را «أمی» قلمداد کنند و با این ادعا بتوانند معجزه بودن سخنان و کلماتی را که از زبان او جاری شده ثابت نمایند، و همه را آیات و وحی خدا بدانند، ولی مدارکی که از کتب خود آنها در دست است نشان می‌دهد که سید علی محمد مدتی به مکتب برای تحصیل و درس خواندن رفته است.

طبق مدارک موجود، شیخ محمد عابد نخستین معلم سیدعلی محمد باب از نظر روحیه، شیخی مسلک بوده است. سیدعلی پس از خروج از مکتب خانه، و پیدایش روحیه شیخی‌گری در او، و تماس با علمای شیخیه، در خارج از مکتب خانه، علاقه و میل شدیدی به مطالب عرفانی و ریاضت پیدا کرد، در این زمان (در سن ۱۹ سالگی) همراه دائی خود سیدعلی، برای تجارت به بوشهر مسافرت نمود، مدت اقامت او در بوشهر درست روشن نیست، او در بوشهر به ریاضت و به اصطلاح تسخیر شمس می‌پرداخت و با سر برهنه به پشت بام رفته و برابر تابش سوزان و داغ آفتاب در بوشهر به خواندن اوراد و اذکار مشغول می‌شد.

میرزاعلی محمد که در غیاب، شیفته سیدکاظم رشتی شده بود از بوشهر عازم کربلا شد و در آنجا مدتی در محضر درس سید کاظم رشتی شرکت کرد، و در این مدت با شاگردان سید کاظم نیز آشنا گردید. پس از مدتی به ایران مراجعت کرد، و در شیراز (زادگاهش) ساکن گردید.

شاگردان و طرفداران سیدکاظم رشتی برای یافتن «رکن رابع» که جانشین سید کاظم شود در صدد برآمدند. میرزا علی محمد شب جمعه ۵ جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری قمری در سن ۲۵ سالگی در زمان سلطنت محمد شاه قاجار (پدر ناصرالدین شاه) ادعای بابیت کرد، و گفت

من باب و نایب خاص امام زمان (ع) و از ناحیه آن حضرت مأثور هستیم،^۱ و در این موقع غیر از ادعای بابیت هیچ ادعای دیگری نکرد. مرحوم آیتی (آواره) در کتاب الکواکب الدریه صفحه ۴۹ (صفحه ۷۴ عربی) می‌نویسد: در ابتدای طلوع، عموماً از کلمه باب چنین استنباط می‌شد که مراد از باب کسی است که واسطه بین آن حجت موعود (حضرت ولی عصر - عج) و خلق است.

حتی ملا حسین بشرویه‌ای که در واقعه طبرس (در قلعه شیخ طبرسی) با عده‌ای از «حروف حی» و دیگر بابیان مانند ملا جلیل اورمی، ملا یوسف اردبیلی، ملا محمود خوئی، میرزا علی قزوینی و شیخ علی پسر ملا عبدالخالق یزدی، توسط قوای دولتی کشته شدند به میرزا علی محمد ایمان آورد اما نه به عنوان قائمیت و رسالت، بلکه به عنوان بابیت به او ایمان آوردند، و ملا عبدالخالق یزدی که به وسیله ملا حسین، به سید علی محمد ایمان آورده بود، و فرزندش در واقعه طبرس کشته شد وقتی که نامه‌ای از ناحیه میرزا علی محمد در سال ۱۲۶۵ به او رسید که در آن نامه ادعای قائمیت کرده بود، عبدالخالق بر سر خود کوفت و گفت پسر من به ناحق و باطل کشته شد.

به ادعای بابیان و بهائیان، سید علی محمد باب در ماه شوال ۱۲۶۰ (یعنی پنج ماه پس از ادعای بابیت در شیراز) با دائی خود رهسپار مکه شد، در این راه وقایعی را ذکر می‌کنند که جز بافندگی و موهومات چیز دیگری نیست.

او در مراجعه مدتی در بوشهر بود و پس از آن او را به شیراز آوردند در شیراز محبوس کردند سپس مجلسی با حضور علماء و دانشمندان تشکیل یافت، میرزا علی محمد باب در آن مجلس مورد حمله علمی دانشمندان و علمای محقق شیراز قرار گرفت، سرانجام سید علی محمد در مسجد وکیل در حضور امام جمعه شیراز و علما و جمعیت، ادعاهای خود را پس گرفت و اظهار توبه نمود.

علی محمد باب اوضاع را در شیراز نامساعد دید و پی فرصت می‌گشت تا از شیراز فرار کند. شیوع بیماری وبا در شیراز موجب شد که

۱ - در فصل اول و تحت عنوان «نقش استعمار در عرفان سازی و ترویج صوفی گری»، به تحریکات دالگور کی برای طرح ادعاهای سید علی محمد باب اشاره شد.

بحث دربارهٔ فتنهٔ باب فراموش شده، باب در این فرصت عازم اصفهان گردید و پس از آن علی محمد باب را با چند سوار به طرف تهران فرستادند، چون در این موقع محمد شاه در تهران نبود، حاج میرزا آقاسی (صدر اعظم وقت) صلاح ندید که علی محمد باب به تهران وارد شود لذا دستور داد وی را از قریه «کَلین» به تبریز بردند و از آنجا به زندان ماکو منتقل شد، و پس از مدتی از زندان ماکو به زندان چهریق انتقال یافت.

ناصرالدین میرزا، علی محمد باب را از زندان چهریق به تبریز طلبید، و مجلسی مهم تشکیل داد، علمای تبریز در آن مجلس، باب را محکوم کردند. باب در برابر افکار عمومی که بر ضدش برخاسته بود، توبه نامه‌ای خطاب به ناصرالدین میرزا ولیعهد نوشت و در آن اعتراف کرد که او را مطلقاً علمی نیست که منوط به ادعایی باشد و طلب عفو نمود.

ناصرالدین شاه با پیشنهاد امیرکبیر موافقت کرد، حسب الامر او علی محمد باب و چند نفر از یارانش را از قلعه چهریق به تبریز آورده و محبوس ساختند و پس از سه روز حکم اعدام باب صادر شد و سرانجام سال ۱۲۶۶ هجری در سن ۳۱ سالگی با محمد علی زنوزی (یکی از مریدان باب که در تبریز به او گرویده بود) در میدان تبریز اعدام کردند.

(و) شکل گیری بهائیت

مرد شماره دو فرقهٔ ضالّه بایه شخصی است به نام میرزا یحیی معروف به صبح ازل، وی با حسینعلی بهاء (که شرح حالش ذکر خواهد شد) برادر بودند، پدرشان میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ نوری بود در همان زمانی که علی محمد باب زنده بود، از مریدان پروپاقرص باب همین دو برادر بودند، ولی علی محمد باب، چون میرزا یحیی را (با این که از نظر سن کوچک‌تر از حسینعلی بهاء بود) دلباخته‌تر، دید و چنین دریافت که میرزا یحیی از روی صداقت طبع به او ایمان آورده، او را به القاب صبح ازل، مرآت، شهره و وحید مفتخر ساخت و او را به عنوان جانشینی خود تعیین کرد. و برای تکمیل کتاب بیان، سفارش کرده بود که او تکمیل کند.

پیروان علی محمد باب (فرقهٔ ضالّه بایان) در هر کجا که به سر می‌بردند، متوجه میرزا یحیی شدند، حتی خود حسینعلی که خیلی زیرک‌تر

و سیاست‌تر از برادرش میرزا یحیی بود در ظاهر حدود ۱۸ سال جزء پیروان برادرش به شمار می‌آمد (و در حدود ۱۴ سال با او مخالفت نکرد).

جریان به این منوال می‌گذشت، پیروان باب که در رأس آنها میرزا یحیی و حسینعلی بهاء قرار داشتند، و دشمن سرسخت ناصرالدین شاه بودند (چون او دستور اعدام باب را صادر کرده بود) در فکر توطئه چینی بر ضد ناصرالدین شاه افتادند.

شش نفر از بابی‌های متعصب که از آن جمله ملاصادق ترک بود در نیاوران شمیران به طرف ناصرالدین شاه تیراندازی کردند و بعد با قمه و غداره به شاه حمله بردند و او را مجروح نمودند ولی موفق به قتل ناصرالدین شاه نشدند ناصرالدین شاه بعد از این واقعه در صدد دستگیری و نابودی بابی‌ها برآمد.

توطئه در روز بیستم شوال سال ۱۲۶۸ هجری واقع شد، پس از این واقعه سوء قصد، چهل نفر از معاریف بایه که یکی از آنها حسینعلی بهاء بود شدیداً مورد تعقیب قرار گرفتند، سرانجام آن چهل نفر را دستگیر کردند و ۲۸ نفر آنها را با اعمال شاقه به قتل رساندند، بقیه را به زندان محکوم کردند، و پس از مدتی آنها را آزاد ساختند.

میرزا یحیی در این هنگام در نور مازندران به سر می‌برد، به محض این که خبر دستگیر شدن و اعدام بابیان به او رسید، به لباس درویشی درآمد و با عصا و کشکول پس از پیمودن مراحل به بغداد فرار کرد.

حسینعلی بهاء نیز با دستیاری سفارت روس و نقشه‌های مرموز و حساب شده پس از چهار ماه زندان، روز اول ربیع الاول سال ۱۲۶۹ از زندان نجات یافته و به صورت تبعید رهسپار بغداد گردید.

کم کم بقیه بابی‌ها از گوشه و کنار به بغداد رفتند و در آنجا اجتماعی تشکیل دادن و در صدد برآمدند که به اصطلاح آب پلید از دست رفته خود را به جوی خود بازگردانند.

مسلمانان عراق متوجه خطر بابیان و ادعاهای گوناگون آنها شدند، اظهار تنفر علما و مردم روز به روز نسبت به آنها شدیدتر شد، و شکایت خود را به دولت ایران رساندند، دولت ایران هم به وسیله سفیر خود در اسلامبول (واقع در ترکیه) از سلطان عثمانی (عبدالعزیز) که در آن زمان بر عراق نیز حکومت داشت تقاضا نمود که بابی‌های جمع شده در بغداد را

به جای دیگر تبعید کند، سلطان عثمانی دستور داد تمام بایان را به اسلامبول تبعید کردند بای‌ها در حدود چهار ماه در اسلامبول اقامت کردند.

پس از چهار ماه اقامت آنها در اسلامبول، دیگر دولت عثمانی صلاح ندید که آنها در آنجا بمانند لذا آنها را به شهر «آدرنه» (یکی از شهرهای تحت حکومت عثمانی) تبعید نمود.

از همین تاریخ بین پیروان میرزا یحیی و میرزا حسینعلی، جدایی و دو دستگی حاصل شد، دسته اول به نام ازلیه و دسته دوم به عنوان بهائیه خوانده شدند اختلاف وقتی به اوج شدت رسید که حسینعلی در سال ۱۲۸۹ سال چهارم اقامتش در ادرنه ادعای مقام «من ینظره‌اللهی» کرد. حسینعلی را با ۷۳ نفر از پیروانش به شهر «عکا» (از شهرهای فعلی اسرائیل) و میرزا یحیی صبح ازل را با سی نفر از پیروانش به قبرس تبعید کرد.

سرانجام بازیگری‌های میرزا یحیی صبح ازل جانشین باب هم با مرگ وی در تبعیدگاه قبرس به پایان می‌رسد و برادرش حسینعلی بهاء بی مزاحم در شهر عکا با کمال آزادی (گرچه به ظاهر در زندان و تحت نظر) هر لحظه ادعایی کرده و فرقه ضاله بهائیه را به وجود می‌آورد.

بعدها در میان فرقه ضاله بهایی، آن چنان اختلاف و تشتت به وجود آمد که به بیش از بیست فرقه کوچک تقسیم شدند، و همگی به وسیله استعمارگران غرب، تغذیه و تقویت می‌شدند.

از سال ۱۲۸۵ هجری که حسینعلی بهاء به زندان عکا تبعید شد تا تاریخ ۱۳۰۹ که در سن ۷۶ سالگی طومار عمرش در «عکا» برچیده شد، یعنی حدود ۲۴ سال بساط ادعای الوهیت و ربوبیت را بدون هر گونه رقیب و مزاحم پهن کرد، و مشغول نوازش بندگان ذلیل و گرفتن وجوه از آنان به عناوین مختلف گردید. مقام نیابت خود را (پس از عباس) به پسر بزرگش محمد علی که برادر ناتنی عباس افندی بود سپرد.

حسینعلی بهاء که خیلی زیرک و مرموز بود، گفت: من همان «ینظره‌الله» هستم یعنی همانم که علی محمد باب از ظهور او خبر داده است، کتاب بیان منوط به امضای من است و من مرام علی محمد را نسخ کردم. بای‌ها و ازلی‌ها به میرزا حسینعلی اعتراض کردند که طبق گفته

باب «من یظهر الله» باید بعد از عدد مستغاث (که به حساب ابجد ۲۰۰۱ است) بیاید، حسینی‌علی جواب‌های ناقصی داد بعضی آن را پذیرفته و به نام فرقه بهایی معروف شدند.

وقتی حسینی‌علی در سال ۱۳۰۹ هجری قمری از دنیا رفت، جسدش را در دو کیلومتری شمال عکا (بهجه) به خاک سپردند، طبق دستور حسینی‌علی بهاء، اغنام الله (گوسفندان خدا، یعنی مردم بهایی) موظفند وقت عبادت و پرستش تنها رو به قبر او در عکا متوجه شوند (و آنجا را قبله خود قرار دهند) و توجهشان هنگام عبادت به حسینی‌علی بهاء باشد.

و اکنون فرقه‌های ذیل از بدو پیدایش میرزاعلی محمد باب تاکنون به وجود آمده‌اند که هر یک از برای خود ادعای خاصی دارند و دیگری را تخطئه می‌نمایند که عبارتند از: بابی، ازلی، بیانی، مرآتی، بهائی، ثابتن، ناقضین، سهرابی، طرفداران چارلز میس ریمی و جمشیدی (پیروان جمشید معانی، ملقب به سماءالله).

بهائیت در دوران پهلوی

دربارهٔ تحرکات این فرقه در عصر پهلوی، باید گفت مدتها پیش از وقوع کودتای انگلیسی ۱۲۹۹، بهائیت با سران آن (سیدضیاء و رضاخان) پیوند داشته است. اسناد و مدارک تاریخی حاکی است که، محفل بهائیت توسط عوامل خویش نظیر عین الملک هویدا (پدر هویدای مشهور) در کشف و معرفی رضاخان به استعمار بریتانیا برای انجام کودتای اسفند ۱۲۹۹ نقش فعال داشت و رضاخان نیز در تعهداتش به انگلیسیها، وعده‌هایی دربارهٔ آزادی فعالیت این فرقه در ایران، داده بود. در دوران پهلوی دوم، بهائیان به بالاترین مقامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ایران دست یافتند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: همچون نفوذ تام در دربار شاه (سپهبد عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص شاه و رئیس بهداری ارتش و...) و تصدی پستهای نخست وزیری به مدت ۱۴ سال (عباس هویدا)، وزارت خانه‌های آب و برق و نیز کشاورزی (منصور روحانی)، وزارت خارجه (غلام عباس آرام)، وزارت جنگ و نیز وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی (سپهبد اسدالله صنیعی، آجودان مخصوص محمدرضا در زمان ولیعهدی)، وزارت دادگستری (غلامرضا

کیان پور)، وزارت بازرگانی (منوچهر تسلیمی)، وزارت بهداری و علوم (دکتر منوچهر شاهقلی پسر سرهنگ شاهقلی مؤذن بهائیه)، معاونت نخست وزیر و ریاست سازمان تربیت بدنی (سپهبد پرویز خسروانی)، ریاست سازمان برنامه و بودجه (شاپور راسخ)، معاونت سازمان امنیت (پرویز ثابتی)، ریاست ستاد ارتش (ارتشبد جعفر شفقت)، ریاست سازمان هواپیمایی ملی ایران «هما» (سپهبد علی محمد خادم)، عضو دفتر مخصوص فرح پهلوی (مهدی از بهائیان کاشان) و...

این، غیر از ارتباط دیرین و تنگاتنگ نخست وزیرانی چون حسین علاء با بهائیان و محافل آنها است، چنانکه حضور چهره‌هایی چون هژبر یزدانی (مرد شماره یک اقتصاد ایران)، ایرج ثابت مشهور به ثابت پاسال (صاحب پیشین رادیو تلویزیون و نیز مالک کارخانه پپسی کولا) و مهندس ارجمند (رئیس کارخانه ارج)، مهدی میثاقیه (سرمایه‌دار و صاحب استودیو میثاقیه) و...، از نفوذ بی چون و چرای این فرقه در شریانیهای اقتصادی و هنری کشور در آن روزگار حکایت می‌کند. و این امر، بستر بسیار مساعدی را برای گسترش فعالیت تبلیغی آنان در کشور بقیه‌الله الاعظم (عج) ایجاد کرد. ارتشبد فردوست، ندیم محمدرضا پهلوی و رکن مهم اطلاعاتی و امنیتی رژیم پهلوی، در خاطرات خویش می‌نویسد:

«در واقع، بهائیت جهانی این تصور را داشت که ایران همان ارض موعودی است که باید نصیب بهائیان شود و لذا برای تصرف مشاغل مهم سیاسی در این کشور منعی نداشتند. بهائی‌هایی که من دیده‌ام واقعاً احساس ایرانیّت نداشتند و این کاملاً محسوس بود و طبعاً این افراد جاسوس بالفطره بودند».

پیداست خطرات بزرگ این فرقه برای استقلال ایران و کیان تشیع، بر مراجع عظام تقلید مخفی نبود و واکنش جدی آنان را برمی‌انگیخت. چنانکه بازتاب این مسأله را در حمایت مرحوم آیت‌الله بروجردی از سخنرانی‌های واعظ شهیر شادروان مرحوم فلسفی در بهار ۱۳۳۴ علیه بهائیان، و نیز اظهارهای مکرر امام خمینی در دهه ۴۰ راجع به نفوذ این فرقه در ارکان حکومت ایران، مشاهده می‌کنیم.^۱

۱- امام در هشدارهای مداوم خویش در سالهای ۴۰-۴۲ راجع به نفوذ این فرقه در دستگاه دولت، آنها را «عمال اسرائیل» خوانده و سیاستهای شاه مبنی بر اجرای تساوی مطلق میان

از جمله تلاشهای بهائیت، سعی در گرفتن رسمیت قانونی بود که در جریان جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی (۱۳۵۰) به اوج خود رسید. بهائیت میداند که توسعه حیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی او در ایران، در گرو اخذ رسمیت از دولت است.

بهائیان، حکومت وقت ایران را تحت فشار گذاشت که به آنها رسمیت بخشد. ضمناً در دهه ۴۰ و ۵۰ تلاش گسترده و موزیانه‌ای را در جریان سرشماریهای عمومی (که هر ۱۰ سال یک بار در ایران برگزار می‌شود) به کار گرفتند که تعداد نفوذ بهائیان در ایران در لیست‌های مربوطه، ارقامی درشت را به خود اختصاص دهند، تا بتوانند بر پایه آن ادعا کنند که بهائیان بزرگترین اقلیت دینی در ایران‌اند و بنابراین باید آنان را (همچون دیگر اقلیت‌های دینی) به رسمیت شناخت. شیوه عمل نیز، از یک سو دستور محفل بهائیت به کلیه بهائیان مبنی بر تصریح و تأکید بر بهائی بودن خویش هنگام مراجعه مأموران سرشماری به خانه‌ها، و از دیگر سو حضور فعال عناصر بهائی در جمع مأموران سرشماری و تقلب در هنگام پر کردن برگه‌ها و نیز شمارش آمار نهایی در مرکز آمار ایران (وابسته به سازمان برنامه و بودجه) به نفع بهائیت بود، که این

زن و مرد یا تصمیم به بردن زنان به سربازی را - با استناد به مندرجات تقویم رسمی بهائیتها در اواخر دهه ۳۰ شمسی - عمل به رأی عباس افندی (پیشوای بهائیت) قلمداد می‌کند ایشان «علمای اعلام و خطبای محترم» را به آگاه کردن مردم نسبت به خطر صهیونیسم و بهائیت فراخوانده و می‌فرماید: «این جانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم. قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیستها است که در ایران به صورت حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند». برای اظهارات امام در آن سالها رجوع شود به: صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۱، ج اول، ص ۱۲ و ۳۴-۳۵ و ۴۴ و ۵۶.

سالها بعد، در ایام اقامت امام در پاریس (دی ۱۳۵۷) نیز، زمانی که دکتر کلوکلی رفت استاد دانشگاه روتگرز آمریکا طی مصاحبه‌ای از رهبر انقلاب پرسید: «آیا برای بهائیان در حکومت آینده، آزادی‌های سیاسی و مذهبی وجود دارد؟» ایشان پاسخ داد: «آزادی برای افرادی که مضر به حال مملکت هستند داده نخواهد شد» و در پاسخ به سؤال دیگر دکتر آمریکایی مبنی بر اینکه: «آیا آزادی‌هایی برای مراسم مذهبی آنها داده خواهد شد؟» آب پاکی روی دست وی ریخته و فرمود: «خیر!» (بهائیت در ایران، دکتر سید سعید زاهد زاهدانی، ص ۲۷۶-۲۷۷).

تلاش در سرشماری عمومی سال ۱۳۵۵ (که ریاست سازمان برنامه در آن زمان، با فردی بهائی به نام دکتر شاپور راسخ بود) به اوج خود رسید. نورالدین مدرسی چهاردهی، محقق و پژوهنده معاصر، با اشاره به سرشماری عمومی سال ۱۳۵۵ می‌نویسد:

«مزد کارگران اعم از زن و مرد در باغهای چای کاری بیست و پنج ریال بود. سران بهائی از صدوپنجاه ریال تا دویست و پنجاه ریال به کارگران پرداخت کرده که مذهب خود را بهائی نویسند...».

خوشبختانه توطئه اخذ رسمیت، با اقدام مراجع عالیقدر و تدابیر برخی از گروههای معارض با بهائیت در جریان سرشماریهای ۴۵ و ۵۵ و جشنهای ۲۵۰۰ ساله خنثی شد و بحمدالله فرقه مزبور با وجود گذشت بیش از یک و نیم قرن از تأسیس خویش، اکنون در زادگاه اصلی رهبران خود (ایران اسلامی شیعه یا به قول خود بهائیان: مهدامرالله!) فاقد رسمیت قانونی بوده و در بین ملت، به صورت یک گروه قاچاق تلقی می‌شود، و این امر برای حزب مذهب نمایی که حدود ۱۶۰ سال پیش با شعار و ادعای «تغییر جهان!» در کارخانه مذهب تراشی استعمار تولید شد، بزرگترین رسوایی و منقصت محسوب می‌شود.

انقلاب اسلامی؛ بحران سهمگین در تاریخ بهائیت

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره)، بهائیت با بدترین و سهمگین‌ترین بحران در طول تاریخ خود مواجه شد.

سفارت آمریکا در تهران به وزارت خارجه متبوع خویش، طی یک گزارش سری چنین می‌نویسد:

«... پر واضح است که رهبران بهائیت بسیار نگران هستند و خود را در بحرانی می‌بینند که در تاریخ بهائی‌گری بی سابقه بوده است».

بیداری و استبصار جمعی از بهائیان، که در قالب تأسیس گروهی با عنوان جنبش آزادی بخش بهائیان ایرانی (جابا) و انتشار نشریه‌ای به نام احرار علیه بهائیت در سال ۵۸ جلوه‌گر شد، ضربه دیگری بود که به کیان بهائیت در ایران اسلامی وارد شد. گروه مزبور، ضمن انتقاد از تشکیلات بهائیت قبل از انقلاب، از همه کسانی که در دوران شاه برای بیگانگان

جاسوسی کرده و در پستیهای حساس آب به آسیاب دشمنان ایران ریخته‌اند انتقاد نمود. مثلاً در شماره یکم تیر ماه (۵۸، ص ۶ نشریه احرار) خبری را از زبان اسدالله مبشری وزیر دادگستری وقت منتشر کرد که می‌گوید:

«تیمسار ایادی پزشک خصوصی شاه برای سازمان سیا جاسوسی می‌کرده است و مأموریت داشته اگر شاه قدمی بر خلاف منافع آمریکا بردارد او را به قتل برساند».

ضربه اساسی‌تر انقلاب به بهائیت، زمانی صورت گرفت که دادستان کل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ با انتشار اعلامیه‌ای، از دستگیری برخی از بهائیان به اتهام جاسوسی برای بیگانگان پرده برداشته و هر گونه فعالیت تشکیلاتی این فرقه را در ایران ممنوع اعلام کرد و عضویت افراد در تشکیلات بهائیت را جرم به شمار آورد.

حرکت توفنده انقلاب اسلامی و پس لرزه‌های سنگین آن، بسیاری از بهائیان مهاجر را در آمریکا متمرکز ساخت و وابستگی آنان به این کانون استکباری، تا آنجا بالا گرفت که به رغم مصلحت اندیشی اولیه مبنی بر عدم حمایت رسمی ایالات متحده از این فرقه، رئیس جمهور آمریکا (ریگان) صراحتاً به جانبداری از بهائیان دستگیر شده پرداخت و دادگاههای انقلاب اسلامی را به علت صدور حکم دائر بر حبس و اعدام جمعی از سران این فرقه به جرم جاسوسی محکوم کرد. امام خمینی نیز طی نطقی کوبنده، همین جانبداری ریگان از بهائیان دستگیر شده را دلیل بر وابستگی سیاسی آنان به امپریالیسم آمریکا شمرد و آن را مشابه حمایت سوسیالیسم روسیه از سران دستگیر شده حزب توده دانست که در واقع، جنبه حمایت ارباب از خادمان و نوکران خود داشت.

تکاپوی جهانی بهائیت بر ضد اسلام و ایران

فرقه استعماری بهائیت، امروزه در سطح بین المللی فعالیت خود بر ضد ایران، اسلام و تشیع را به نحوی چشمگیر شدت بخشیده و عملاً به یکی از بازوهای پر تحرک نظام سلطه جهانی، بویژه در خاورمیانه، بدل شده است. ذیلأ به گوشه‌هایی از تحرکات این فرقه - که اخبار آن بعضاً

به بیرون درز کرده و در مطبوعات جهانی و پایگاههای اینترنتی منعکس شده است. — اشاره می‌شود:

۱) تحریف رذیلانه واقعیت‌ها در بحران عراق: دیوید کلی،

مسئول مالی محفل ملی بهائیان در انگلیس، و کارشناس ارشد سلاحهای کشتار جمعی در وزارت دفاع آن کشور بود. او در پوشش یکی از اعضای هیأت بازرسی سازمان ملل، ۳۷ بار به عراق سفر و از مراکز نظامی آن بازدید کرده بود. گفته می‌شود که بیت العدل بهائیت مرکز جهانی بهائیان واقع در شهر حیفا ی اسرئیل به او دستور داد گزارشهای وزارت دفاع انگلیس درباره سلاحهای کشتار جمعی عراق را به شکلی دستکاری کند که دولت و مجلس انگلیس به وجود سلاحهای مزبور در کشور عراق یقین کرده و با حمله به عراق (همراه آمریکا) موافقت کنند.

۲) پرویز ثابتی، مسئول تجدید سازمان امنیت عراق: گفته

می‌شود که آمریکا، در مقطع کنونی برای سازماندهی مجدد «استخبارات عراق»، به طور محرمانه از پرویز ثابتی «مقام امنیتی» مشهور ساواک پهلوی و از اعضای برجسته فرقه بهائیت بهره می‌گیرد. قابل توجه است که پرویز ثابتی پیش از انقلاب در ایران، در دهه ۵۰ موفق شد تمام گروههای مسلح زیر زمینی را کشف و نابود سازد^۱

۳) رئیس جمهور افغانستان، شاگرد مدرسه بهایی: به گفته

مطالعین، حامد کرزای (نخست وزیر پیشین و رئیس جمهور کنونی افغانستان) در مدرسه متعلق به بهائیان واقع در پنجگنی هند (حوالی پونا) تحصیل کرده است. مدرسه مزبور یک مجتمع آموزشی، تربیتی است که مدیر آن از سوی بیت العدل تعیین می‌شود و با تبلیغات و تمهیدات حساب شده، افرادی را که زمینه پیشرفت در آینده دارند از نقاط مختلف جهان به تور انداخته و آنها را در پوشش تعلیم و تربیت، متناسب با اهداف خویش پرورش می‌دهد.

۱- پیرامون نقش پرویز ثابتی در جلوگیری از نزدیکی شاه به علما و ایجاد اختلاف بین آن دو و به‌زندان افکندن علما، نگاه شود به خاطرات عزالمالک اردلان، ص ۴۱۴.

تحرکات اخیر بهائیان در داخل کشور

متأسفانه همزمان با تحرک وسیع فرقه ضاله در سطح جهان، اخبار فراوانی نیز از تبلیغات رنگارنگ، گسترده و فزاینده بهائیت در ایران به گوش می‌رسد که حاکی از تجدید سازمان بهائیت در داخل - همسو و هماهنگ با خارج کشور - است. گزارشها حکایت از این دارد که در حال حاضر، فرقه ضاله، سیاست خویش را بر تبلیغ گسترده و علنی بهائیت استوار کرده و سعی دارد اهداف شوم (سیاسی - فرهنگی) خویش را تقریباً به شکل صریح، بی پروا، گستاخانه، و با اصرار پیش ببرد. گستاخی و جسارت این فرقه استعماری، به جایی رسیده که اعضای آن، طبق دستور محفل، رسماً هویت فرقه‌ای خود را نزد دیگران فاش ساخته و به اشکال گوناگون، سعی در تبلیغ این مسلک در بین مردم می‌پردازند.

از قرار مسموع، بیت العدل به محافل ملی بهایی در ایران دستور داده است که با تبلیغات خویش، تا سال ۲۰۲۰، ده درصد از ایرانیها را بهایی کنند! نیز طی پیامی به سرمایه‌داران و عناصر سرشناس بهایی فراری از ایران، اکیداً توصیه نموده که به ایران بازگردند و فعالیت اقتصادی - فرهنگی پیشین خویش به نفع بهائیت را از سر گیرند. به بهائیان ساکن ایران نیز با این تأکید که «ایران، مهد جهان خواهد شد» سفارش شده است که به هیچ وجه از این کشور مهاجرت نکنند و از تشویق و توصیه دیگران به خروج از کشور نیز خودداری ورزند. درهمین راستا، سران بهائیت به تشکیلات این فرقه در ایران دستور داده‌اند که به صورت علنی، مسلک خود را اعلام و پیرامون آن به تبلیغ بپردازند و جلسات تبلیغی تشکیل دهند و هر فردی را نیز که مورد تبلیغ قرار می‌دهند از او بخواهند خانواده خود را هم به ضیافتهای خانوادگی آنها بیاورد. اجرای این دستورات، طبعاً برنامه‌ریزیها و اقدامات حساب شده و گسترده‌ای را به همراه دارد، که آثار آن را اخیراً به صورتهای مختلف در گوشه و کنار جامعه مشاهده می‌کنیم.

همچنین مجله زنان (که در نمایشگاه بین المللی کتاب ۱۳۸۲ - سالن مطبوعات، رسماً خود را به عنوان «اولین نشریه فمینیست در ایران» معرفی می‌کرد) در بهار ۸۳ صفحاتی از شماره ۱۰۸ خود را به معرفی و تبلیغ شبنم طلوعی اختصاص داده و تصویر بزرگ و جذابی از

وی را بر روی جلد مجله درج کرد. جالب و تأمل برانگیز آنکه، عکس روی جلد توسط فردی به نام ورقا عامری تهیه شده بود که نام کوچک وی (ورقاء) از اسامی رایج و شاخص در میان بهائیان است. چنانکه دکتر علی محمد ورقاء، استاد دانشگاه، از روحانیون بهائی بود که سپهبد پرویز خسروانی (رئیس باشگاه تاج و سامان دهنده ورزشکاران به نفع کودتای ۲۸ مرداد) با حضور پدر زنش: عبدالحسین نعیمی (از مأموران قدیم اینتلیجنت سرویس انگلیس و از کارگزاران اصلی بهائیت در ایران) نزد وی تشریفات ورود به بهائیت را طی کرد. نیز نشریه ویژه کودکان و نوجوانان بهائی که توسط محفل بهائیت در زمان شاه منتشر می‌شد، ورقاء نام داشت.

ز) ماجرای مدعی رزمی کار

کسانی که در میانسالی یا کهنسالی قرار دارند با مروری در ذهن خود به نام فردی برمی‌خورند که شاید با شنیدن نام وی لبخندی از سرتمسخر بر چهره آنها نمایان شود.

ابراهیم میرزایی، فردی که پس از شروع انقلاب اسلامی ابتدا خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرد و پس از مدت‌ها نیز علیرغم ادعاهای مختلفی که داشت، سرانجام روزی ادعای پیامبری و امام بودن کرد و و براساس آخرین خبرها وی پس از فرار مفتضحانه از کشور اکنون در یک کشور اروپایی پیتزا فروشی می‌کند.

او فردی است که با راه‌اندازی سازمان موسوم به علم، حق و عدالت، سعی در ایجاد انحراف و تبلیغات گسترده علیه نظام اسلامی و رسالت این انقلاب در داخل و خارج کشور دارد.

ابراهیم میرزایی فرزند محمد در سال ۱۳۱۸ در گرگان متولد شد، پدر وی کشاورز و مادرش خانه‌دار بود. وی پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده افسری و سپس به استخدام گارد جاویدان شاه درآمد، او از همان ابتدا که وارد ارتش شد، آموزش کاراته را از فردی که در آمریکا این فنون رزمی را فرا گرفته بود، آغاز کرد و در سال ۱۳۵۰ با موافقت ستاد نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی به چین رفت و پس از طی آموزش‌های رزمی و به دست آوردن نشان سنتی «هفت پیکر» و دکترای افتخاری در

مهارت‌های رزمی رشته کونگ‌فو به کشور مراجعه و آموزش تکاوران را به عهده گرفت و پس از سفر به تایلند و آمریکا با ارائه فیزیولوژی انرژی انسان موفق به کسب عنوان پروفیسوری می‌شود. هنوز هیچ مدرکی دال بر تأیید این عنوان به دست نیامده است و این اعتقاد وجود دارد که شاگردان وی برای بزرگنمایی به وی این لقب (پروفیسوری) را داده باشند. وی در اولین دوره ریاست جمهوری خود را کاندیدای شرکت در انتخابات کرد اما به دلیل عضویت در گارد جاویدان رد صلاحیت شده و در پائین موضوع تبدیل به یکی از مخالفین سرسخت جمهوری اسلامی گردید و فعالیت علیه نظام اسلامی را آغاز کرد.

ادعای پیامبری

باگسترش فعالیت‌های میرزایی علیه جمهوری اسلامی سرانجام وی در سال ۱۳۶۳ دستگیر و پس از محاکمه به شش ماه حبس محکوم شد و پس از آزادی به گرگان مراجعه و به مدت ۲ سال هیچ خبری از او نبود و مشخص شد وی در مدت ۲ سال به شغل چوپانی مشغول بوده است. وقتی از او علت چوپانی را سؤال کردند وی در پاسخ عنوان کرد: یکی از مشاغل انبیا چوپانی است و آن گاه حضرت موسی(ع) را مثال زد.

ادعای امام زمانی

پس از سپری شدن ۲ سال، ابراهیم میرزایی در سال ۶۵ به ملارد کردج عزیمت و با تکمیل ساختمان نیمه کاره خود، آنجا را به بیمارستان فیزیولوژی انسانی تبدیل و مبادرت به درمان بیماران ناعلاج نمود و پس از مدتی با ادعای امام زمانی (مهدویت) عنوان کرد، قیامت فرا رسیده است.

در سالهای ۶۳ تا ۶۵ یکی از عناصر گروه وی که فردی به نام حسن -الف است پس از ادعای امام زمانی و مهدویت با ادعای برپایی قیامت فردی به نام هت را به عنوان شیطان معرفی و عنوان می‌کند چون شیطان تا قیامت از خداوند مهلت خواسته بود با فرا رسیدن قیامت، مهلت وی هم تمام شده است.

فرمان سفیران

یکی دیگر از فعالیت‌های او در این سال فرمان سفیران نام داشت که به همین منظور سفیرانی را معین و آنها را به کشورهای مختلف از طریق سفارتخانه‌های آنها اعزام و برای هر کدام حکمی را نیز تهیه می‌کند.

میرزایی اعمال خود را وعده‌هایی می‌دانست که می‌بایست در زمان معین به انجام برسند و ارسال و اعزام سفیران هم اولین وعده وی بود. هواداران وی در سال ۱۳۶۶ مبادرت به تهیه فیلم ویدیویی به نام «بیمی» می‌کنند که این فیلم زندگینامه ابراهیم میرزایی تا سال ۱۳۶۶ است. فیلم مذکور با جمله بسم الله الرحمن الرحیم به پایان می‌رسد. در همین سال پس از ضربه‌ای که از سوی نیروهای امنیتی به گروه میرزایی وارد شد وی به همراه جمعی از هواداران از مرز ایران وارد ترکیه شد و پس از دستگیری توسط پلیس این کشور به مدت ۴۰ روز زندانی و پس از آزادی از زندان ترکیه وی به کشور آلمان فراری و اکنون نیز در این کشور به سر می‌برد پس از اقامت وی در آلمان هیچ کس او را ندیده و ارتباط غیرمستقیم خود را از طریق فردی بهنام (چ) با داخل کشور و هوادارانش حفظ می‌کند.

ساخت کشتی بزرگ

ابراهیم میرزایی اندیشه‌های عجیب و غریبی در مقایسه با دیگر مدعیان دارد برای نمونه او در سال ۱۳۷۱ به یکی از مریدان خود در ایران دستور ساخت کشتی بزرگی را در مدت ۲ ماه می‌دهد تا مریدان و هوادارانش را سوار بر آن کرده و در دریا سیر دهد. یکی از مهمترین ادعاهای میرزایی، ادعای امام زمانی است که این ادعا به ادعای سلطان اسلامی و صاحب الامر و در نهایت الوهیت منجر می‌شود. او الوهیت را به خود منتسب می‌کند زیرا در این زمان خود را صاحب حکم کلام دانسته و می‌گوید تمام فرامین خلقت در همین کلام است.

تحقیقات نشان می‌دهد او به دلیل جثه کوچکی که داشته، احساس حقارت می‌کرده است و ۲ نفر از ارادل و اوباش و لات‌های قدیم تهران از

حامیان او بوده‌اند. این ۲ نفر در فیلم‌های فارسی معمولاً نقش کتک خور را داشتند. آشنایی میرزایی با فردی به نام کابوک سبب ایجاد افکار مالیخولیایی در او شد. کابوک اولین بنیانگذار علم هیپنوتیزم در ایران بود که پس از انقلاب به دلیل فساد اخلاقی مدتی تحت تعقیب قرار داشت.

فعالیت گروه

موج فعالیت گروه میرزایی در سال ۷۱ و ۷۲ در زنجان و در قالب ۴ باشگاه آغاز شد که از فعالیت این باشگاهها جلوگیری شد. این گروه تا سال ۱۳۷۴ در سکوت نسبی به سر می‌برد و به جز چند اقدام حاشیه‌ای فعالیت چندانی نداشت. از دیگر فعالیتها و اقدامات انجام شده توسط گروه میرزایی می‌توان به انتشار و تکثیر و پخش اعلامیه‌های کفرآمیز و انحراف عقاید و باورهای مریدان اشاره کرد. این گروه پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ با شیوه‌های تبلیغی خاص مبادرت به جذب نیرو می‌کند و در سال ۷۸ احکام و دستورالعمل‌های جدیدی برای هواداران ارسال و طی آن مقرر گردید تا فعالیت‌های گروه به صورت مخفی انجام گیرد.

اهداف گروه

با بررسی و تحقیق عمیق پیرامون فعالیت گروه طرفدار ابراهیم میرزایی آنچه را که می‌توان از مواضع و دیدگاههای آنها به دست آورد این است که هدف آرمانی این گروه براندازی نظام جمهوری اسلامی است که به عنوان یک استراتژی با ادعای قیامت، پیامبری و صاحب الزمان بودن باورهای مردم را به صورت جدی مورد تهدید قرار دهند. تحقیقات حاکی از آن است پخش قابل توجهی از امکانات و منابع گروه که در راستای فعالیت‌های تشکیلاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد در یکی از شهرها تمرکز پیدا کرده است. راه‌اندازی کتابخانه و معبد از دیگر فعالیت‌های مربوط به این گروه است هزینه‌های فعالیت نیز از سوی هواداران پرداخت می‌شود.

در یک جمع بندی کلی می‌توان عنوان نمود، سردمداران این گروه با حمایت، تغذیه و تقویت کشورهای غربی خصوصاً آمریکا و یک کشور

اروپایی دست به فعالیت ضد فرهنگ ایرانی و اسلامی زده‌اند و از آنجا که جریان علم حق و عدالت توان و ظرفیت لازم برای رویارویی مستقیم یا ایران اسلامی را ندارد، با تبلیغات کاذب و با استفاده از اشتیاق به ورزش افراد را جذب کرده‌اند که این رویکرد یک آسیب جدی برای جوانان عاشق هنرهای رزمی است که در نوع خود هوشیاری مسؤولان را به یاری طلب می‌کند...

ح) فرقه ضاله رشاد خلیفه (ریچارد کلیف)

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی و تضعیف موقعیت جهان خواران در منطقه، برنامه های استعمارگران برای کاهش نقش دین در جوامع اسلامی و ایجاد فاصله بین مسلمانان به شدت افزایش یافت و با حربه آزادی و حقوق بشر به حمایت از فرقه سازان دست نشانده خود و پیروان منحرف آنها پرداخته و با استفاده از امکانات گسترده رسانه ای، به ویژه شبکه های ماهواره ای و اینترنتی اشاعه و گسترش افکار و اندیشه های استعماری در قالب دین، فرقه و... را در برنامه های خود قرار داده اند.

نمونه بارز این اقدام فرقه سازی «رشاد خلیفه» در آمریکاست. وی با انکار خاتمیت پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ادعای رسالت نمود و خود را رسول میثاق نامید و آئینی تحت عنوان دین تسلیم ارائه کرد. دست نشانده های وی در سالهای اخیر این آئین را وارد ایران نموده و به تبلیغ و ترویج آن پرداخته، عده ای را منحرف و جذب نمودند.

بیوگرافی رشاد خلیفه

رشاد خلیفه (ریچارد کلیف) در نوزدهم نوامبر ۱۹۳۴ در یکی از خانواده های صوفی مسلک مصری متولد شد. وی بعدها در دامن آمریکا ادعای رسالت نمود و خود را رسول میثاق خدا و فرستاده متحد کننده و پاک کننده ادیان کنونی در یک دین واحد با عنوان تسلیم نامید.

وی در سال ۱۹۵۹ از مصر به آمریکا رفت و در آنجا دکترای شیمی را در دانشگاه آریزونا اخذ کرد و بعد درجه پی.اچ.دی را از دانشگاه

کالیفرنیا گرفت و مأمور ارشد ملل متحد در بخش کشاورزی و بیوشیمی شد. او برنامه اش برای فرقه سازی را با مطالعه قرآن شروع کرد و ادعا نمود معجزه اش کشف عدد ۱۹ از محتوای قرآن مجید است. او معتقد بود: محمد صلی الله علیه و آله و سلم، آخرین پیامبر خدا بود اما آخرین نبی (پیامبر) نبود بلکه بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسولانی دیگر خواهند آمد و بر اساس قرآن تبلیغ خواهند کرد.

وی آمریکا را سرزمینی که در آنجا قرآن به اصل خود بازگشته معرفی و ادعای خود را در این کشور مطرح نموده و به تبلیغ و ترویج دین تسلیم همت گماشته قرآن را از عربی به انگلیسی ترجمه و بدایع و تحریفات خود را به آن افزود و کتابهایی در رد حدیث و سنت نوشت.

وی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پیامبری معرفی می کند که برای تکمیل دین حضرت ابراهیم سلام الله علیه مبعوث شده و اجازه نداشته چیزی جز دستورات قرآن برای مردم بیان کند. زیرا خداوند تمام نیازمندیهای انسان را در قرآن کریم بیان فرموده و به همین دلیل احادیث و روایات را سخنانی دروغ و یاوه دانسته و ائمه اطهار سلام الله علیهم و شیعیان را مشرک و کافر می داند.

رشاد خلیفه سرانجام در سال ۱۹۹۰ میلادی در مسجد توسان در ایالت آریزونا ی آمریکا توسط مسلمانان به هلاکت رسید.

در سال ۱۳۷۲ یک ایرانی به نام عبدالحی پرنیان در شهر آریزونا با افکار و اعتقادات رشاد خلیفه آشنا شده و جذب فرقه می گردد و طی سفر به ایران این افکار انحرافی را در تهران، شیراز، بندرعباس، کرمان، کیش و... تبلیغ اقدام به عضو گیری می کند.

محورهای اعتقادی فرقه ضاله رشاد خلیفه

– اعتقاد دارند که عدد ۱۹ مقدس می باشد. (مشابهت با عدد ۱۹ مقدس بهائیان)

– اعتقاد به اینکه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرانی خواهند آمد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم الانبیاء نبوده است.

- اعتقاد به مقدس بودن سرزمین آمریکا چون معتقدند که در آنجا قرآن به اصل خود باز می گردد.
- عدم اعتقاد به احادیث و روایات از ائمه و دروغ شمردن آنها.
- مشرک شمردن ائمه اطهار سلام الله علیهم و شیعیان.
- تحریم ازدواج اعضا با شیعیان به جهت اینکه شیعیان را کافر و مشرک می دانند.
- اعتقاد به اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جز ابلاغ قرآن به دیگران حق بیان مطلب دیگری نداشته است.
- تحریف قرآن و چاپ آن در حدود ۱۲۰ جلد.
- نوشتن کتابهایی در رد حدیث و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.
- اعتقاد به اینکه اسلام اسم نیست، بلکه توجیه تسلیم کامل شخص است به خدا.
- اعتقاد به پیامبری رشاد خلیفه از طرف اعضا.
- اعتقاد به این مطلب که دین قابل قبول در پیشگاه خداوند، دین تسلیم است.
- اعتقاد به تحریف قرآن توسط حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی سلام الله علیه.
- اعتقاد به اینکه تحریف قرآن باعث جنگهای ۵۰ ساله گشت که با شهادت امام حسین سلام الله علیه این جنگها پایان یافت.
- انکار عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.
- انکار شفاعت امامان و معصومین سلام الله علیهم اجمعین.
- اعتقاد به اینکه دلار آمریکا پول مرجع می باشد. چون روی آن این مطلب حک شده است: (ما به خدا توکل می کنیم).
- عدم اعتقاد به معجزات پیامبران و امامان.
- فرستادن صلوات را شرک می دانند.
- زیارت قبور ائمه را شرک می دانند.
- اعتقاد به اینکه پیامبر حق نداشته است حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین معرفی کند.
- اعتقاد به اینکه دو آیه آخر سوره توبه به آن اضافه شده است.

- اعتقاد به اینکه قبله اصلی به سمت اورشلیم است.

مواردی از احکام انحرافی فرقه ضاله رشاد خلیفه

- در نماز تشهد نمی خوانند.
- در سلام نماز فقط سلام آخر را می گویند.
- ایام حج ۱۰ روز خاص نمی باشد و تمامی ماههای حرام سال می باشد.
- عدم نیاز به مهر در نماز.
- زکات ۲/۵ درصد است و باید به همه مردم بدهند.
- خمس فقط به غنائم جنگی تعلق می گیرد.
- زنان در حین عادت ماهانه مجاز به خواندن نماز یومیه خود می باشند.
- غسل جنابت واجب است و دیگر هیچ غسل واجب دیگری نداریم.
- افراد و اعضا در خواندن نماز مختار هستند.
- فقط نمازهای صبح قضا دارد و نمازهای دیگر واجب نمی باشد.
- انکار حجاب اسلامی
- زنان می توانند بدون حجاب اسلامی نماز بخوانند.
- پاک دانستن خون و چربی خوک و دیگر حیوانات حرام گوشت.
- جواز روزه دار برای خوردن و آشامیدن
- بدعت در نمازهای یومیه (خواندن نمازها به صورت ۲ رکعتی)

وجه مشترک مدعیان دروغین

در پایان چند وجه مشترک مدعیان دروغین ذکر می شود که هر کدام برخی از ادعاهای زیر را مطرح و با فریب دیگران، مرید جذب می کنند.

- ۱- ادعای مشاهده یا ارتباط با ائمه اطهار(ع)
- ۲- ادعای ارتباط با عوالم غیب و ملکوت
- ۳- ادعای مهدویت و تعیین تاریخ ظهور
- ۴- ادعای پیامبری و نبوت
- ۵- ادعای داشتن شعور کیهان، علوم باطنی و انرژی عوالم هستی

- ۶- ادعای طالع بینی، ستاره شناسی و...
- ۷- ادعای رفع حاجات و مشکلات دیگران با دادن انواع طلسم
- ۸- ادعای داشتن موکل، همزاد، جن و...
- ۹- ادعای داشتن عقل کل، علم لدنی و نفس گرم و...
- ۱۰- ادعای خواندن درون دیگران از طریق رویابینی، طالع بینی و ...
- ۱۱- ادعای موثر بودن از کار و اورادی (غیر ماثوره) که با روشهای مخصوص به دیگران ارائه می کنند.
- ۱۲- ادعای پیشگویی و آینده نگری رویدادهای طبیعی مانند زلزله
- ۱۳- شفا دادن از طریق گفتار، لمس کردن و انرژی درمانی
- ۱۴- ادعای داشتن مقام آسمانی
- ۱۵- ادعای خبر داشتن از ذخایر زیرزمینی و گنجهای پنهان
- ۱۶- ادعای در اختیار داشتن روشهای تربیتی و اخلاقی
- ۱۷- ادعای آشنایی با خواص مواد و اشیاء (سنگها، گل، گیاه و...)
- ۱۸- ادعای دانستن خواص حروف و اعداد علوم غریبه
- ۱۹-

بخش دوم؛

بازخوانی چند پرونده



مدعی طی السماء

خانم ب - ک، معروف به درویش

متولد ۱۳۳۶، متأهل، خانه دار میزان

تحصیلات اول راهنمایی

● وی نزدیک به ۲۰۰ میلیون تومان از مردم با ادعاهای واهی اخذ کرده که فقط حدود ۲۰ میلیون تومان آن در امور عام المنفعه هزینه شده است.

● نامبرده دوران کودکی خود را در یکی از مناطق تهران گذرانده و پس از ازدواج در یکی از محله‌های شمال تهران ساکن می‌شود. حاصل زندگی وی ۴ فرزند است.

● وی به لحاظ فقر مالی از سال ۱۳۸۰ فعالیت‌های خود را مبنی بر ترویج خرافه پرستی و موهوم گرایی و سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم با توسل به شگردهای خاصی اعم از پوشیدن لباس سفید مانند دراویش و عطرافشانی و معطر کردن تسبیح مراجعین و دادن طلسم و نیز عنوان نمودن اینکه دارای موکلین و همزاد می‌باشد و همچنین توانایی ارتباط با همزاد دیگران که از این طریق توانسته است مبالغ هنگفتی را از مردم به عنوان حق الناس، حد، جریمه گناهان، رد مظالم، صدقه، ساخت مسجد برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بیابانهای قم، رفع جادو، دفع اجنه، آرامش و رفع سرگردانی و پریشانی روح اموات... اخذ نماید.

توضیحات:

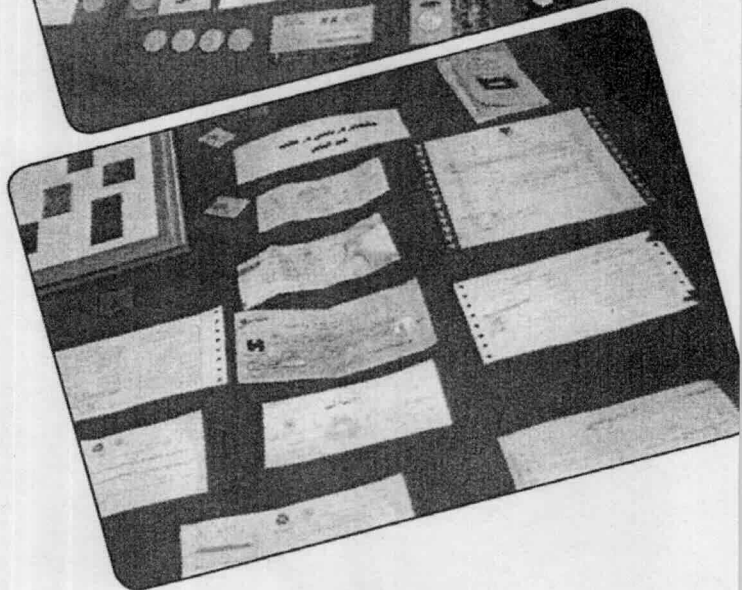
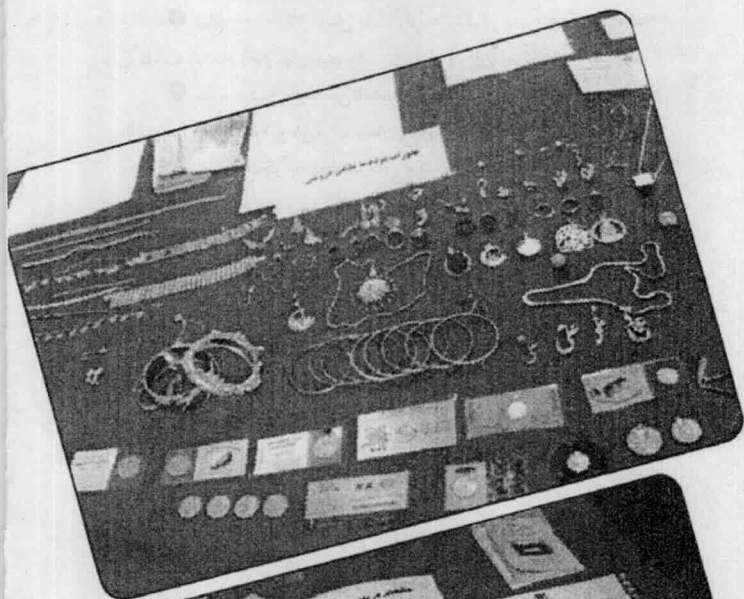
- دارا بودن روحیه کتمان حقایق و دروغ گویی.
- جدی دروغ گفتن به نحوی که خود نیز باور می‌کند.
- تسلط بسیار زیاد بر اطرافیان، تا حدی که از نگاه‌های وی نیز حساب برده و به شدت می‌ترسند.
- هزینه کردن پول‌های مردم برای اطرافیان درجه ۱ و ۲ خود به عنوان ذی حق.
- ترساندن اطرافیان از همزاد خود (افعی)، جن، روح و غیره به نحوی که برخی از ایشان دچار یک نوع تیک عصبی شده‌اند.
- نداشتن پول و امکانات رفاهی زیاد در زندگی همواره وی را دچار عقده کرده و لذا به راحتی برای تأمین برخی از خواسته‌های خود مبادرت به ترویج خرافات و گرفتن پول کرده است.
- معطوف بودن ذهن وی به تعالیم پدرش.
- موفقیت در ترویج خرافات بواسطه وجود افرادی که وی را باور و در جلسات مختلف مطرح کرده‌اند.
- معطوف کردن ذهن دیگران به پاک بودن خود و ارتباط با آسمان (طی السماء)

اظهارات برخی شکات

- مبلغ ۲۰ میلیون تومان بابت حق الناس و ۲۰ میلیون تومان هم با عناوین مختلف مانند خانه سازی برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و زلزله زدگان بم و صدقه به خانم «ک» داده‌ام و...
- خانم «ک» در مجالس زنانه ادعای ارتباط با عالم ماوراء را داشته و عنوان می‌کرد که پرده‌ها از جلوی چشم ایشان کنار زده می‌شود و قادر به دیدن حقایق عالم می‌باشد و...
- خانم «ک» به عناوین مختلف مانند صدقه، تهیه جهیزیه، رفع سرگردانی روح پدرم، مبلغ یک میلیون تومان از من دریافت کرده است و...

- بابت حق الناس خود و شوهر مرحوم و کمک کردن به فقرا
جمعاً ۸ میلیون تومان به خانم «ک» پرداخت کرده‌ام و...
- مبلغ ۱۴۰۰۰۰ تومان بابت زلزله زدگان بم به خانم «ک»
پرداخت کرده‌ام (این پول هیچ وقت به زلزله زدگان بم نرسیده است) و...
- خانم «ک» اظهار می‌داشته با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه
الشریف) ارتباط دارد و می‌تواند بیماری روانی دخترم مریم را درمان نماید
که اقدامات وی منجر به وخامت حال و بستری شدنش در بیمارستان شد
و...
- خانم «ک» با ادعای کذب، مبنی بر ارتباط با امام زمان (عجل
الله تعالی فرجه الشریف) و این که یار ششم حضرت می‌باشد و دارای
موکلین و همزاد است و همچنین اخذ پول برای تهیه جهیزیه، فقرا و
ساخت مسجد در بیابان‌های قم تا کنون بیش از ۷۷ میلیون تومان از من
پول گرفته است و...
- این خانم مبلغ ۷۸۶۴۰۰۰ تومان بابت حد من و مبلغ ۸۹۰۰۰۰
تومان بابت حد همسرم دریافت کرده است و...

بخشی از دارائی‌ها و اسناد مالی



طلسم‌های کاغذی





نورعلی‌شاه

متولد ۱۳۵۷، دیپلمه، دارای شغل آزاد
(مسافرکشی با ماشین، خرید و فروش،
انگشتر، مهره مار، عاج گچی و...)

- همکاری با خانم «ک» در جاسازی طلسم در منزل افراد
- دادن دعای باطل سحر
- هزینه کردن نذورات و... با اطلاع به اینکه می‌دانسته این پول‌ها
متعلق به مردم است. به شرح ذیل:
- الف) بابت خرید خودرو
- ب) بابت ساخت منزل و...
- انجام حرکات رقص سماء
- پوشیدن لباس دراویش به همراه کشکول و تبرزین و...
- نگهداری اسناد محرمانه

اهم اظهارات برخی متهمین

- صحنه سازی برای اینکه میهمانان و حضار در منزل باور کنند خانم «ک» همزاد دارد که به صورت مار افعی می باشد.
- گفتن این نکته به میهمانان که این فردی را که می بینید خانم «ک» نیست بلکه همزاد وی است و خانم «ک» در حال حاضر در جای دیگری (آسمان و...) می باشد.
- هنگام پذیرایی از میهمانان تظاهر می کردند، میوه و شیرینی از غیب و پشت پرده آورده شده است.
- جاسازی انگشتر در منزل یکی از مریدان و نیز چیدن پول در راه پله های منزل خانم «ک» با این عنوان که پول ها از غیب آمده و اجازه برداشتن آن را ندارد.
- استفاده شخصی از پول و هدایای مریدان.
- اظهاراتی صریح مبنی بر به کارگیری ۹۰ شیوه برای فریب دیگران از قبیل: داشتن ارتباط با ارواح، طی الارض، طی السماء، داشتن همزاد و موکل، دادن طلسم، ساخت مکان مقدس در بیابان ها به طوری که کسی آن را نمی بیند و...
- ساخت مدرسه ای که اجنه آن را به آسمان برده اند.

نمایی از پلمپ منزل





باند مدعیان مازندران

خانم: ش - ح

● خانم «ش - ح» سرکرده بانندی در

منطقه «ک» در استان مازندران بود که مدعی ارتباط مستقیم با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدند.

● این باند تحت عنوان نماینده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آذرماه سال ۸۵ در این منطقه شروع به فعالیت کرد و قبل از آن نیز در استان تهران و مدت کمی در استان فارس فعالیت داشته اند.

● تعداد افراد این گروه ۲۰ تا ۲۵ نفر بوده که عموماً از قشر تحصیلکرده و مرفه جامعه می‌باشند.

● با دکتر «ص - ج» که استاد دانشگاه بوده و ۱۷ سال در آمریکا زندگی کرده است آشنا و به عنوان همسر چهارم با وی ازدواج می‌نماید و عرصه فعالیت را دو چندان می‌کند، این باند از استان‌هایی همچون فارس، تهران، اصفهان، کردستان و آذربایجان جذب نیرو و پس از دادن آموزش‌های لازم افراد جذب شده را جهت تبلیغ و فعالیت روانه استان‌ها می‌کردند.

● برقراری ارتباط با سازمان‌های فرهنگی و همکاری با افراد مختلف روحانی و غیر روحانی برای توزیع نوارهای خانم «ح» در بین مردم از اهم فعالیت‌های این باند بوده است.

● برگزاری کلاس‌های شبانه در محل سکونت خود واقع در شهرک نگین از دیگر فعالیت‌های خانم «ح» بوده است.

- برپایی اردوهای مختلف و در اختیار قرار دادن برخی جزوات (حاوی مطالب انحرافی) برای حاضرین در اردو که می‌بایست حتماً در اردو مطالعه و به سؤالات آن پاسخ داده شود.
- ارتباط با یک فرد تبعیدی (آقای الف) و برگزاری جلسات مداوم با وی.
- شرکت در راهپیمایی‌ها و مراسمات عمومی با ظاهری خاص جهت متمایز کردن خود از دیگران.
- ترویج بدعت‌های غلط در اعمال و سنت‌های مذهبی (ذکر کلمه عشق به جای الله اکبر در نماز و...)
- فرد تبعیدی به همراه یکی از فرزندانش املاک فراوانی در منطقه فوق تصرف کرده که به جای پول برخی از این املاک قرار است معوضی در بهشت به صاحبان زمین‌ها بدهد.
- بیشتر موضوعات سخنرانی خانم «ح» بحث‌های انحرافی در خصوص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بیان روایات منسوب به آن حضرت و مسائل زناشویی بوده است.
- وی به خانم‌ها عنوان نموده اگر ۶ ماه نزد همسر خود نروند حتماً امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را رؤیت خواهند کرد.
- در صورت جدایی شخص از گروه، دیگر افراد ضمن توهین علنی و حتی نسبت دادن حیوانیت به وی، برای فرد جدا شده از گروه مجلس ختم برگزار می‌کردند.
- این فرد به علت ایراد بحث‌های انحرافی و دروغین در خصوص ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اغفال زنان مبنی بر طلاق گرفتن از شوهرانشان، ممنوع فعالیت شده و فعالیت‌های وی از طریق خواهر نامبرده (ز - ح) ادامه داده شد.
- او تا کنون چندین مرتبه بازداشت شده است از جمله در قم و تهران ولی هر بار پس از آزادی به فعالیت‌های مضره خود ادامه داده است.
- با بروز اختلاف شدید در این باند و همکاری برخی از اعضا با مسؤولان امنیتی استان مازندران این باند شناسایی و به طور کامل متلاشی شد.



مدعی ارتباط با اجنه

آقای خ - د

۳۶ ساله، متولد تبریز، دارای تحصیلات

سیکل

- نامبرده مدعی است روح پیامبر و ائمه سلام الله علیهم اجمعین در وی حلول کرده و اجنه نیز با او در تماس هستند.
- «خ» با فریب مردم از طریق ادعای در دست داشتن گنج‌های زیر زمین و با وعده ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و این که دارای رسالت می‌باشد از مردم اخاذی می‌کرد.
- گفته می‌شود نامبرده به دستگاه گنج یاب مجهز است.
- او می‌گوید دارای استاد معنوی است و از مریدان خواسته او را آقا جان خطاب کنند.
- اغلب مریدان او را زنان تشکیل می‌دهند. او به مریدانش می‌گوید اگر به وی ایمان دارند باید در نزد او بی حجاب و راحت باشند.
- با بعضی از مریدانش ارتباط نامشروع داشته است.
- گفته می‌شود، او در حال حاضر در یکی از شهرهای جنوبی به سر می‌برد و قصد داشته به خارج از کشور برود.
- وی با فریب، یکی از زنان شوهردار را به عنوان اینکه روح اولیاء در او حلول کرده نیز با خود همراه کرده است.

- او ادعا دارد جای گنج‌ها را دانسته و برخی او را در این کار حمایت می‌کنند!
- نامبرده برای جذب مریدان ادعا کرده اجنه ای در اختیار دارد که برای او طلا می‌آورند.
- ازدواج و طلاق مریدان از یکدیگر به اراده او صورت می‌گرفت.
- وی همواره مریدانش را با ترساندن از این که در خواب از آنها زهر چشم می‌گیرد، تهدید می‌کرد و کاری می‌کرد که از او حساب ببرند.
- در سابقه وی توهین‌هایی به مسؤولان نظام مشاهده شده است.
- این شخص در حال حاضر پرونده مفتوح قضایی دارد و تحقیقات در مورد ادعاهای شکات وی ادامه دارد!



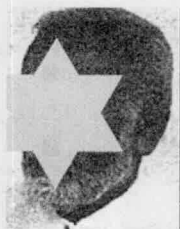
مدعی دهمین نیابت

خانم «ع - خ»

متولد: ۱۳۴۰، تحصیلات: دیپلم

- وی پس از ازدواج به تهران می‌آید و مدت سه سال به تحصیل دروس حوزوی می‌پردازد و سپس به دلیل مشغله‌های زندگی تحصیل خود را از طریق غیر حضوری ادامه می‌دهد.
- فعالیت تبلیغی نامبرده از سال ۶۹ با تدریس کتب عرفانی شروع و به تدریج گسترش می‌یابد.
- وی در زندگی زناشویی موفق نبوده و همسرش سال‌هاست که او را رها کرده و در شهر دیگری زندگی می‌کند.
- وی ادعای ارتباط با ائمه اطهار سلام الله علیهم و نیابت خاصه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دارد.
- او ادعا کرده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وی عنایت دارند و مقرر فرموده‌اند نیابت خاصه آن حضرت که بر عهده یکی از علماء است، به وی منتقل گردد.
- او مدعی است از زمان غیبت کبری تا کنون امام عصر ۹ نایب داشته و وی دهمین نایب است.
- تعیین یاران حضرت و رده بندی آنان به منظور اخاذی از ایشان از جمله اقدامات وی است.

- داشتن سیر روحی و رسیدن به مراحل تکاملی نیز از دیگر ادعاهای مطرح شده اوست.
- ترویج خرافه گرایی با تشکیل جلسات
- فروش آب بخت گشایی
- فعالیت تبلیغی در خارج از کشور. (برخی مراکز فرهنگی از جمله مرکز اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و مرکز اسلامی منچستر انگلیس از وی جهت تبلیغ، دعوت کرده و نامبرده بدان مرکز مسافرت کرده است).
- راه اندازی مؤسسه خیریه عسگرالمهدی (عجل الله فرجه الشریف) و تحت پوشش قرار دادن تعدادی از خانواده‌های فقیر و بی بضاعت و ثبت بین المللی آن.
- برقرار ارتباط با خانواده برخی مسؤولین و ثبت عضویت رسمی آن‌ها به منظور اثبات سلامت عملکرد مؤسسه.
- اقدام به جمع آوری وجوهات و سوء استفاده‌های مالی و تصاحب غیرقانونی اموال.
- نامبرده در سال ۸۵ با حکم قضایی احضار و طی چندین جلسه مورد بازجویی و توجیه و ارشاد قرار گرفت و ضمن اعتراف به تخلفات خود، ابراز تنبه و پشیمانی نمود و متعهد به عدم تکرار خطاهای گذشته گردیده است.



مدعی استادی عرفان

آقای «ق - ش»

۷۰ ساله، ساکن استان تهران، بدون هیچ

گونه مدرک تحصیلی

● نامبرده در قالب جلسات محفلی اقدام به ترویج مسلکی خاص می‌کند و در یک سال اخیر با چاپ و انتشار نشریه ای که شاگردان وی آن را می‌گردانند برخی نظرات و عقاید وی با عنوان حضرت استاد در آن به چاپ می‌رسد.

● نامبرده از ارکان فرقه «ک» به شمار می‌آید.

● وی با این عناوین توانسته است مریدان بسیاری را برای خود جذب نماید.

● با تشکیل جلسه برای خانم‌ها چنین القا کرده است که همه زن‌ها به من محرم هستند و مرز محرم و نامحرمی برای من وجود ندارد.
● وی در برخی جلسات خصوصی خود به شاگردانش اظهار کرده که من به عنوان یک عارف هدیه ای هستم از طرف خدا به قطب فرقه «ک».

● داستان خواب دیدن حضرت زهرا سلام الله علیها توسط وی که در یکی از نشریات محلی انتشار یافت حاوی مطالب موهن بود که موجب تعطیلی این نشریه و تأثر و تأسف نمازگزاران جمعه گردید به طوری که در نماز جمعه همگی خواستار برخورد قضایی با وی شدند.
● وی آیات و روایات را تفسیر به رأی می‌کند.

- شاگردانش وی را استاد عرفان زمان و بالاتر از دیگران می‌دانند.
- وی تا حدودی بد دهن است و در جلسات خطاب به مریدان آن‌ها را بی شعور و... خطاب می‌کند.
- نامبرده تعهد داده است که این مسائل را در سطح شهرستان خود طرح نکند ولی کماکان با بی توجهی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.

برخی مطالب جلسات عرفانی وی:

- باید ربّان را بشناسید تا به او هدایت شوید و تلویحاً خودش را رب دیگران معرفی می‌کند.
- در نماز باید یک مرشد را در نظرتان بگیرید و او را عبادت کنید تا به معرفت برسید.
- داستان میخ در و... و امثال این‌ها کذب است مگر علی (سلام‌الله علیه) نمی‌توانست میخ در را کج کند که به بدن حضرت زهرا فرو نرود.
- احکامی که من می‌گویم دین جدید است و مربوط به این زمان است و باید از این‌ها تبعیت کنید.
- پیامبر امی و بی سواد بود و قرآن معجزه اوست من هم بی سوادم و این کتاب‌هایی که نوشته‌ام معجزه من است.
- اگر نزد من بمانید و به دستوراتم عمل کنید شما را به مرحله ای می‌رسانم که دیگر....
- من ستار العیوبم من همه چیز را می‌دانم و همه گناهان را که شما مرتکب شده اید می‌دانم اما من چیزی نمی‌گویم چون ستار العیوبم.
- من از آینده شما خبر دارم و می‌دانم که چه اتفاقاتی برای شما می‌افتد اما نمی‌گویم.



مدعی انرژی درمانی

آقای م - م

متولد ۱۳۴۵، ساکن تهران، دارای مدرک تحصیلی سیکل و شغل اصلی وی آشپزی می‌باشد.

● مدعی است که استاد منحصر به فرد انرژی درمانی است. همچنین قدرت اسکن بدن بیماران را دارد و بیماری‌های لاعلاج را با انرژی درمانی مداوا می‌کند.

● مدعی است که این نیروها را در اثر ریاضت و سختی به دست آورده است.

● وی با اغفال یکی از پزشکان در شرق تهران به عنوان دستیار در درمانگاه وی مشغول به کار شده و به کار انرژی درمانی می‌پردازد.

● وی پس از آشنایی واسکن با زنان طرح دوستی ریخته و اقدام به کلاهبرداری می‌کرد.

● پس از مدتی به کویت برای انرژی درمانی می‌رود. پس از درمان یک فرد عرب و مردن او سریعاً به ایران بر می‌گردد.

● در کویت نیز با سفارت خانه‌های خارجی تماس داشته است و تمایل پیدا می‌کند برای ادامه کار به انگلستان برود.

● وی تقاضا کرده است وزارت بهداشت کار وی را تأیید کند تا وی با ۲ فرزند و همسر جدیدش به انگلستان برود.

● وی در سال ۷۸ یک فقره سابقه کیفری داشته است (مواد مخدر و ارتباط...).

● نامبرده توسط نیروی انتظامی و با شکایت پدر دختری که وی درمان کرده و سپس عاشقش شده و از او به عنوان همسر دوم خواستگاری کرده، بازداشت و متعهد می‌شود که دیگر سراغ آن دختر نرود.

سوء استفاده خرافی از طرح‌های اسناد رسمی کشور



کارت‌های تبلیغی با اسامی و شمایل متبرک



بروشورهای تبلیغاتی خرافی





مدعی همسری امام عصر (عج)

خانم گ - الف

متولد ۱۳۳۰، تهران، دیپلمه، وی تا کنون

چند بار ازدواج کرده است.

● نامبرده از تاریخ ۱۳۶۳ به بعد عنوان می‌دارد که خواب‌نما شده و از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او امر شده که برای آن حضرت تبلیغ نماید، لذا نه جلد کتاب در این زمینه گردآوری و به چاپ رسانده است.

● وی مدعی است: حضرت به من فرمودند اگر من سه نفر مثل تو داشتم تا حالا آمده بودم.

● او ادعا می‌کند آقا به من گفتند: من ممنونم از شما که چهل سال ظهور مرا جلو انداختید.

● همچنین می‌گوید: حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از حکومت آقای خاتمی ظهور خواهد کرد.

● وی مدعی است مأموریت داشته که محل امنی برای آقا و یارانش بسازد (وی این محل را در یکی از شهرهای مرکزی ساخته و خود کلیددار آن است).

● حضرت در رابطه با کتابهای من فرمودند: فعلا کتابهای شما به اندازه خون همه انسانها می‌ارزد.

● من چندین مرتبه با حضرت ملاقات داشته‌ام و ایشان یک اتومبیل و یک باب منزل در تهران به من داده‌اند و منتظرم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمایند تا با ایشان ازدواج کنم. (وی در جایی دیگر می‌گوید: من در آینده همسر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهم شد.)

● وی قبل از شروع فعالیت هایش با همسر سومش سفرهای تفریحی متعددی به کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، سوئد و اسرائیل داشته است.

● گردآوری و تدوین خوابهای مریدان و هواداران در قالب جزوات.

● ملاقات با شخصیت‌های مختلف در دفاع از ادعاهای خود.

● وی در سال ۶۵ ادعاهای خود را برای مقام معظم رهبری بازگو می‌کند که معظم له این ادعاها را باور نمی‌کند.

● سخنرانی در مدارس دخترانه تهران و شهرستانها.

● ساخت حسینیه در روستای امام زاده قاسم علیه السلام به عنوان

پناهگاه یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

● وی تا کنون چند بار بازداشت شده و در حال حاضر نیز دوران محکومیت را طی می‌کند.



مدعی ارتباط با امام زمان (عج)

آقای سیدحسین کاظمینی بروجردی

● یکی از مدعیان ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در ۱۰ سال گذشته و در مذهبی ترین نقاط تهران به فعالیت‌های عمیق خرافاتی پرداخته است.

● وی خود را نوه بیست و هفتم امام موسی کاظم سلام الله علیه و همچنین نوه آیت الله بروجردی معرفی می‌کرد.

● بروجردی با استخاره گرفتن، دعا نوشتن، ورد یا ذکر دادن، ادعای ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با بیان حرف‌های عجیب و غریب و خواب‌های کذب در صدد پیدا کردن مرید بود.

● قبل از دستگیری چندین بار توسط نیروهای امنیتی به وی تذکرات جدی مبنی بر عدم فعالیت‌های مزورانه و تفرقه افکنانه داده شد ولی کاظمینی به هیچ یک از تذکرات توجهی نکرد.

● وی به رادیو آمریکا و رادیو فردا اعلام کرد که دولت دارد ماهواره‌ها را به خاطر مطرح نشدن من جمع آوری می‌کند.

● وی مدعی بود کوفی عنان در سفر آخرش به ایران برای دیدار من آمده بود که مسؤولین مانع این امر شدند.

● نامبرده همواره خود را با رهبران بزرگ انقلاب‌های جهان مقایسه می‌کرد و لذا در این رابطه، امر بر او مشتبه شده بود.

● علیرضا نوری زاده (از معاندین فراری) طی تماس‌های مکرر از او خواسته بود تا حرکت‌های تبلیغی خود را شروع کند و قول داده بود که با پشتوانه شبکه‌های ماهواره ای به سرعت از وی یک چهره انقلابی و رهبری مسلمانان جهان بسازد.

● وی در تظلم نامه ای به پاپ خود را از افراد صلح جو، خداگرا و... معرفی کرد و نوشت در ایران با یک روحانی سرشناس از سلسله خاندان پیامبر چنین ضدیت‌هایی می‌کنند.

● کاظمینی در اعترافات خود بیان می‌کند به علت پایین بودن ضریب هوشی از مکان‌های تحصیلی اخراج شده است.

● برخی از مریدان وی در صدد بوده‌اند تا او را به نحوی آزاد و راهی خارج از کشور نمایند که در این مسیر هیچگاه موفق نشدند و کاظمینی در حال حاضر دوران محکومیت خود را می‌گذراند.



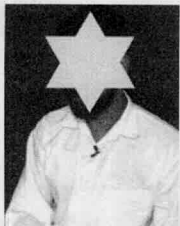
مدعیان دین پاک

آقای ص-ح

وی ساکن یکی از روستاهای غرب کشور بوده که در سال ۱۳۸۲ در اثر تصادف فوت کرده است.

● نامبرده اصالتاً کرد عراقی می‌باشد ولی در شهر ری زندگی کرده و از سمنان همسر گرفته است.
نامبرده ادعای پیامبری داشته و نماز جدیدی برای خود وضع می‌کند.

● وی معتقد بود در سال ۱۳۶۸ ظهور کرده است.
● وی به خاطر مسائل اقتصادی مدتی زندان بوده و در زندان راز و رمز دین خود را به «ع - ن» تعلیم داده و او را مرید خود می‌کند.
● چاپ و انتشار نماز جدید و همچنین جزوه ای با عنوان «الم ذلک الکتاب» توسط نامبرده یکی از فعالیت‌های موهن وی می‌باشد که موضوعات آن بر اعداد ابجد استوار است.
● وی دین خود را آیین پاک یکتا پرستی بدون وجود مذاهب (فرامذهبی) اعلام کرده است.



آقای ع - ح

۲۴ ساله و مدعی جانشینی «ص - ح» و

گردآورنده کتاب الهی

● وی معتقد است که پدرش با وحی از طرف خداوند و علم لدنی که از درک و فهم آیات قرآنی به وی عطا می‌شده برای هدایت جمله آدمیان مأموریت یافته است.

● او می‌گوید: در قرآن به صراحت از «ص» نامبرده شده و او به عنوان پیامبر موعود معرفی شده است.

● بنا به ادعای ایشان موعود در واقع آخرین پیامبر خداوند است که برای هدایت انسانهای روی زمین در دوره آخر الزمان مبعوث شده است.

● نامبرده خود را وارث و جانشین پدرش می‌داند و افرادی چون «ع-ن» نیز به حمایت از او فعالیت می‌کنند.

● آن‌ها تغییراتی در آیات قرآن ایجاد کرده‌اند به عنوان مثال در سوره اخلاص به جای قل هو الله احد می‌گویند الله احد.

● فرقه مذکور نذر برای ائمه سلام الله علیهم اجمعین و دیگران را حرام می‌دانند.



آقای ع - ن

بی سواد، سخنگوی دین پاک، تعلیم دیده

به دست «ص - ح» در زندان

● وی خود را زکریای این فرقه می نامد زیرا فاقد فرزند می باشد.
● آنها تغییراتی نیز در نماز داده اند و نماز مختص خودشان و مریدان ساخته اند.

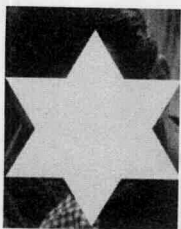
آن ها در سلام نماز، عبارت السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته را در حقیقت در خصوص پیامبر خودشان قلمداد کرده و می گویند: اشاره به نبی حاضر است که در این زمان (مقارن با آخر الزمان) همان موعود است.

● اعضای این فرقه معتقدند برترین زن بر زنان جهانیان به استناد آیه ۴۲ سوره آل عمران فقط حضرت مریم سلام الله علیها می باشد.
● اعضای فرقه یهودیان را بابلی و بابلیان را ایرانی می داند و لذا معتقدند یهودیان ایرانی و قابل احترام اند.

● وی خود را فرزند هفتم خانواده و عدد ۷ را بسیار مقدس می داند و معتقد است در تولدش راز و رمزی است که همین باعث شده به این دین گرایش پیدا کند.

● او همچنین مدعی است بر اثر ریاضت به مقاماتی رسیده است.
● وی می خواهد در غرب ایران اورشلیم را بازسازی و خانه کعبه را در آن قرار دهد تا دیگر کسی به مکه نرود و همانجا حج را به جا آورد.
● اعضای فرقه معتقدند نماز را می توان به هر زبانی خواند (ترکی، کردی، فارسی و...).

● نامبرده در حال حاضر نفر دوم فرقه می باشد و خود را سخن گوی «ص - ح» پیامبر فوت شده می داند.



آقای الف - الف

۲۵ ساله، مسؤول شاخه تهران و توزیع کننده

جزوات دین پاک

● آقای الف - الف ساکن تهران و جزو حلقه اول مریدان می باشد.

● نامبرده می گوید توسط یک مسیحی به آن دین معرفی شده

است.

● وی به علم اعداد و ابجد تا حدی مسلط بوده و همه مسائل را از

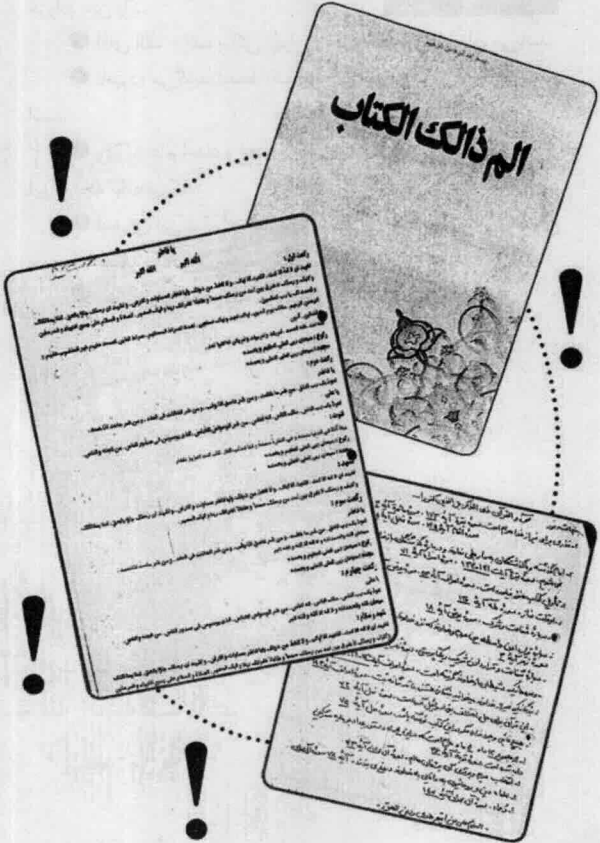
این دریچه نگاه می کند.

● اعضای این فرقه به معالجات پزشکی اعتقاد نداشته و بیماران

خود را با غسل و انجیر درمان می کنند.

● اعضای فرقه به حجاب زنان در مقابل خود اعتقادی ندارند.

کتاب انحرافی فرقہ دین پاک





مدعی علوم باطنی

آقای پ-ف معروف به ایلیا. رام...

رهبر فرقه جریان هدایت الهی

● وی سالهاست که بنا به گفته پیروانش قطب فرقه بوده و حداقل

می‌توان به هدایت گروه توسط او از سن ۲۵ سالگی اشاره کرد

● نامبرده اهل یکی از شهرهای غربی کشور و دارای تحصیلاتی

زیر دیپلم است و در میان پیروان خود به نامهای متعددی من جمله

«آواتار» یعنی تجسم جریان حقیقت، روح مجسم حق و تجسم الهی و نیز

«بنی سماء» معروف است.

● ایلیا طی سالهای اخیر بصورت مخفیانه زندگی کرده و کلیه امور

فرقه و هدایت آن را پنهانی بر عهده داشته است.

● تا این اواخر هیچکس نمی‌دانست ایلیا صاحب همسر و فرزند

می‌باشد ولی اکنون مشخص شده که همسر وی یکی از گردانندگان

نشریات این فرقه می‌باشد و ۲ پسر خردسال دارد.

● بنا به اعتقاد مریدانش، ایلیا هر چند در وجه تسمیه یادآور «آیین

کبیر» می‌باشد، ولی از لحاظ تفکرات فرقه‌ای متأثر از عرفان شرق (امثال

سای بابای هند) است. (سای بابای هند از مدعیان دروغین پیامبری در

هند بوده که مریدان قابل توجهی را نیز جذب کرده است) وی شاید

جرقه‌های اولیه فکری خود را از اهل تصوف گرفته است.

- ایلیا دارای تفکر اقتصادی قوی است و در مدت فعالیت خود توانسته چندین دفتر نشر، چندین انجمن: چند دفتر مطبوعاتی، چندین شرکت تجاری بخصوص شرکتهای هرمی طرح نماید.
- مریدانش او را عقل کل عالم هستی می‌دانند که همراه مسیح آمده، تا راه نجات را نشان دهد.
- او از روح خدا به عنوان حامی، پشتیبان و راهنمای خود یاد می‌کند و مریدانش می‌گویند: روح خدا در او حلول کرده و جاری شده است.
- ایلیا تقیدی به حجاب در مقابل خود ندارد چرا که معتقد است باطن افراد را می‌بیند.
- شاگردان ایلیا به او هیچ شک و شبهه‌ای ندارند و در مقابلش خاضع، مطیع و منعطف‌اند در حدی که بالای ۲۰۰ نفر از دختران مرید وی خود را یکطرفه همسر ایلیا معرفی کرده‌اند.
- ایلیا معتقد است که انرژی‌های موجود در عالم هستی در دست اوست و قادر به توانبخشی معلولین و بیماران می‌باشد.
- او مدعی است برای تشکیل جلسه و انتشار تعلیم خود نیاز به مجوز نداشته و اینگونه مراحل قانونی را به رسمیت نمی‌شناسد و مدعی می‌شود از هیچ فرد و قدرتی واهمه‌ای ندارد.
- مریدان ادعاهای او را کاملاً پذیرفته و اذکار و دستورالعمل‌های او را همواره با خود همراه داشته و عمل می‌کنند.
- این فرقه مدعی وحدت ادیان بوده و خود را در عین اینکه آورنده دین جدید نمی‌داند ولی به عنوان مفسر واقعی ادیان و منجی انسانها معرفی می‌کند و اعضاء فرقه اعتقاد و ایمان بسیار زیادی به رهبر فرقه و اعمال خرق عادت وی دارند.
- این فرقه علاوه بر ترویج عقاید خود، تلاش کرده با برخی از مراکز فرهنگی در ارتباط باشند.
- جلسات حلقه اول بعضاً در نیمه‌های شب به صورت محفلی، حفاظت شده و مخفی در برخی از منازل برگزار شده است.
- یکی از فعالیتهای فرقه رام اسم، راه‌اندازی مرکزی با عنوان مرکز هنرهای ماورایی و روح زایی می‌باشد.

● این مرکز اقدام به برپایی کلاسهای تحت عنوان روشهای چهل گانه مانند انرژی درمانی، خواب درمانی، اندیشه درمانی و... توسط جمعی از شاگردان ایلیا در ایران و با همکاری مرکز فرهنگی «الف — ی» و مؤسسه «ع-م» نموده است.

● کلاسهای که در مرکز فوق برپا می‌گردد عبارتند از: سایکوتکنولوژی؛ هنر تفکر متعالی؛ هنر پرواز روح؛ هنر کنترل ذهن؛ هنر رؤیابینی خلاق؛ فنون انرژی زایی.

● روشهای ۱۲ گانه مدیتیشن (یوگائیل) و ماها مدیتیشن (ماهایوگا)

● چاپ و انتشار کتب داخلی و خارجی به زبانهای مختلف یکی دیگر از فعالیتهای فرقه می‌باشد که توسط برخی گروههای معتقد به این فرقه انجام می‌شود.

● ایلیا رام ... در خرداد ماه ۱۳۸۶ بازداشت شد و در حال حاضر با قید وثیقه آزاد می‌باشد.

● فرقه رام ... در شتاب برای گسترش و جذب اعضاء، یکی از فرقه‌های منحصر به فرد در ایران می‌باشد. این فرقه در مدتی کمتر از ۵ سال چندین هزار نفر را جذب کرده است. حضور بعضاً ۷۰۰ نفری در جلسات سخنرانی رام ... در فرهنگسراها مؤید وجود اعضاء و هواداران زیاد وی می‌باشد.

● برنامه‌های برخی مراکز فرهنگی تهران برای مدتی کاملاً تحت اختیار این فرقه قرار داشت که با پیگیری‌های بعمل آمده از این اقدام جلوگیری گردید.

● انتشار کتاب، نشریه، تشکیل جلسات سخنرانی، تشکیل کلاسهای سطح بندی شده و تبلیغ گروهی افراد در اماکن عمومی بویژه دانشگاهها، جلسات کار گروهی در برخی سازمانها از عمده‌ترین شیوه‌های تبلیغی فرقه رام ... است.

● سایتهای اینترنتی فرقه عبارتند از «ش»، «ع»، «ت» و...

● تعدادی از نشریات گروه توسط هیأت نظارت بر مطبوعات تعطیل شده است.

برخی کتب جریان هدایت الهی عبارتند از:



- کتاب جریان هدایت الهی
- تفسیرهای پل برانتون از کتب مقدس
- زندگی براساس خرد سرخپوستان تولتک
- تأثیر حیوانات بر سرنوشت ما
- گورونانک
- یوگای عاشقانه

● در تمام آموزه‌های ایلیا توجه بر خود

و خویشتن برتر، بی‌تعلق به دنیا، خودشناسی و فطرت‌گرایی موج می‌زند، همه مطالب در ابتدا و وسط و یا در انتها به این موضوعات وصل می‌شوند.

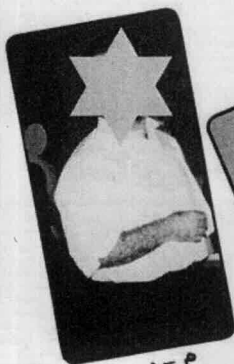
● ایلیا خود را قائل به دین و مذهب خاصی نمی‌داند و آنچه مسلم است تعالیم خود را به صورت فرادینی ارائه می‌دهد.

● ثمره مهمی که از این نوع آموزه‌ها به دست می‌آید پلورالیسم یا کثرت‌گرایی دینی است. ایلیا صراحتاً در ارائه راهکار به شاگردان خود آنها را در انتخاب دین و مذهب آزاد گذاشته و به آنها می‌گوید به همان شیوه‌ای که پیش از این‌ها با آن مأنوس و راحت بودید به سلوک ادامه دهید.

● ادعا می‌شود گرایش‌های عرفانی ایلیا جهانی است و در مواردی تأکید بر جهانی‌سازی به شکلی اخلاقی و البته به صورتی که وی طراحی می‌کند در آموزه‌ها مشاهده می‌شود.

● در آموزه‌های ایلیا، نیز «روح الهی» امری ناظر به خلقت و فطرت و سرشت همه انسانها است. اما نوع و تفصیل و تحلیل و تأکید بر مطالب، خارج از آموزه‌های عرفان اسلامی است و همواره به آگاهی بر «خویشتن برتر»، تأکید ویژه‌ای شده است.

برخی فعالین حلقه اول



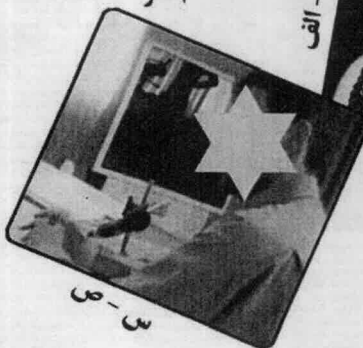
م-د



دکتر ک



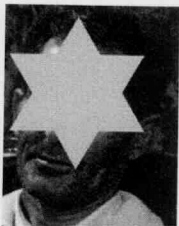
ح-الف



س-ص



م-ص



مدعی پیامبری

آقای ق- د

وی بالای ۵۰ سال سن دارد و دیپلمه

می‌باشد.

- ادعاهای نامبرده تحت تأثیر خوابهای خود و اطرافیانش می‌باشد.
- در اثر این خوابها وی خود را ابتدا امام زمان و بعد پیامبر محبوب خدا معرفی می‌کند.
- وی می‌گوید همانطور که شمس تبریزی جهانی است من هم جهانی هستم.
- وی در بهمن ماه سال ۸۶ از شمال غربی کشور به تهران آمده، به مقر ریاست جمهوری رفته و خود را امام زمان معرفی کرده است.
- در سابقه وی همفکری با گروه فرقان وجود دارد.
- ۸ سال همراه خواهرش آموزش‌های فرقه آمریکایی اکنکار را تجربه کرده و در حقیقت یک اکیست می‌باشد.
- وی به سفر باستانی روح و ماهانتان به عنوان خدای اکیستها معتقد است.
- وی نماز نمی‌خواند، قرآن بلد نیست، آداب شرعی خود را یاد نگرفته ولی با این حال می‌گوید: آمده‌ام تا مردم کره زمین را نجات هم و آنها را با تکالیفشان آشنا کنم.

- نامبرده به تناسخ قاتل بوده و می‌گوید: در گذشته فرزند امام یازدهم(ع) بوده‌ام، مرا کشته‌اند و اکنون در کالبد جدید ظهور کرده‌ام.
- خواهر وی نیز ضمن آنکه خود را اکیست می‌داند به انرژی درمانی می‌پردازد.





ادعای مراقبه

آقای ن - غ

وی بالای ۵۰ سال سن دارد و دارای
مدرک لیسانس عمران می‌باشد.

● نامبرده مدت ۱۰ سال است، کلاسهای مراقبه با برنامه‌های
مختلف غیر شرعی برگزار می‌نماید و برای هر دوره مبالغ هنگفتی را از
شاگردانش دریافت می‌کند.

● وی که می‌خواهد در این کلاسها افراد را به آرامش روحی برساند
خود نیز از عدم آرامش روحی برخوردار بوده و برای رسیدن به آرامش به
رمال‌ها مراجعه کرده و از آنها طلسم دریافت می‌کند.

● وی مطالعات خود را با نوشته‌های پال توئیچل و هارولد کلمپ
(بنیانگذاران اکنکار در آمریکا) آغاز کرده و در حقیقت یک اکیست
می‌باشد.

● وی در ادامه مطالعات خود با فرقه جدیدی مشتق شده از اکنکار
(خود مراقبه) آشنا می‌شود و نمایندگی این فرقه را در ایران به عهده
می‌گیرد و کلاسهای خود را با این مباحث شروع می‌کند.

● استاد این فرقه بنام «ج - الف» ۳۰ سال است که در آمریکا
زندگی می‌کند و به تدریس مباحث این فرقه مشغول می‌باشد.

● استاد «ج — الف» در آمریکا به افراد یهودی متصل شده و فردی است دائم الخمر و از طریق اینترنت در کلاس‌هایی که در تهران برگزار می‌شود با شاگردان این کلاس ارتباط برقرار می‌کند.

● او کلیه اطلاعات شاگردان خود را از طریق ایمیل به آمریکا ارسال می‌کرده است تا استاد با ریزترین مسائل شاگردان (بدون اطلاع آنها) آشنا شود.

● وی که خود را مادر روحانی شاگردانش می‌نامد، چندین بار برای آموزش‌های استاد «ج — الف» راهی آمریکا شده است و سختی‌هایی را در انجام مدیریتش تحمل کرده است تا حدی که در یک مرحله نیمی از بدن او بی حس شده و از حرکت باز می‌ایستد.

● دوره‌های مختلفی که وی برای شاگردانش انجام داده مسائلی را که از آنها می‌خواسته که گاه منجر به اختلاف بین خانواده می‌شده است. مانند آن که در مرحله آینه شدن، زنها و مردها می‌بایست آینه همدیگر شده و باید به مرحله‌ای برسند که عاشق یکدیگر شوند.

● ازدواج‌های معنوی با دادن سند امضاء شده، یکی از مراحل فعالیت‌های این فرقه می‌باشد.

● شعارهای این فرقه به این ترتیب است:

تولد دوباره تولد سپید ما من خودم را دوست دارم
پرواز به سمت سپیدی و روشنایی نگاه به سمت مشرق و طلوع

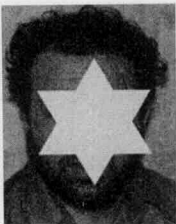
آفتاب استاد عشق (ج — الف) همیشه با ماست و...

● استاد «ج — الف» برای شاگردان این کلاس‌ها حکم «آریل (رهبر گله)» را دارد که معتقدند در خواب و بیداری و در سفر و حضر، همواره با آنها است و حتی خواب‌های آنها را نیز می‌داند چیست.

● استاد «ج — الف» به شاگردان این فرقه می‌گوید به جای اقامه نماز، مدیریتش انجام دهند و البته او می‌گوید اگر نماز شما را به سمت مدیریتش هدایت می‌کند مانعی ندارد مهم این است که از یک راهرو وارد تونل شوید.

● اعمال این فرقه ترکیبی است از عرفانهای بودایی، زرتشتی، کابالایی و...

- «ن - غ» درآمدهای حاصل از این کلاسها را صرف خرید زمین، واحد مسکونی، سفرهای متنبت و... می‌نماید.
- همسر وی که پدر معنوی شاگردان محسوب می‌شود. (و البته گاهی هم لی تر می‌کند) به عنوان حلقه واسط بین این فرقه با مراتب آسمانی (مهدیس) می‌باشد.



مدعی نمایندگی امام زمان (عج)

آقای خ - م

۴۰ ساله، متولد تبریز، دارای مدرک
لیسانس مدیریت.

● کارمند سابق و غیر رسمی یکی از
دانشگاههای تهران.

● دارای همسر صیغه‌ای به صورت تلفنی به مدت ۳ سال.

● وی در چند کار اقتصادی نیز شکست خورده است.

● وی فعالیت خود را به عنوان نماینده آقا برای درمان فردی بیمار
در یک خانواده مذهبی شروع می‌کند و با عطر افشانی، خبر از غیب،
داشتن موکل و به اصطلاح دائم الذکر بودن، حضور خود را مدتها در این
خانواده تثبیت می‌کند.

● با تثبیت موقعیتش در این خانواده مرجع تقلید آنها را عوض
می‌کند و می‌گوید: امام زمان راضی به این تقلید نیست، سپس احکام
دیگری نیز از خود صادر می‌کند.

● نامبرده مرد خانواده را به داشتن همسر دوم تشویق نموده که
باعث می‌شود همسر اول او را از خانه بیرون نماید و بدین سان میدان
برای فعالیت‌های مضر وی باز می‌شود.

● وی در یک مرحله با معرفی خود به عنوان نماینده بلافصل امام
زمان یکی از زنان متمول شمال شهر را فریب داده و اموال او را که

ارزش فعلی آن بالغ بر یک میلیارد تومان می‌باشد رسماً (بدون اطلاع خانواده آن زن) تصاحب می‌کند.

● کار او بدین جا ختم نشده و وی توسط اقوام خود با پیدا کردن اشیاء عتیقه (مربوط به ۳ هزار سال پیش) و بازاریابی آن، بر تخلقات خود می‌افزاید.

● وی با خانمی در یکی از شهرستان‌ها که با اجنه ارتباط داشته در تماس بوده و در پیشبرد مقاصدش از نظرات او استفاده می‌کرده است.

● صدور فتاوی شرعی و غیر شرعی با دادن دستورالعمل‌های خاص، دادن اذکار و اوراد غیر ماثوره، همکاری با یکی از عطاری‌ها بدون آشنایی با خواص گیاهان.

● اختلاف افکنی بین زن و شوهر، پدر و فرزندان به طوریکه چند خانواده به واسطه اعمال نامبرده به اختلاف شدید گرفتار شده‌اند و بعضاً موجب از هم پاشیدگی خانواده شده است.

● بدبین کردن مرتب‌ترین خود به مراجع عظام، مقام معظم رهبری و مسئولین نظام با این توجیه که امام زمان (عج) نگران این مسائل هستند.

● استفاده از عکس‌ها و مطالب مستهجن سایت‌های غیراخلاقی و... به طور پنهان.

● وی دیگران را با این عنوان که اگر بر خلاف نظراتش عمل کنند موجبات خشم ابوالفضل العباس (ع) را فراهم کرده‌اند می‌ترسانده است و برخی تصور می‌کردند که اگر از «خ - م» شکایت کنند واقعاً دچار عقاب و عتاب خواهند شد.

● وی وانمود می‌کرده است که با ملکوت در ارتباط است و همواره از حال و روز اطرافیان با خبر می‌باشد.

● نامبرده در دو مرحله در آگاهی تهران و دادسرای ارشاد خود را فردی موجه جلوه می‌دهد ولی در مرحله سوم، مجبور به اعتراف شده و ضمن بازپس دادن برخی از اموال، در حال حاضر در بازداشت به سر می‌برد.

● وی در ادامه فعالیت‌هایش در حراست یکی از وزارتخانه‌ها مشغول شده که به واسطه برخی حرکاتش سریعاً از آنجا اخراج شده است.



مدعی مکاشفه

آقای الف - الف

«مؤسسه س - پ»

- او در گذشته با دفتر روانشناسی موفقیت همکار بوده است.
- وی در کلاس‌های خود با پخش صدای آبشار و پرندگان و به اصطلاح دادن روحیه طراوت به حاضرین صحبت می‌کند.
- نامبرده از بین شاگردانش افرادی را شکار می‌کرده که منجر به شکایت خانواده آنها شده است.
- شباهت کلاس‌های این گروه با کلاس‌های رام... در جهت توجه به مسائل روانشناسی و... بسیار مهم می‌باشد و ظاهراً آبشخور مطالب اینها یکی است.
- با توجه به هدف و شاکله و نوع برنامه‌های طراحی شده از طرف این مؤسسه مهمترین فعالیت آنها توسعه و گسترش نوع نگاه روانشناسی جدید است که مربوط به اموری مانند هیپنوتیزم، روابط عمومی به سبک روانشناسی جدید، روانشناسی خط و امضا و موضوعی به نام تعالی شناسی می‌باشد.
- این گروه بستر عرفانی به طور عام و عرفان اسلامی به طور خاص را بستری مناسب برای فعالیت در جامعه اسلامی ایران دانسته است. به این ترتیب با نگاه به موضوعات مطرح در سخنرانی‌ها مشخص

می‌شود که اساساً انتشار سخنرانی‌های نامبرده محل بحث و تأمل است زیرا ظاهراً ربط منطقی بین آنها و مدعیات مؤسسه در پشت پاکت سی دی‌های تبلیغ شده وجود ندارد.

● این کلاس‌ها به حلقه‌هایی تقسیم می‌شدند که به مراتب افراد در آنها بستگی و ۱۳ سطح داشته و بیشتر خانم‌ها به مراحل بالای آن می‌رسیدند.

● تعریف و تشریح و اصلاح رابطه انسان با خداوند اصلی‌ترین موضوع مباحث وی محسوب می‌شود که برای کلاس‌های خود از چارچوب مباحث عرفانی استفاده کرده و به تعبیر دیگر اساساً وی به صورت عرفانی از سویی و ظاهر متشرعانه از سوی دیگر به ارائه مباحث می‌پرداخته است.

● وی می‌گوید خدا زن‌ها را خیلی دوست دارد و آنها مدیوم هستند و قابلیتشان برای الهام‌پذیری بیش از مردان است.

● بسیاری از افراد طبق ادعای او برای تعبیر خوابها و تعبیر مکاشفات و راهنمایی‌های عرفانی به وی مراجعه کرده و به او گزارش احوال می‌دادند.

● نامبرده مسلماً مدعی موضوعاتی است که در سخنرانی خود به آنها نیز اشاره کرده است. مواردی از جمله تخصص در رؤیاشناسی، روانشناسی، علم معنا و شناخت سمبول‌ها - که در رؤیاشناسی و علوم دیگر به کار می‌آید انرژی درمانی، علم الاسماء و علم الاعداد، مورد خطاب بودن از سوی اولیای دین، کشف و مکاشفه و...

● وی دو نوع کلاس داشته است. کلاس عمومی برای افرادی که هنوز همت نکرده‌اند تا در راه معنویت و خداجویی قدم بگذارند و کلاس خاص که از آن به کلاس «حرکت جوهری» و «همسویی» یاد می‌شود. کلاس اخیر مربوط به افرادی است که همت کرده‌اند تا به وادی سلوک بیایند.

● وی در کلاس‌ها در خصوص نماز چنین می‌گفته است: نماز را فارسی بخوانید. اصلاً اگر هم نماز بلد نیستید در مقابل خدا بایستید و صحبت کنید.

● همچنین گفته است یکی با موسیقی می‌تواند به خدا نزدیک شود و عیب هم ندارد. گیتار می‌زند و با آن به خدا نزدیک می‌شود، اگر کسی با داریوش و شهرام صولتی حال می‌کند و به خدا نزدیک می‌شود مانعی نیست، نوار داریوش و شهرام بگذار و با خدا حال کن.

● وی به اتهام تشکیل حلقه عرفانی و سوءاستفاده از دختران بازداشت شد و پرونده وی در محاکم قضایی مورد رسیدگی قرار گرفت.

✓ خبرها

محاكمة استاد به اتهام فریب دختران

شرق: مرد جوانی که با ایجاد کلاس های عرفان، زنان را فریب داده بود با شکایت زنان فریب خورده به زودی محاکمه می شود. [] ۳۲ ساله متهم است که با ایجاد یک دفتر در یکی از محله های تهران اقدام به ثبت نام از افرادی می کرد که می خواستند کلاس های عرفان او را بگذرانند. این مرد جوان مدعی بود با امام زمان ارتباط دارد و در کلاس های خود به بحث های روانشناسی و مسائل به ظاهر مذهبی می پرداخت. او که به استاد معروف شده بود در کلاس هایش قرآن را به نفع خود تفسیر می کرد و از شاگردانش می خواست به جای خواندن نماز از ذکرهای استفاده کنند که او به آنها آموزش می داد. [] علاوه بر ادعای ارتباط با امام زمان چند نفر از دختران کلاسش را به بهانه تکمیل حلقه معتبری زنان فریب داده و به ثبت شوم خود در رابطه با آنها رسیده بود. چندی پیش چهار نفر از دخترانی که در کلاس های عرفانی او شرکت کرده بودند، به اتهام فریب و ارتباط نامشروع از او شکایت کردند. متهم پرونده به زودی در شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می شود.



مدعی ارتباط با ملکوت

آقای ع - ی

متولد ۱۳۴۴، تهران، دانشجوی انصرافی.

● برنامه‌های نامبرده در گذشته در قالب جلساتی که شب‌های جمعه برگزار می‌کرد صورت می‌گرفت. جلسه از قبل از اذان شروع و ابتدا افرادی که مایل بودند می‌توانستند نظرات خود را درباره سخنرانی جلسه قبل مطرح نمایند و این مباحثه تا اذان ادامه یافته و سپس با اقامه نماز به امامت وی قسمت بعدی جلسه تا ساعت ۱۱ شب به طول می‌انجامید.

● وی جلساتی را در دیگر استان‌ها در خصوص مراحل عوالم ملکوت برگزار کرده که برخی افراد منتسب به جریان‌های خاص فکری در آن جلسه حاضر می‌شدند.

● تمام مباحث وی در یک سایت اینترنتی تدوین شده است.

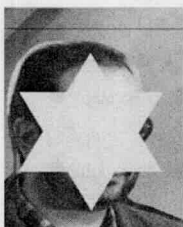
● وی در ابتدای فعالیت‌های خود، در برخی از مجالس مانند فرهنگسراها، سخنرانی می‌کرد ولی بعدها در مسجد و سپس در منزل جلسات را تشکیل می‌داد.

● دخالت وی در برخی برنامه‌های فرهنگی هنری و جذب هنرمندان باعث بروز مشکلاتی در برخی مراکز شد.

● ادعای ارتباط با امام زمان(عج) نیز یکی از ادعاهای اصلی وی می‌باشد و معتقد است می‌تواند زمینه ظهور امام زمان(عج) را فراهم نماید.

- او مدعی رسالتی است که می‌گوید: اگر ۵ تا ۷ نفر از مراجع مجوز بدهند می‌تواند مأموریت خود را علنی کند.
- عنوان می‌دارد که دجال به ایران خواهد آمد و خواهان این است که دجال به دست او کشته شود.
- او مدعی است که دعا‌های وی مستجاب می‌شود (من جمله دعا در مورد آمدن زلزله در ترکیه و مرگ اسحاق رابین).
- در برخی موارد اوقات شرعی را نیز تغییر داده است. (شب قدر، عید فطر و...)
- ادعای ارتباط با عالم ملکوت به همراه حضرت خضر(ع).
- ادعای زمینه سازی برای ظهور امام زمان(عج).
- ادعای ارتباط با ائمه معصومین(ع) مخصوصاً حضرت زهرا(س) در عوالم ملکوت.
- ادعای اینکه در عالم ششم از عوالم ملکوتی قرار دارد و دستش در ملکوت از بعضی انبیاء الهی بازتر است.
- ادعای پیش بینی برخی حوادث و اتفاقات در ایران و جهان مانند زلزله بم و....
- ادعای حضور در صحنه کربلا و همراهی حضرت ابوالفضل(ع) هنگام ورود ایشان به شریعه فرات.
- ادعای اینکه شیعه بیابانی است و تنها شیعه‌ای است که خدا او را پذیرفته و دیگران شیعه شهری هستند که مورد تأیید نمی‌باشند.
- ادعای دستور دادن به حضرت عبدالعظیم(ع) در تقسیم روزی بین مردم شهر ری.
- ادعای اینکه ملائکه آسمان هم تحمل همراهی وی را در عوالم ندارند.
- ادعای اینکه با ولایت او بسیاری از امور تحقق پیدا می‌کند.
- ادعای اینکه ولی فقیه را باید خود امام زمان(عج) به طور مستقیم تعیین نمایند، لذا مجلس خبرگان باید منحل شود.
- ادعای اینکه پدرش قاضی القضاات اجنه بوده است.
- ادعای اینکه دانای بر ظهور است و علم ظهور دست اوست و اینکه وی مسیر ظهور را رفته و برگشته است.

- ادعای اینکه جمعیان جمع محضر است و به جایگاهی بالاتر از ملکوت رسیده است.
- ادعای اینکه پایین‌ترین عالمی که او می‌تواند سیر کند بالاتر از عالم ارواح است.
- ادعای اینکه در عوالم نور من را با نور امام اشتباه می‌کنند.
- ادعای اینکه روح مومنین را در عالم ارواح به آرامش می‌رساند.
- ادعای بی‌ارزشی چشم‌انداز ۲۰ ساله بدون بحث ظهور.
- وی در ترم اول دانشکده پزشکی ترک تحصیل کرده و می‌گوید به علومی رسیده‌ام که پزشکی در مقابل آن هیچ است.
- گفته می‌شود وی بعد از ترک تحصیل مدت‌ها به تهجد در بیابان‌ها مبادرت می‌ورزیده است.
- جلسات شب‌های جمعه وی در یکی از مساجد تهران مستقیماً از شبکه اینترنتی پخش می‌شد.
- وی برخی جلسات با حلقه‌های مختلف را بصورت پنهان اداره می‌کرده است.
- مریدان واقعی وی در برخی از کارها از او کسب اجازه می‌کنند مانند ازدواج و....
- پزشکی قانونی صحت روح و روان وی را گواهی کرده است.



مدعی ارتباط با غیبت

آقای س - ح

متولد: ۱۳۵۴، مهندس مکانیک، دارای
دو همسر عقدی از ایران و ترکیه و چند
همسر موقت

● نامبرده در دوران نوجوانی با یک انجمن انحرافی در ارتباط بوده
است که تفکر خود را از آنها اخذ کرده است.

● وی پس از ورود به دانشگاه در سال ۱۳۷۳ همزمان در برخی
دبیرستان‌ها به تدریس اشتغال داشته و از همان زمان در یکی از مدارس
جمعی تشکیل می‌دهند و بعد از مدتی این جمع به منزل یکی از دانش
آموزان منتقل می‌شود.

● نامبرده با عده‌ای از جوانان دبیرستانی نیز فعالیت خود را بیشتر
می‌کند و به عنوان سخنران و هدایت کننده ملقب به «آقا» می‌شود.
● با همکاری خواهرش «ن» با راهاندازی تشکیلاتی جدید و ایجاد
۲ گروه خانم‌ها و آقایان و با پوشش هیئت‌های مذهبی و تبلیغ معارف
دینی و با عنوان «معارف نورانی اهل بیت» سعی در جذب جوانان
دبیرستانی و دانشگاهی و نفوذ در دستگاهها و سا زمان‌های دولتی و
مراکز نظامی می‌کند و به جمع‌آوری اطلاعات از این مراکز می‌پردازد.
● ایجاد ۸ سایت و ۴ موسسه برای فعالیت‌های گروه.

- تلاش برای ایجاد دانشگاه مجازی مدینه النبی برای تبلیغ معارف تدوین شده در این گروه.
- جذب جوانان و دادن القاب نمادین مانند میثم، حبیب، سلمان، عون، جعفر صادق، ابوالفضل و... با توجه به خصوصیات و شخصیت هر یک از مریدانش و تشویق و ترغیب آنها به انجام فعالیت‌های گروه.
- تشویق مریدان و شاگردانش به ازدواج‌های درون گروهی.
- تشویق اعضا به جذب فرزندان مسئولین کشوری، سفرا و... با همکاری خواهرش توسط شاخه خواهران.
- تعبیر خوابهای مریدان و بیان و تعبیر خوابهای شخص اول گروه در خصوص اینکه نایب امام زمان(عج) است.
- ایجاد تفرقه بین اهل سنت و شیعیان در دانشگاه‌ها.
- ایجاد چارت تشکیلاتی، شرح وظایف و تقسیم وظایف برای اعضای گروه.
- تبلیغ به نفع تشکیلات غیرقانونی خود با عنوان معارف نورانی و جذب پول و امکانات از افراد و مراکز مختلف فرهنگی.
- گسترش فعالیت‌های گروه در خارج از کشور اعم از کشورهای مالزی، پاکستان، عربستان، ترکیه، فرانسه و... با توزیع بروشورهای مختلف در مناسبت‌های مختلف.
- توجه ویژه به هدایت زنان و دختران جوان.
- باور اینکه امام زمان صلوات ... علیه به او توجه ویژه دارد.
- اجازه سؤال ندادن به مریدان در مورد افکار خود و طرد سؤال کنندگان با تمسخر و....
- اتهام و تکفیر به افرادی که از گروه وی جدا می‌شدند و توصیه به قطع ارتباط مریدان به آنها به این بهانه که، جدا شدگان در امتحان ظهور رد شده‌اند.
- وی به لحاظ روحی دچار خود بزرگ بینی، غرور و تکبر در مقابل دیگران بوده و در حال حاضر نیز دچار افسردگی شده است.
- صدور دستور ازدواج به مریدان بدون رضایت خانواده‌های ایشان و بالطبع بر هم زدن آرامش خانواده‌ها به طوری که بین جوان‌ها و

خانواده‌ها درگیری‌های سختی به وجود آمده و منجر به شکایت آن‌ها شده است.

● ادعاهای کذب مبنی بر خواب دیدن، علم لدنی داشتن، از اولیای خداوند بودن و نزد حضرت ولی عصر(عج) جایگاه داشتن، اشتباه نکردن (عصمت)، دستورات خود را دستور الهی دانستن، ارتباط با غیب.

● ادعای اینکه دست رحمت وی بر بعضی از مکان‌ها جاری است.

● ادعای اینکه خود و چند نفر از اعضای گروه جایشان بین ۳۱۳ یار امام زمان(عج) است.

● ادعای اینکه مطالب این گروه معارف نورانی اهل بیت(ع) محسوب می‌شود و هر کس از گروه جدا شود در امتحان ظهور رد شده است.

● ادعای دیدن خوابی با این مضمون که یکی از معصومین(ع) با دست خود علم لدنی را به وی هدیه داده‌اند.

● ادعای اینکه کل وجوهات مسلمین زمانی به دست وی خواهد رسید.

● ادعای تشریع کردن مبحث ولایت فقیه.

● ادعای اینکه در خواب برخی برای انجام امورشان از وی اجازه

می‌گیرند.

● مشارالیه در سال ۸۵ بازداشت شد و در حال حاضر با قرار وثیقه

آزاد می‌باشد.

کیهان - اسفند ۸۴

2009

باز قلاب کشای یک جبر بیان قلمرو اف

[illegible]

مدعی خواب نما در میما

[illegible]

کیهان - بہمن ۸۴

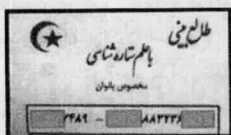
سیاست روز-آبان ۸۵

مدیرخواهی مدعی اد

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a list or index, with some words underlined.

174

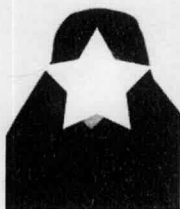


مدعی طالع بینی

خانم «ی»

- نامبرده با پخش بروشورها و کارتهایی با عنوان طالع بینی اقدام به جذب خانمها بخصوص دختران جوان کرده و پولهای هنگفت دریافت می کند.
- وی در حدود ۴۵ سال سن دارد و به همراه منشی جوان و خانمی خدمتکار در منزلی مجلل واقع در شهرک... که محل کار وی نیز می باشد ساکن است.
- منزل فوق دارای آیفون تصویری است و ورود آقایان ممنوع بوده و کنترل می شود.
- در تماس های تلفنی پاسخگوی آقایان نیست.
- اتاق کار وی مجهز به دستگاههای ماساژ و بخور می باشد.
- وی در موارد بسیاری ادعا می کند که طالع افراد را می بیند و با ذکر و روش های بخصوص که به زنان و دختران جوان می دهد آنها را درمان و مشکلاتشان را حل می کند.
- مراجعه کنندگان با گرفتن وقت قبلی پس از حضور مدتی را نیز در سالن باید برای دیدن خانم «ی» منتظر بمانند.
- هفته ای سه روز (شنبه، چهارشنبه و پنج شنبه) برای جذب بیشتر بانوان در منزل وی آرایشگری بنام «ر» مشغول به کار است و تبلیغات وسیعی در این مورد انجام می شود.

- او با اعداد ابجد نیز سر و کار دارد.
- وی با هر راه کاری که می دهد یک پیشگویی در مورد شخصیت مراجعه کننده ارائه می کند.
- وی کرم های ضد لک گیاهی دست ساز خودش را به قیمت گزاف می فروشد.
- وی مبلغ ۵ هزار تومان بابت ویزیت و مبلغ ده هزار تومان بابت چکاپ از مراجعین دریافت می کند که هر چکاپ سه مرحله دارد.
- نامبرده در یک مورد مبلغ یازده میلیون تومان بابت حل مشکل یکی از مراجعین دریافت می کند که فرد مراجعه کننده از ترس عواقب بعدی شکایت نکرده است.
- دستورالعمل خرافی نامبرده به یکی از مراجعه کنندگان که بعد از محاسبه نام و سن و... تجویز کرده است: روز جمعه می نویسی یکی داخل منزل، یکی همراه شوهرت و یکی همراه خود، اسم خودت و مادرت را هم می نویسی... و در خانه پنهان می کنی یا در پشت قاب عکس و یا یک جای خاص و هر روز به آن عطر می زنی، هر روز ۷ مرتبه به نیت رزق و روزی و حاجت می خوانی و شب جمعه رأس ساعت ۱۲ شب ادرار می کنی به دو تا دستت و می ریزی روی سرت و میگویی هر گرفتگی کار، یا هر سحری که دارم باطلش کردم و گشایش فوری حاصل می شود و میروی زیر دوش و غسل... انجام می دهی و می آیی بیرون. بعد یک شمع در اتاق روشن می کنی و ۷ بار ذکر مخصوص را می خوانی و شمع را خاموش نمی کنی و بعد دور و بر خودت فوت می کنی تا ۷ هفته این کار را انجام بده. هر زمانی که احساس کنی سبک شده ای سحر از تو خارج شده است.




مدعی علوم غریبه

خانم م - ل

۴۰ ساله، ساکن تهران.

- وی مدعی است تسلط کامل به انرژی اذکار، اسماء و انرژی کیهانی دارد و ۲۰ سال است که به این علم رسیده است.
- وی می‌گوید: این علم اصولاً برپایه دین و با الهام از آیات کتاب الهی گرفته شده است.
- وی کار خود را متفاوت با انرژی درمانی دانسته و معتقد است افراد دیگر با اینکار از مردم سوء استفاده می‌کنند.
- نامبرده جلساتی را در روزهای جمعه با عنوان زنگ رازهای جمعه به صورت مختلط «زن و مرد» برگزار می‌کند و منظور از تدریس این علوم را به مردم، وظیفه دانسته و می‌گوید: این کار رسالت دینی من است.
- این کلاس‌ها زیر نظر موسسه «ر-پ» اجرا می‌شود.
- افرادی که در جلسه شرکت می‌کنند می‌بایست ۵۰ هزار تومان به شماره حساب..... واریز نموده و بلیط تهیه نمایند.
- او تدریس خصوصی هم دارد که در ۶ جلسه با مدت زمان ۱/۵ ساعت برگزار می‌گردد و قیمت ثبت نام این کلاس‌ها ۱۵۰/۰۰۰ تومان می‌باشد.

- وی ۳ جزوه با عناوین: علم حروف و اعداد، نجوم، بازسازی انرژی در بدن دارد که مبلغ آن ۶۰ هزار تومان می‌باشد.
- وی معتقد است طبق جدول زیر برای هر حرف یک ملائکه الهی گمارده شده است.



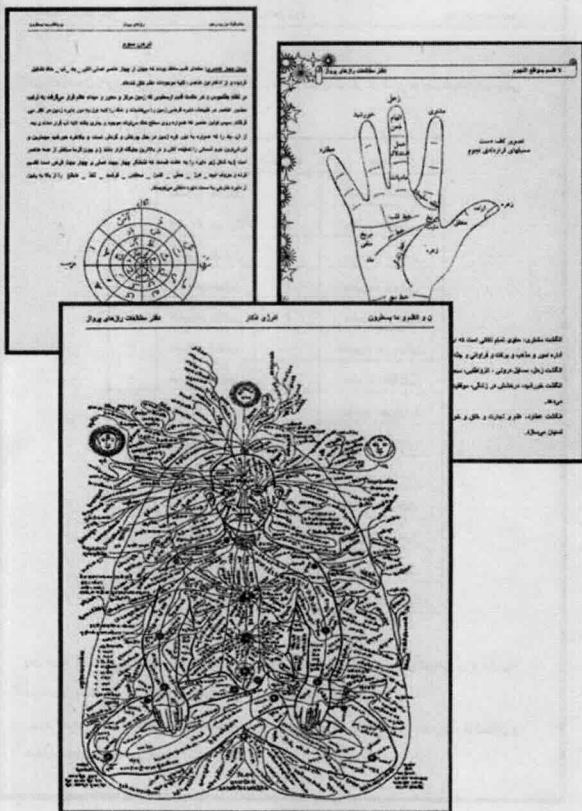
الف	ملائکة ۹۰۰ نفره
ب	۶۰۰ نفره
پ	۳۰۰ نفره
ت	۲۰۰ نفره
ث	۱۰۰ نفره
ج	۵۰ نفره
چ	۳۰ نفره
ح	۲۰ نفره
خ	۱۰ نفره
د	۵ نفره
ذ	۳ نفره
ر	۲ نفره
ز	۱ نفره
س	۱ نفره
ش	۱ نفره
ص	۱ نفره
ض	۱ نفره
ط	۱ نفره
ظ	۱ نفره
ع	۱ نفره
غ	۱ نفره
ف	۱ نفره
ق	۱ نفره
ک	۱ نفره
گ	۱ نفره
ل	۱ نفره
م	۱ نفره
ن	۱ نفره
ی	۱ نفره

شاید تا به حال با واژه **موکل** آشنا نشده باشید. شایسته است که بدانید هر حرف از حروف الفبا دارای موکل است.

حروف	موکل	حروف	موکل
ا	حضرت اسرافیل	ض	حضرت عیسی
ب	حضرت جبرائیل	ط	حضرت اسماعیل
ت	حضرت عزرائیل	ظ	حضرت توراتیل
ث	حضرت موکلبیل	ع	حضرت لوطامیل
ج	حضرت کنکلبیل	غ	حضرت لوطامیل
ح	حضرت تنکلبیل	ف	حضرت سرحماییل
خ	حضرت سهکلبیل	ق	حضرت عطرائیل
د	حضرت برداییل	ک	حضرت خروزامیل
ذ	حضرت اهراییل	ل	حضرت طهطاییل
ر	حضرت اسواییل	م	حضرت روماییل
ز	حضرت سوفاییل	ن	حضرت حواییل
س	حضرت همواییل	و	حضرت رفتماییل
ش	حضرت همراییل	ه	حضرت نوراییل
ص	حضرت امچماییل	ی	حضرت سرکوباییل

پس هر حرفی را ملکی نگهبان است و در نتیجه برای هر شخص یا هر موجود در جهان که نامی بر او مترتب است موکل و نگهبان و فرشتگانی از جانب خالق هستی گمارده شده‌اند.
پسوند همه این اسامی به کلمه اییل ختم گردیده (که همان کلمه الله است) و از منسوبین، گمشدگان و همکاران خداوند به‌شمار می‌آیند.

نمونه جزوات تدوین شده توسط «م - ل»



بخش سوم؛ اخبار

فعالیت شدید فرقه های معنویت قلابی

حجه الاسلام عبدالحسین خسرو پناه، عضو هیات حمایت از کرسی های نظریه پردازی، با اشاره به جریان های فکری و فرهنگی خطرناک در کشور گفت: معمولاً بعد از هر جنگی که رخ می دهد گرایش مردم به سوی معنویت بیشتر می شود، و بعد از جنگ عراق علیه ایران هم حرکت به سوی معنوی گرایی شدت بیشتری یافت که عده ای از این موقعیت سوء استفاده کرده و فرقه های نو پدید معنوی که برخی منشا وحیانی و برخی منشایی غیر وحیانی دارند را در کشور ترویج و تبلیغ کردند. وی افزود: از جمله این فرقه ها می توان به فرقه اوشو اشاره کرد که در تمام ایران تبلیغ می شود و به دلیل عقاید جوان پسندی که دارد بسیاری از جوانان را به سمت خود جذب کرده است.

خسرو پناه اظهار داشت: فرقه دیگر « اکنکار » می باشد که در تهران به شدت در حال فعالیت است و در برخی از دبیرستان های مشهور با توزیع سی دی های تبلیغاتی بر روی دانش آموزان تاثیر گذار بوده است. وی تاکید کرد: شیطان پرستی فرقه خطرناک دیگری است که از سال ۸۰ و ۸۱ فعالیت خود را در کشور توسعه داده و در سال ۸۲ حدود ۱۳۰۰ نفر از جوانان مجذوب آن شدند.

خسرو پناه تاکید کرد: از ویژگی های بارز شیطان پرستان استفاده از رنگ سیاه، انداختن صلیب های وارونه بر گردن و استفاده از آهنگ های راک در برنامه های خود می باشد.

وی افزود: ترویج مدل‌های غربی، استفاده مردم از ماهواره و تغییر فضای سیاسی و اقتصادی کشور بعد از جنگ تحمیلی و ارتحال امام راحل از جمله عوامل گسترش شیطان پرستی در کشور است که متأسفانه بیشتر افرادی که در دام آن افتاده‌اند، دختران فراری خانواده‌های سرمایه‌دار بوده که در برخورداری از محبت پدر و مادر کمبود احساس می‌کنند. مدیرگروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه عنوان کرد: در حال حاضر در کنار شیطان پرستی ۹۰ نفر در گروه موسیقی راک در کشور در حال فعالیت است.

وی در ادامه فعالترین و در عین حال خطرناکترین فرقه کشور را صوفیه و جریان تصوف‌گرایی نامید و اظهار داشت: فرقه‌های صوفیه فعال کشور شامل نعمت الهی مونسیه، نعمت الهی گنابادی، نعمت الهی صفی علی شاهی، اویسیه، مکتب، شمسیه، کمیلیه، اهل حق خوانساریه و ذهبیه می‌باشند که در بین آن خطرناک‌ترین فرقه‌ها، نعمت الهی گنابادی، مکتب ذهبیه است. خسرو پناه افزود: این فرقه‌ها در ده سال اخیر در شهرهای مختلف، تهران و در دانشگاه بسیار فعال بوده‌اند و حتی در دستگاه سیاسی کشور نفوذ کردند و با وجود آنکه اظهار می‌کنند کار آنها سیاسی نیست ولی در اصل به دنبال انجام فعالیت‌های سیاسی هستند. وی در پایان گفت: فرقه‌سازی در کشور از توطئه‌های غرب برای ایجاد تفرقه و از بین بردن اتحاد و انسجام ملی و اسلامی است و با قدرتی که غرب در اختیار دارد در رسانه‌های خود از این فرقه‌ها حمایت کرده و حتی سایت‌های اینترنتی آنها را هم فعال نگه می‌دارد.

اعلام موجودیت «شیطان پرستان» در ایران



یک گروه مجهول الهویه، پیام‌های کوتاهی با عبارت «سلام خدمت ربی‌های (RAPPR) سرشناس سرزمین پارسی» و «به امید پیروزی شما بر دولت ظالم» را ارسال می‌کند و از این طریق قصد دارد، موجودیت حزب خود را به دیگران بشناساند.

در این رابطه به تازگی یک سایت ویژه شیطان پرستان، مطالبی را در زمینه‌های مرتبط منتشر کرده است.

شیوه‌های ملاقات با جن، پری و ارواح!

در جریان برگزاری کلاسی با عنوان «تجسم خلاق» فردی که خود را استاد علوم ماورا الطبیعه می‌نامد، معتقد است با استفاده از اعداد، برخی



از آیات قرآن که کلمات رمز میان پیامبر و خدا بوده است، را رمزگشایی می‌کند. وی ادعا کرد: «... هدف از این کلاس‌ها رسیدن به خداست، اعداد و حروف ما را به خدا

می‌رسانند، در این کلاس، هر چیزی را تبدیل به عدد می‌کنیم و با استفاده از اعداد، ذکر یا... چله‌های مخصوص می‌گیریم...»

این شخص در این کلاس با اشاره به شیوه ارتباط با جن و پری گفت: «... در این کلاس‌ها ذکر خاصی را برای هر فرد با توجه به نام خودش و نام مادرش می‌دهیم و تا ۴۰ روز باید ذکر مخصوص را بگویند... نباید در این مدت از گوشت‌های حیوانی قرمز و حتی سفید استفاده کند، بعد از این مدت اگر ظرفیتش را داشته باشد با دوستان متافیزیکی یه چیزهایی تو مایه جن و ارتباط با ارواح آشنا می‌شود...» وی می‌گوید که دعانویس‌های زیادی را می‌شناسد که با استفاده از این ارتباط، زندگی کاملاً مرفه و مطلوبی دارند.

استخدام فالگیر در آرایشگاه‌های زنان

برخی از آرایشگاه‌های زنانه برای جلب افکار عمومی و کسب سود بیشتر فالگیر استخدام می‌کنند. خبرگزاری برنا در این باره نوشت: در برخی از آرایشگاه‌ها فالگیر دارای اتاق خاصی است که برخی مشتریان برای خوردن و برگرداندن فنجان باید وقت قبلی بگیرند. به نوشته این

خبرگزاری گرایش به خرافه پرستی در میان دختران و زنان جوان جامعه بسیار گسترده شده است و فالگیران از جمله عوامل گسترش این پدیده مذموم هستند. اخیراً نیز یکی از خانم های مدعی که در تبریز آرایشگاه دارد آن محل را تبدیل به محلی برای دعانویسی، فالگیری و... کرده است. وی از افرادی که فال آنها را می گیرد تعهد می گیرد تا به کسی یا جایی خبررسانی نکنند.

موسیقی رپ ابزار سازمان سیا

گروه موسیقی زیرزمینی «یاس» با اولین آلبوم خود به نام «شاخ» در پاییز سال جاری وارد بازار شد.

موسیقی رپ نوعی موسیقی اجتماعی، سیاسی و اعتراضی است که



با ریتمی تند در حرفهای خواننده و کند در موسیقی بک راند (ستور، سه تار و...) به بیان مشکلات و معضلات موجود در جامعه می پردازد. این نوع موسیقی از اوایل دهه ۵۰ قرن بیستم میلادی توسط گروههای ضد نژادپرستی در آمریکا به وجود آمد ولی با گذشت زمان و هدایت سرویس اطلاعاتی «سیا»، با

تغییر در اهداف و آرمانهای آن به سمت نهیلیسم، مدگرایی و انجام اعمال ضد انسانی و خشن سوق پیدا نمود. در کشور ما نیز از اوایل دهه ۷۰ مد «رپ» وارد کشور شد و با گذشت حدود ۱۵ سال موسیقی رپ ایرانی نیز در حال باز کردن جای خود در میان برخی از جوانان است.

برخورد با خرافات در بهبهان

محوطه مقابل امامزاده " شاه فضل " در بهبهان که ادعا شده بود از زمین آن خون جوشیده با لودر تخریب شد.

در پی انتشار خبر جوشش خون از دل زمین در محل درب ورودی امامزاده شاه فضل بهبهان، جمع کثیری از مردم در این محل تجمع کرده بودند.

برخی آمار غیر رسمی از سوی شاهدان عینی در محل، نشان از تجمع بیش از هفت هزار نفر از مردم بهبهان در مقابل امامزاده فضل دارد.

در پی این تجمع ماموران انتظامی و امنیتی اقدام به پراکنده کردن مردم نموده و پس از آن نیز سازمان تبلیغات اسلامی بهبهان پلاکاردهایی با مضمون تکذیب وقوع معجزه را در خیابانهای این شهر نصب کرد.

بدنبال این تجمع با حضور به موقع فرماندار، امام جمعه و مسوولان امنیتی بهبهان و تخریب قسمتی از زمین که مایعی به رنگ خون از آن جوشیده بود به تدریج مردم از محل متفرق شدند و اوضاع در این محل به حالت عادی برگشت. حجت الاسلام "شکرا...سلیمانی" امام جمعه بهبهان نیز در اطلاعیه ای که به طور مشترک از سوی وی و جامعه روحانیت بهبهان صادر شد در این باره اعلام کرد که بروز این پدیده به هیچ عنوان معجزه نبوده و دامن زدن به این قبیل شایعات وهن مذهب است.

طرح سیا برای براندازی تشیع

در آمریکا کتابی به نام «A Plan to Devide and Desolate Theology» چاپ و منتشر شده است که در آن مصاحبه مفصلی از کتاب مایکل برانت معاون ارشد رئیس سابق سیا و عضو مهم بخش شیعه شناسی سازمان سیا آمده است. وی در این مصاحبه از اسرار تکان دهنده ای پرده برداشته است و در جریان اتهام کارکنان سیا به فساد مالی بطور ناخودآگاه اعتراف کرده است در این سازمان مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار برای سازمان دهی مبارزه با تشیع اختصاص یافته بوده است. گفتنی است که دکتر مایکل برانت مدتی طولانی در بخش مذکور فعالیت داشته، ولی چندی پیش به خاطر فساد مالی از کار بر کنار شده است و او نیز از باب انتقام جویی خیلی از اسرار محرمانه را بر ملا کرده است. مصاحبه ی وی به طور خلاصه چنین است:

انقلاب ۱۹۷۹ ایران ضربه‌های اساسی به سیاست ما در حاکمیت در کشورهای اسلامی وارد ساخت. پس از ناکامی ما در چند سال اول انقلاب برای کنترل آن و رشد روزافزون بیداری اسلامی و گسترش دامنه نفرت علیه غرب و ظهور اثرات جوش و خروش انقلابی در شیعیان کشورهای مختلف بالاخص لبنان، عراق، کویت، بحرین و پاکستان، مقامات بلند پایه سیا دور هم جمع شدند. در این جلسات نماینده سرویس مخفی مشهور انگلیس Mi6 نیز شرکت می‌نمود، زیرا انگلیس تجربه وسیعی در مطالعه روی کشورها دارد.

در این گردهمایی‌ها نتیجه‌گیری شد که انقلاب ایران فقط نتیجه طبیعی سیاست‌های شاه نبوده است، بلکه در باطن عوامل و حقایق دیگری نیز وجود دارد که محکم‌ترین آن عوامل، یکی رهبری سیاسی توسط مرجعیت دینی شیعی و دیگری شهادت حسین نوه پیامبر اسلام(ص) در ۱۴۰۰ سال پیش است. حادثه‌ای که قرن‌هاست شیعه به یاد آن با غم و اندوه بی‌نهایت عزاداری می‌کند. این دو محور است که شیعه را از سایر مسلمانان فعال‌تر و متحرک‌تر می‌سازد. در همین گردهمایی تصویب شد که برای مطالعه اسلام شیعی و برای برنامه‌ریزی و کار روی این پروژه یک شعبه جداگانه و مستقل تأسیس شود و نخستین بودجه چهار میلیون دلاری برای آن اختصاص یابد.

سپس دکتر مایکل برانت مراحل پروژه را چنین بیان می‌کند:

۱. جمع‌آوری اطلاعات

۲. اهداف کوتاه مدت با تبلیغات علیه شیعه و راهاندازی آشوب‌های بزرگتر شیعه و سنی، بدین معنی که باید آنها را با اکثریت سنی درگیر کرد تا توجه‌شان از آمریکا منحرف گردد.

۳. اهداف درازمدت، پایان کار تشیع با عمل بر اساس اهداف درازمدت.

طبق نقشه در فاز اول محققینی به تمام جهان شیعه اعزام شدند، به عنوان مثال دکتر ساموئل در پاکستان روی عزاداری‌های کراچی تحقیق می‌کرد و مدرک دکترای خود را در همین زمینه اخذ کرد. یک خانم ژاپنی به نام نکومه هم در کوئته بلوچستان، بر قوم هزاره و شیعه آن دیار تحقیق می‌کرد و رساله دکترای خود را در همین زمینه ارائه نمود.

دکتر برانت می گوید: بعد از تحقیقات میدانی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد شیعیان همه کشورها، نتایج زیر بدست آمده:

۱. مرجعیت

مراجع شیعه سرچشمه قدرت این مذهب هستند. اینان همیشه با تأکید بر اصول شیعه به شدت از آن محافظت و صیانت می‌کنند. اینان در تاریخ طولانی تشیع، هیچ وقت با حاکم غیر اسلامی بیعت نکردند و با وی دست دوستی ندادند. به علت فتوای یک مرجع وقت یعنی آیت‌الله شیرازی، انگلیس نتوانست داخل ایران شود. بزرگترین مرکز علمی شیعه در عراق بود و چون صدام علی‌رغم به کارگیری تمام توان خود و سعی و کوشش فراوان نتوانست آن را بخرد، مجبور به بستن آن شد.

این در حالی است که مراکز دیگر علمی در جهان همیشه با حکام وقت همراهی کرده‌اند جایی مثل قم در مرکز ایران، تخت ظلم شاهنشاهی را برجید و اکنون نیز پنجه در پنجه آمریکای ابرقدرت، زورآزمایی می‌کند. در لبنان نهضت آیت‌الله امام موسی صدر، ارتش‌های انگلیس، فرانسه و اسرائیل را مجبور به فرار کرد. امروز نیز حزب‌الله لبنان بزرگترین مزاحم اسرائیل در طول تاریخ تأسیس آن دولت به شمار می‌رود. ما از همه این مطالعات به این نتیجه می‌رسیدیم که رو در رویی مستقیم با شیعه زیانبار و امکان پیروزی در آن بسیار کم است. بنابراین باید به کارهای پشت پرده‌ای روی آورد و به جای اصل قدیمی انگلیسی‌ها «تفرقه بینداز و حکومت کن» اصل دیگری تحت عنوان «تفرقه بینداز و نابود کن» را پیش گرفت. بنابراین باید افرادی که با شیعه اختلاف اعتقادی دارند را بطور منظم و مستحکم علیه شیعه سازمان‌دهی کرد. باید شایعه کافر بودن شیعیان را پراکند. باید افراد کم سواد و بی‌سواد را جمع کرد و آنها را تقویت نمود تا وقتی تعداد آنها (که ستون پنجم ما هستند) به مقدار مناسب رسید، علیه شیعه جهاد مسلحانه آغاز شود، باید چهره تشیع، منسوخ شود تا نزد عوام غیر مقبول باشند و در میان عامه مورد نفرت قرار گیرد.

۲. عاشورا و عزاداری

در میان شیعه مراسم عزاداری مرسوم است. آنها به یاد واقعه کربلا جمع می‌شوند و یک نفر سخنرانی و واقعه کربلا را بیان می‌کند و مستمعین هم گوش می‌کنند. بعد از آن طبقه جوان، سینه‌زنی و عزاداری می‌کنند. این سخنران و این مستمعین برای ما از اهمیت زیادی برخوردار هستند؛ زیرا از همین عزاداری و مجالس است که در میان شیعه جوش و خروش، آزادی‌خواهی و جنگ با باطل به خاطر حق، به وجود می‌آید. ما به خاطر همین، ده‌ها میلیون دلار از بودجه ویژه را برای در دست گرفتن سخنرانان و مستمعین اختصاص داده‌ایم و این کار چنین تحقق می‌پذیرد و ابتدا دنبال افرادی از شیعه که پول‌پرست و دارای عقاید سست و در عین حال دارای شهرت و قدرت تأثیر و نفوذ باشند، می‌رویم تا به واسطه آنها در عزاداری‌ها نفوذ پیدا کنیم.

۳. برنامه‌های دقیق و مخرب

ما از این افراد اهداف زیر را پیگیری می‌کنیم:

- به وجود آوردن و یا سرپرستی مداحانی که معرفت عقاید شیعه را ندارند.
- شناسایی و کمک مالی به افرادی از شیعه که بتوانند توسط نوشته‌های خود، عقاید و مراکز علمی شیعه را هدف قرار دهند؛ بنیانهای تشیع را منهدم کرده و آن را اختراع مراجع شیعه وانمود کنند.
- اضافه و حفظ نمودن رسوماتی در عزاداری که با عقاید شیعه منافات داشته باشد.

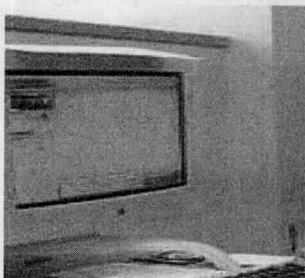
عزاداری‌ها به گونه‌ای معرفی و مطرح شود که عموم جامعه احساس کنند شیعیان گروهی جاهل و توهم‌پرست هستند که در محرم برای انسانهای عادی مزاحمت به وجود می‌آورند. برای تشریح این جور برنامه‌ها لازم است پول هنگفتی خرج شود و مداحان خوب تشویق شوند. و این گونه، تشیع که یک مذهب دارای قوت منطقی است تبدیل به مذهبی درویشی محض می‌شود و از درون، پوک و خالی می‌گردد و در ذهن عوام‌الناس نفرت و در خود شیعه افتراق و پراکندگی گسترش

می‌یابد. آنگاه و در نهایت باید توسط نیروهای جهادی بر آنها تیر خلاص زد و نابودشان کرد.

- تحقیق و جمع‌آوری مطالب فراوانی علیه مرجعیت و نشر و اشاعه آنها توسط نویسنده‌های پول‌پرست و بی‌نام. در این باره باید پول خوبی خرج شود و در میان مداحان و عوام شیعه مواد زیر زمینی پخش و منتشر گردد تا شیعیان دچار آشفتگی و چند دستگی شوند. با این برنامه‌ها پیش‌بینی می‌شود که در مرحله نهایی، صدای اعتراض خود شیعه‌ها علیه مرجعیت بلند شود تا آنجا که در سال ۲۰۱۰ میلادی دیگر مرجعیت یا به عبارت دیگر مرکزیت اقتدار شیعه که تاکنون سد اصلی جلوی دولتمردان ما بوده است به وسیله خود شیعیان پایان یابد.

تولید و توزیع یک بازی رایانه‌ای برای تخریب شیعیان

اخیرا یک بازی رایانه‌ای با موضوعی قابل تامل علیه شیعیان ساخته



شده و به بازار بازی‌های رایانه‌ای در سراسر جهان عرضه شده است.

— از این بازی در ترجمه فارسی با عنوانهایی چون: «عقیده فداییان»، «آیین قاتل» یا «آیین قاتلین» یاد شده است.

— داستان بازی در قرن دوازدهم میلادی و به هنگام وقوع جنگ‌های صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان روایت می‌شود. داستان در بیت المقدس (اورشلیم)، دمشق و عکا اتفاق می‌افتد. شخصیت اصلی بازی «الطیر» نام دارد و یکی از شخصیت‌های مبارز موثر در این جنگ است که از اعضای گروه اساسیون (Assassins) - قاتلین - به شمار می‌رود. «الطیر» فردی مسلمان و روحانی است که خود را «شمشیر انتقام خداوند» یا «پیام رسان خداوند» می‌داند و کسانی را می‌کشد که فکر می‌کند «لایق مردن» هستند و حتی در طول بازی جملاتی را بیان می‌کند که برگرفته از کتاب مقدس است.

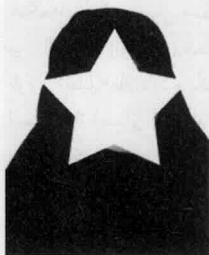
- شخصیت‌های داستان این بازی، با پوشش و رفتارهای خاص خود، به نوعی نمادهای بنیادگرایی و افراطی‌گری اسلامی هستند که سالهاست توسط رسانه‌های غربی، به عنوان مسلمانان و شیعیان، به این شکل طراحی و تبلیغ می‌شوند. حتی شخصیت اصلی داستان به نوعی نقش یک منجی را ایفا می‌کند که از راه می‌رسد و می‌جنگد تا مسلمانان را نجات دهد.

سلفی‌ها در اصفهان هم به میدان آمده‌اند!

برخی گروه‌های سلفی مسلک اخیرا در شهر اصفهان به روش‌های تبلیغی مدرن برای ترویج دیدگاه‌های خود روی آورده‌اند. یکی از فعالیت‌های تبلیغی که در هفته‌های اخیر در میادین اصلی شهر اصفهان مشاهده شده، حضور برخی جوانان شیک پوشی است که قرآن‌های کوچکی را به همراه شماره تماس‌هایی که بیشتر آنها کلاس‌های آموزش قرآن در محلات بالای شهر است به دختران هدیه می‌کنند. این قرآن‌های کوچک که محل چاپ آنها خارج از ایران است تنها به دخترانی که پوشش مناسب ندارند هدیه می‌شوند.

گفتنی است گروه‌ها و فرقه‌های سلفی اخیرا در اصفهان نیز فعال شده و با برگزاری کلاس‌های آموزش قرآن، تفاسیر ضد شیعی از قرآن به جوانان ارائه می‌کنند.

ارتباط با امام زمان(عج)



خانمی معروف به م.ن با تبلیغات بخصوص در میان خانم‌ها و در مراسم مذهبی، ضمن موجه جلوه دادن خود، جمع زیادی را فریب داد.

او پس از حضور در جلساتی که ترتیب می‌داد، راننده خود را حضرت امام زمان(عج) معرفی می‌کرد و خطاب به مریدان ساده دل خود می‌گفت دارای

آنچنان ارج و قربی است که حضرت ولی عصر، رانندگی او را به عهده گرفته است. او زنان را ترغیب می کرد تا زیورآلات خود را به راننده وی هدیه کنند.

او اتاقی را با استفاده از پارچه سبز پوشانده و یکباره غش می کرد و پس از آماده کردن شرایط، کیسه ای در دست گرفته و از مریدان خود می خواست در این کیسه که متعلق به امام زمان است، پول بریزند و هر کس که پول یا طلای بیشتری در این کیسه می انداخت یا به راننده م.ن می داد، از نظر وی بیش از دیگران دوستدار حضرت مهد(عج) بود.

پیش بینی زمان مرگ

خانم الف نیز یکی از مدعیانی است که پس از ارتباط با خانمها آنها را با لطایف الحیل فریب می داد. از جمله ادعاهای این خانم که خود نیز معلم است، این بود که به درجه ای از معنویت دست پیدا کرده است که می تواند زمان مرگ آدمها را پیش بینی کند. پس از طرح این ادعا، تعدادی از مریدان تحت تأثیر ادعای دروغین این فرد که زمان مرگشان را شنیده بودند، دچار مشکلات بسیار جدی روحی و روانی شدند.

خانم الف وقتی در جلسات دیر حاضر می شد خطاب به مریدان خود عنوان می کرد: قصد حضور در جلسه را داشتم که یکباره از اجنه پیام رسید که باید نزد آنها بروم و در این مدت در خصوص موارد و موضوعات مهمی با آنها گفتگو کردم. این فرد یکبار دیگر ادعا کرد بسیار آشفته و روان پریش است و دلیل آن نیز مربوط به ۲ امامزاده در یکی از روستاهاست که مدام از وی می خواهند آنها را از محل دفن خود خارج و در محل دیگری دفن کنند.

تغییر در آداب نماز

یکی از مدعیان دروغین در میان خانمها که به صورت تشکیلاتی عمل می کرد، خانمی به هویت ش - ح است که با تشکیل باندی مخوف، به اغفال و فریب مریدان خود اقدام می کرد.

این خانم که خود را نماینده امام زمان (عج) می‌نامید، پس از مدت کوتاهی مریدان فراوانی برای خود جذب کرد. او خطاب به مریدان خود می‌گفت: هنگام نماز به جای الله اکبر باید کلمه عشق را بگویید. پس از مدتی، وقتی مریدی قصد جدا شدن از تشکیلات را داشت وی در جمع مریدان دیگر از وی بدگویی می‌کرد و برایش مجلس ختم می‌گرفت و عنوان می‌کرد از نگاه ما، این فرد موجودی است که به رغم نفس کشیدن، مرده است.



حمایت خارجی

خانمی ۵۰ ساله که عمده مریدان وی در شمال تهران زندگی می‌کنند از مدعیانی است که چند سرمایه‌دار با حمایت از وی، کمک‌های شایانی به جلسات وی می‌کنند. او ۳۱۳ نفر از مریدان را به عدد یاران حضرت مهدی (عج) انتخاب کرده بود.

این خانم که در کشورهای هند، امارات، عربستان و... تبلیغ داشته مبنای همکاری دیگران را عدد ۳۱۳ قرار داده است. پس از دریافت زیورآلات خانم‌ها، تبرک این اشیاء، قیمت آنها را چند برابر اعلام می‌کند و به فروش می‌رساند. مشاهده شده این خانم لقمه جویده خود را در دهن دیگران می‌گذارد و بعضی از مریدان وی همواره دست و پای او را می‌بوسند و حتی مشاهده شده که یکی از مریدان در جلسه‌ای او را طواف کرده است. بعضی از دختران جوان در آغوش وی غش می‌کنند تا از وی انرژی بگیرند. وی مدتی پیش تاریخ ظهور امام زمان را تعیین کرد که بعد از گذشتن این تاریخ به مریدان خود گفت: گناهان شما مانع ظهور می‌شود.

ادعای پیامبری!

ع.الف.ص معروف به صالح علی‌شاه متولد ۱۳۴۱، فردی است که به یکباره ادعای پیامبری نمود و عنوان کرد او آخرین پیامبری است که از

جانب خداوند برای هدایت مردم در این عصر به زمین فرستاده شده است. وی بر خلاف شیوه پیامبران الهی که از طریق جبرئیل، وحی الهی را دریافت می‌کردند، مدعی بود که خداوند رودرو با او صحبت می‌کند و او وحی الهی را بدون واسطه دریافت می‌کند.

به دنبال این ادعای دروغین وی اقدام به جمع‌آوری افراد ساده دل تحت عنوان مرید کرده و در جلسه‌ای که با مریدان داشته است، عنوان می‌کند که کرامت ۱۲۴ هزار پیامبر الهی از حضرت آدم تا حضرت خاتم به وی واگذار شده است.

وی ادعا می‌کرد ۱۴ سال عرفان امام صادق را بخوبی فراگرفته است و به جای طی الارض، وی قادر است طی السماء کند. با دستگیری این متهم معلوم شد وی در سال ۱۳۷۸ به اتهام اخاذی و معرفی خود به عنوان مأمور قلابی، دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شده است.

پیامبری با حروف ابجد

س - الف مرد ۶۰ ساله‌ای است که عنوان می‌کند وجود او در کره زمین یک نعمت است و او سال دیگر خواهد مرد.

وی با استفاده از حروف ابجد عنوان می‌کند نام وی در قرآن ثبت شده است. او با چاپ جزواتی در خصوص اثبات خود با حروف ابجد، آخرین ادعای خود را بیان کرد. وی عنوان کرد سوره بقره در شأن او نازل شده است!

او مدعی پیامبری است و ادعا می‌کند سال آینده پس از مرگ او، دیگر هیچ پیامبری نخواهد آمد. وی برای دیدن خلیفه رشاد تا آمریکا هم رفته است ولی زمانی به آنجا می‌رسد که وی به علت اهانت به قرآن کشته شده بود.

گیتار و خداشناسی

م.الف.الف فردی است که با تشکیل کلاس‌های مختلف و از جمله کلاس‌های موسیقی و غیره، مبادرت به جذب مخاطب و مرید برای خود می‌کرده است.

وی خطاب به مریدان عنوان می‌کند که نماز را فارسی بخوانید و اگر هم فارسی بلد نیستید و نمی‌توانید نماز فارسی را بخوانید، مقابل خدا ایستاده و با او صحبت کنید. وی عنوان می‌کند هر کس به نوعی با خدا ارتباط برقرار می‌کند و دریچه این ارتباط تنها نماز نیست. هر کس به نوعی به خدا می‌رسد، یکی با موسیقی و گیتار و یکی هم با داریوش یا شهرام صولتی (خوانندگان طاغوتی) حال می‌کند و به خدا می‌رسد!

به دنبال گزارش‌های مربوط به موارد مطرح شده در کلاس‌های این فرد و بررسی و تحقیق، معلوم شد وی در سال ۸۵ به اتهام ارتباط نامشروع با تعدادی از دختران که در کلاس‌های درس او شرکت می‌کردند و در پی شکایت آنها دستگیر شده است. این فرد در کلاس‌هایش قرآن را به نفع خود تفسیر می‌کرد و با این روش، دختران و پسران جوان را فریب می‌داد.

سوسک و رقص سماع

خانم ش.م. توانست با ظاهر سازی و نفوذ در جلسات مربوط به خانم‌ها خود را معرفی کند و پس از جلب و جذب تعدادی از مریدان، اهداف خود را پی بگیرد. وی زیر زمین محل سکونت خود را تبدیل به حسینیه کرد و بلافاصله عنوان نمود با امام زمان ارتباط دارد و در چندین مرتبه حضرت در خانه او حضور پیدا کرده است. هنگام نماز و قرائت ایاک نعبدوا به یکباره شروع به چرخیدن (رقص سماع) می‌کرد و ادعا می‌نمود از عالم غیب او را می‌چرخاند و او هیچ اراده و اختیاری در رقص سماع هنگام نماز ندارد و از مریدان خود نیز درخواست می‌کرد، بچرخند.

پمادی برای رفع گناه

خداوند استادانی از ماوراء را برای من قرار داده تا با من حرف بزنند. من استاد زمینی نداشتم و هیچ کس روی کره زمین نمی‌تواند ادعا کند که استاد من بوده است.

این جملات ادعای فردی به نام «م.ح» است. وی با در اختیار قرار دادن پمادی به مریدان خود می‌گوید: این پماد رفع کننده فقر مالی، فقر معنوی، فقر عاطفی، اخذ وام، بخت گشایی و دیگر معضلات روحی و مشکلات خانوادگی، شفا دهنده بیماری‌های روحی و پیشگیری از آنها،

سرطان، سक्ته‌های قلبی، کلیه، چشم، آرتروز، ام اس، زخم معده، درد استخوان، آسم، مشکل ریوی، میگرن، سینوزیت و... است.

اشتباه نکنید این کلمات، متن آگهی یک کینیک پیشرفته یا نشانی شیخ رئیس صاحب اکسیر جاودانی و جوانی نیست، بلکه تبلیغات دکان «بنده مومنه به خدای جهانیان» است. «ف - روحانی» در اطلاعیهای که در تیراژ قابل تاملی چاپ شده است - چاپ نه کپی - ضمن اشاره به این که «چه آرزویی دارید؟ همه چیز با خداوند ممکن می‌شود»، به ذکر برخی از تازه‌ترین کشفیات خود پرداخته و پس از ذکر جملات فوق آورده است: اگر گمشده دارید، اعم از انسان یا اشیا «وضو بگیرید و رو به قبله بنشینید و...».

این مدعی تفسیر، تحلیل، تقلیل، ترفیع، ترغیب و... در حوزه‌های دین، خدا، پیامبر، نون، کاسبی و...، روش اعجاب‌انگیز خود را این گونه تکمیل می‌کند:

برای هر حاجتی که دارید قرآن را به زبان فارسی تلاوت کنید، روزی یک جزء به زبانتان جاری شود، از اول قرآن شروع کنید و یک ماهه قرآن را ختم کنید. برای رفع بیماری شخصی بخوانید و هر نوع نیاز شخصی را برآورده کنید.

من رب شما هستم

گفته می‌شود، بتازگی فردی در یکی از جلسات هفتگی خود، خطاب به مریدانش گفت: «...شما احمق هستید، شما نمی‌فهمید... من فقط می‌فهمم... همه باید «رب» خودمون را بشناسیم. چوپان، «رب» گوسفندان است و راه را نشان می‌دهد، من هم چوپان شما هستم...».

«ی.ق» که خود را رهبر فرقه «کمیلیه» می‌نامد، در جلسات خود در یکی از شهرهای استان تهران مریدانش را با الفاظ. زنده‌ای خطاب می‌کند.

وی با بیان این که «من در دل شما علم اخلاق و عرفان می‌ریزم، پس من رب شما هستم»، مدعی شد: «شما باید رب خودتون را بشناسید. من حاضرم توی میدان... جلوی چشم همه در آتش بروم و از آن طرف

بیرون بیایم یا در وسط آتش بنشینم. هر که می‌تواند کنار آتش بنشیند...
از هیچ چیز نترسید...».

این شخص در ادامه این ادعاهای خود افزوده است: «... به من در عالم معنا گفتند، هر چه می‌خواهی بدانی سوره واقعه را بخوان، شما هم بخوانید و نروید مهمانی، فیلم بد نبینید، مثل خروس، سگ، میمون و... من نمی‌گویم مهمانی نروید، بیایید در این مجلس، بروید دنبال عرفا». مهمترین ادعاهای ارائه شده را می‌توان این گونه فهرست کرد:

ادعای ارتباط با ملکوت و غیب
ادعای پیامبری و ساخت کعبه
ادعای ارتباط با امام زمان (عج)
ادعای ارتباط با ائمه علیهم السلام
ادعای مهدویت
ادعای داشتن عرفان و تجسس در اوراد و اذکار
ادعای وارد بودن به دستورات شرعی و فقهی
ادعای شفای بیماران
پیشگویی و تعبیر خواب
ادعای آگاه بودن از زمان مرگ انسان‌ها
داشتن جن، همزاد و موکل
اشراف به علم لدنی و علوم غریبه
انرژی درمانی
شفای بیماران با استفاده از شعور کیهانی
ادعاهای اطلاع از گنج‌های پنهان زمین
....

مدعی رازآلود ارتباط با امام زمان

اندک زمانی پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام در این کشور، تعدادی از اتباع عراقی که برای فرار از جنگ وارد ایران شده بودند، در حالی که لباسهای بلند مشکی و شال سبز به تن داشتند، پس از حضور در نماز برخی شهرها از جمله تهران و قم به یک باره شعارهایی در حمایت از سید حسنی سر دادند.

به دلیل تبلیغات پنهان و آشکار مشخص شد که سید حسنی، فردی است که ادعا می‌کند نماینده حضرت مهدی(عج) است و بنا بر ادعای خود، وظیفه‌اش در این مقطع زمانی، آماده سازی بستر مناسب جهت یاران حضرت مهدی(عج)، برای ظهور آن حضرت است.

در یکی از سی دی‌ها وی در حالی که لباس سبز رنگی به سبک سیدهای عراقی به تن دارد و چهره خود را با نقاب سفیدی پوشانده است، در زیر یک تصویر منتسب به یکی از امامان(ع) عنوان می‌کند: من وظیفه خطیری به عهده دارم و ای ملت ایران! این آخرین حجت من بر شماست؛ زیرا ایران کربلای ثانی است و این پیک حضرت مهدی در اوج حقارت و اتمام حجت به دوستان و یاران و سربازان گمنام هشدار می‌دهم تنها برای شما حفظ میراث عشق‌های خفته ایران زمین.



وی ادامه می‌دهد: من شما را به حقیقت دعوت می‌کنم تا از سیطره قلبتان به صراط مستقیم هدایت شوید. پس بدانید بدون اجازه او برگي از درخت فرو نمی‌افتد. پس خود و شما را به توبه دعوت می‌کنم و....

فرد مدعی در ادامه به آیاتی از کلام الهی اشاره و برخی از واژه‌های قرآنی را به غلط تلفظ می‌کند و با اشاره به کلامی از حضرت مولا علی(ع) می‌گوید: بر لغزش جوانان خرده بگیرید و.... یکی از افراد که در باره ادعاهای این فرد تحقیق و بررسی‌های جامعی صورت داده است، می‌گوید: این فرد با استفاده از نوع پوشش و حتی عمامه سبز رنگی که به سر دارد، قصد کسب قداست برای خود را دارد. ردای سبز و عمامه وی عمدتاً مربوط به کشور عراق است. وی عنوان می‌کند، پوشاندن چهره به پارچه سفید و جذب مریدان در شهرهای مختلف و ارائه رهنمودهای خاص در باره عبادت و غیره، از جمله فعالیت‌های این فرد مدعی است که پیش از این ادعا می‌کرد با امام زمان(عج) در ارتباط است، اما پس از سی دی‌های منتشره، وی با معرفی خود به عنوان پیک حضرت، به نوعی

می‌خواهد با مردم اتمام حجت کند. وی اضافه می‌کند: بیشترین سی دی‌های تهیه شده از این فرد، در ایران، شرق تهران توزیع شده است. به گفته مقامات عراقی، وی قبلاً دانشجوی دانشگاه بصره بود که از سال ۱۹۹۶ به بعد وضعیت نامشخصی داشت و در سال ۲۰۰۳ با ادعای یمانی بودن، ظاهر شد. استاندار ناصریه عراق در باره وی اعلام کرد که احتمالاً رژیم صهیونیستی در هدایت این گروه نقش دارد.

فرقه نورعلی الهی و عزاداری برای امام حسین (ع)

م- ج عضو فعال و رده بالای فرقه نورعلی الهی در زنجان اخیراً در پاسخ اعتراض به اینکه «چرا وقتی عالم و آدم برای امام حسین (ع) عزادارند، ما عزاداری نکنیم؟»، گفت: وقتی که امام حسین (دکتر بهرام الهی) در حال حاضر زنده و سالم و در فرانسه حضور دارد، ما برای چه گریه کنیم؟

وی ادامه داد: او با آن کارش در کربلا به کمال رسید و هیچ مظلومیتی در کار نبود و کاملاً آگاهانه و به خاطر کمال آن مصایب را پذیرفت و الان هم به عنوان مأموریت در قالب و جسم دکتر بهرام الهی آمده تا ما را راهنمایی کند و بدون پدر نباشیم.

در فرقه مذکور این اعتقاد که روح امام حسین (ع) پس از قرن‌ها در جسم بهرام الهی حلول کرده، به افراد تلقین می‌شود و علاوه بر آن از بهرام الهی نیز همانند پدرش به عنوان ذات خدا، وجه الله و خدای زمان در روی زمین یاد شده و نامبرده نیز به عنوان مظهر کنونی خدا در روی زمین مورد پرستش قرار می‌گیرد و به کسی که بهرام الهی را در فرانسه یا قبر نورعلی و شیخ جانی را زیارت کند، حاجی اطلاق میشود و عناصر فرقه معتقدند که تنها با شناختن خدای زمان و رعایت اصول اخلاقی (نظیر عدم مردم آزاری، غیبت نکردن و دروغ نگفتن) می‌توان به کمال رسید و در این راه خواندن نماز نیز فاقد ارزش بوده و جز خم و راست شدن چیز دیگری نیست اما در ظاهر از کسی که بخواهد نماز بخواند ممانعتی به عمل نمی‌آید.

تا سال ۲۰۱۰ دوران مرجعیت و تشیع پایان می‌یابد

سازمان سیا انتشار گسترده کتابی به قلم مانیکل برانت عضو سابق بخش شیعه شناسی این سازمان را که به چگونگی راهکارهای براندازی تشیع می‌پردازد، در دستور کار خود قرار داده است.

در این کتاب مراحل اجرایی پروژه مقابله با تشیع در سه مرحله، جمع‌آوری اطلاعات، اهداف کوتاه مدت شامل تبلیغ علیه شیعه و راه‌اندازی آرشیه‌های بزرگ شیعه و سنی و اهداف بلند مدت طراحی شده است.

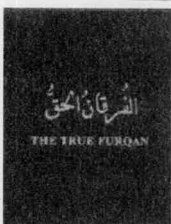


نویسنده کتاب با ارائه مصادیق و مستندات فراوان تاکید دارد که مراجع شیعه به عنوان سرچشمه اصلی قدرت این مذهب هستند و باید در پشت پرده به برخورد با

آنان پرداخت. وی در کتاب خود از جمله راهکارهای جدایی مراجع از شیعیان را تحریک مخالفان شیعی، گسترش شایعه کافر بودن شیعه، تحریک افراد کم‌سواد علیه فرهنگ شیعی و گشودن یک جبهه تمام‌عیار علیه مراجع دینی تشیع عنوان کرده است.

مانیکل برانت در کتاب خود با طرح این ادعا که در صورت به کار گرفتن راهکارهای مورد اشاره تا سال ۲۰۱۰ دوران مرجعیت و تشیع پایان می‌یابد به راهکارهای انحراف در مراسم عزاداری امام حسین (ع) اشاره کرده و از ترویج خرافات در عزاداری‌ها، نفوذ مداحان دارای عقاید سست و کم‌سواد در هیئت‌های مذهبی و کمک مالی به گروهی از شیعیان که با عقاید خود بنیان‌های فکری تشیع را منهدم کنند و القای تشیع به عنوان یک گروه توهّم پرست و جاهل به عنوان راهکار نام برده است.

«الفرقان الحق» کوشش نافرجام در تحریف قرآن



مخالفت با قرآن کریم و تعالیم الهی آن از سوی اسرائیلی‌ها و مسیحیان و معاندان قسم‌خورده اسلام، مسأله جدیدی نیست و تاریخ بارها شاهد لجبازی و جهالت آنان بوده است. این بار نیز با حیل‌های جدید تلاش نمودند تا قرآنی بسازد که گرچه از سبک و اسلوب آیه‌ها

و سوره‌های کلام الهی الگو برداشته، اما محتوای آن کاملاً متضاد با قرآن کریم باشد و هر آن چه خود می‌خواهند، در آن بیاورند. خبر انتشار چنین نسخه‌ای از قرآن در بین مسلمانان، باعث شد تا ده‌ها عنوان عبارت در تیتیر بسیاری از خبرگزاری‌ها و مقالات اسلامی و غیر اسلامی نمایان شود و مسلمانان را به واکنش شدید علیه مؤلفان و ناشران آن برانگیزد. برخی از این عناوین عبارت است از:

«انتشار قرآن قرن ۲۱ توسط آمریکایی‌ها»، «فرقان الحق، حک قرن ۲۱»، «قرآن آمریکایی: حیل‌های خطرناک»، «القرآن الجديد»، «القرآن المزور»، «آیات شیطانیه جدید»، «الكتاب المقدس للقرن الحادی و العشرين»، «كتاب السلام»، «مصحف الأديان الثلاثة!!»، «آیات شیطانیه فی المصحف المزعون»، «مجموعه انجیلیه مسیحیه تؤولف کتابا يتحدی القرآن»، «تحت غطاء محاربه الارهاب فی العالم: حمله اسرائیلیه لتشويه القرآن و الاسلام». آن چه در ذیل می‌آید گفتاری است کوتاه درباره این کتاب جعلی و انتشار آن.

نگاهی به تاریخچه کتاب (مجله **Gatra** ش ۲۵، ۱۱ می ۲۰۰۲ م): در سال ۱۹۹۹، قرآن جدیدی به نام «القرآن الحق» که کاملاً با قرآن کریم در تضاد بود به شکل وسیعی در اینترنت و بعضی شبکه‌های مشهور هم‌چون آمازون (www.amazon.com) که از معروف‌ترین شبکه‌های فروش کتب و مجلات است، مطرح شده و به فروش رسید. در آن زمان، کتاب به دو شخص موهوم و ناشناس نام «الصفی... المهدی» منسوب بود که البته طبق نقل رایج، نام مؤلف این کتاب «د. آنیس شوروش» (**Anis Shorrosh**) می‌باشد که یک عرب یهودی است. آمازون نیز تصریح می‌کند که مؤلف «الفرقان الحق»، «آنیس شوروش» است.

او در این کتاب و در قالب چهار سوره به ذکر اباطیلی پرداخت که کاملاً منطبق بر عقاید مسیحیان و اهداف پلید اسرائیلی‌ها بود و به شدت مسلمانان را زیر سؤال می‌برد. چهار سوره مذکور از این قرار بود:

۱- سوره «الوصایا»: این سوره با حروف هجایی «المذ» می‌باشد و مشتمل بر امور مربوط به احکام شرعی بود، از جمله: حرمة تعليق الصور علی الجدران، حرمة تربية الكلاب (آیه ۸)، حرمة البدء بلبس النعل بالرجل

الیسری أولا (آیه ۹). بعضی از عبارات این سوره از این قرار است: «المذ اننا أرسلناک للعالمین بشیرا و نذیرا» تقضی بما خطر بفکرک و تدبر الأمور تدبیرا» فمن عمل بما رأیت فلنفسه، و من لم یعمل فلسوف یلقى علی یدیک جزاء مریرا...».

۲ - سوره «المسلمون»؛ این سوره نیز با حروف هجایی شروع شده و از جمله در آن آمده است که: «خداوند متعال پیامبرش محمد(ص) را به هلاکت امتش متهم کرده است و او بوده که باعث کافر شدن آنها شده است.»، «و محمد(ص) را متهم می‌کند که توسط شیطان گمراه شده است.»

۳ - سوره «التّجسد»؛ در این سوره آمده است که اسم اصلی عیسی «الله» است و «روح القدس» همان «اله واحد» است.

۴ - سوره «الایمان»؛ این سوره‌ها چهارگانه در سال ۱۹۹۹ در بین مسلمانان انتشار یافت و برای اولین بار در پایگاه اینترنتی «آمریکا آنلاین» (www.americaonline.com) مشاهده شد.

معرفی الفرقان الحق:

«انیس شوروش» بعد از یک سال، «الفرقان الحق» را با مطالبی اضافه‌تر از کتاب قبلی خود، به عربی نگاشت. «الفرقان الحق» (**The True Furqan**) نام نسخه‌ای جدید از قرآن است که اخیرا در کویت توزیع شده و به قرآن قرن بیست و یکم شهرت یافته است. طبق گزارش خبرگزاری‌ها، در سال‌های اخیر آمریکا درصدد هدایت جهان و به خصوص جامعه اسلامی از طریق دیگری برآمده است. بخشی از این خدمت دایه مآبانه در کشور اسلامی کویت و در قالب چاپ قرآن جدید به نام «القرآن الحق» و پخش آن در میان کودکان مدارس خصوصی آموزش انگلیسی صورت گرفته است. البته گروهی نیز ارتباط آمریکا و اسرائیل را با تهیه و انتشار این کتاب انکار می‌کنند که شواهد فراوانی بر عدم صحت گفته آنان وجود دارد و در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

کمیتة نظارت بر تدوین و نشر و ترجمه این کتاب، بر اساس آن چه در مقدمه آن آمده، «الصفی... و المهدی» می‌باشند و گفته می‌شود که ترجمه انگلیسی آن توسط «المهدی» صورت گرفته است. اعراب مسیحی

مقیم آمریکا و انجمن‌های تبشیری برای مبارزه طلبی با قرآن کریم با همکاری دو شرکت انتشاراتی آمریکایی به نام **Omega ۲۰۰۱** و **wine press** آن را در قطع متوسط و در ۳۶۶ صفحه به صورتی که در هر صفحه متن عربی و ترجمه انگلیسی آن در مقابل هم قرار دارند منتشر کردند.

این به اصطلاح قرآن، شامل ۷۷ سوره است و به جای آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای هر سوره آن، عبارت «بسم الاب الکمه الروح» (به نام پدر، کلمه، روح) آمده که اشاره به عقاید مسیحیان در مورد «تثلیث» است. برخی عناوین این سوره‌های ساختگی عبارت است از: الفاتحه، المحبه، المسيح، الثالث، المارقین، الصلب، الزنی، الماکرین، الرعاه، الانجیل، الأساطیر، الکافرین، التنزیل، التحریف، الجنه، الأضحی، العیس، الشهید و... .

از ویژگی‌های این قرآن جدید می‌توان به تحریف آیات جهاد، نهی از تعدد زوجات و تردید در توحید الهی اشاره کرد. بسیاری از عقاید اسلامی در آن مردود شمرده شده یا وارونه جلوه داده شده است. در یکی از آیات آن، ازدواج با بیش از یک زن برابر با زنا دانسته شده و در آیات دیگر، طلاق و جهاد حرام و غیر شرعی خوانده شده است. همچنین در مورد ارث مطالبی بیان شده که مغایر با دستورهای اسلامی است. این کتاب حتی دامنه گستاخی را فراتر برده و به خداوند تبارک و تعالی و پیامبر اکرم(ص) به صراحت اهانت نموده است. هدف اصلی بسیاری از آیات آن، مطرح کردن مسلمانان به عنوان نماد خشونت و تروریسم در دنیا می‌باشد.

این کتاب دارای مقدمه‌ای است از دو عضو کمیسیون نشر آن به نام‌های مهدی و صفی. آنها در این مقدمه اعلام کرده‌اند که این کتاب را برای جهان اسلام و به خصوص اعراب نوشته‌اند! مقدمه این کتاب فراخوانی است به اختلاط عقاید و آزادی ادیان و به گمان مؤلفان آن، این کتاب برای انسان‌هایی است که به دنبال نور و هدایت بوده و اعتقادی به تبعیض نژاد، رنگ، جنس، امت و یا دین ندارند. ضمن این که دعوت به مسیحیت تحریف شده و سه‌گانه‌پرستی به صورت آشکار نیز در آن مشاهده می‌شود.

مؤلف: الصفی که بر اساس آن چه در مقدمه کتاب آمده، به همراه المهدی بر تدوین، چاپ و نشر کتاب اشراف داشته است، نام موهوم شخصی است که در چند جای این کتاب در لابه‌لای آیات ذکر شده است؛ در سوره تنزیل، آیه ۴ و ۵ این گونه آمده: «و لقد أنزلنا الفرقان الحق وحیا، و ألقیناه نورا فی قلب صفینا لیلغه قولا معجزا بلسان عربی مبین، مصدقا لما بین یدیه من الانجیل الحق صنوا فاروقا محقا للحق، و مزهقا للباطل، و بشیرا و نذیرا للکافرین». باید پرسید: این وحی خیالی کی نازل شده؟! در کدام مکان؟! و بر چه کسی؟! صفی کیست که وحی بر او نازل شده؟! او کیست که هیچ شاهد تاریخی بر او گواه نیست؟!

در آخرین سوره، یعنی سوره شهید، آیه ۲ نیز آمده است: «و اصفیناه و شرحنا صدره للایمان و جعلنا له عینا تبصر و أذنا تسمع و قلبا یعقل، و لسانا ینطق، و أوحینا الیه بالفرقان الحق، فحظه فی سبعة أيام و سبع لیلال جلیدا». و عجیب‌تر آن که در آیات ۷ و ۸ همین سوره، ادعا شده که وی به دست مسلمانان به قتل رسیده است! «لقد طوعت لکم أنفسکم قتل صفینا شاهدین علی أنفسکم بالکفر، أفقتلون نفسا زکیه، و تطمعون برحمتنا و أنتم المجرمون، لا جرم أنکم فی الدنیا و الآخره أنتم الأخسرون، و ختمتم بدمه آیه تکوی بها جباهکم و تشهد علیکم بأنکم کفره مجرمون، و أنه الصفی الأمین، و أن الفرقان الحق هو کلمتنا و هو الحق الیقین، و لو کره الکافرون».

مناظرات او با شیخ احمد دیدات (Ahmed Deedat):

از جمله مواردی که در زندگی وی برجسته به نظر می‌رسد، مناظراتش با شیخ احمد دیدات، عالم مشهور سنی و شخصیتی از جنوب آفریقا است که مباحثات و مناظرات او با مسیحیان و علمای آنان مشهور است و نویسنده ده‌ها عنوان کتاب هم‌چون کتاب مقدس دربارهٔ محمد(ص) چه می‌گوید، است. نشان از قدرت مباحثه و سخنوری وی و وجهه مورد قبول او در میان عام و خاص مسیحیان دارد.

نظری به محتوا و برخی از عبارات آن:

گفته شد که این کتاب، با الگوبرداری از سبک و سیاق آیه‌ها و سوره‌های قرآن، دارای ۷۷ سوره ساختگی است. تنها نگاهی به نام‌های این سوره‌ها کافی است تا به اهداف و مقاصد مؤلفین آن پی ببریم. بروز دادن عقاید

مسیحی و غیر دینی و مطرح کردن موضوعاتی که از دیرباز محور مخالفت و واکنش نشان دادن در مقابل اسلام بوده است در این نام‌های کاملاً مشهود است:

ردیف	سوره	ردیف	سوره
۱	الفاتحه	۴۱	المقرین
۲	المجبه	۴۲	الصلاه
۳	النور	۴۳	الملوک
۴	السلام	۴۴	الطاغوت
۵	الایمان	۴۵	النسخ
۶	الحق	۴۶	الرعاہ
۷	التوحید	۴۷	الشهادہ
۸	المسیح	۴۸	الهدی
۹	الصلب	۴۹	الانجیل
۱۰	الروح	۵۰	المشرکین
۱۱	الفرقان الحق	۵۱	الحکم
۱۲	التالوت	۵۲	الوعید
۱۳	الموعظه	۵۳	الکبائر
۱۴	الحواریین	۵۴	الأضحی
۱۵	الاعجاز	۵۵	الأساطیر
۱۶	القدر	۵۶	الجنه
۱۷	العارفین	۵۷	المحرضین

البهتان	٥٨	المؤمنين	١٨
اليسر	٥٩	التوبه	١٩
الفقراء	٦٠	الصالح	٢٠
الوحى	٦١	الطهر	٢١
المهتدين	٦٢	الغرائيق	٢٢
طوبى	٦٣	الغطاء	٢٣
الأولياء	٦٤	النساء	٢٤
اقرا	٦٥	الزواج	٢٥
الكافرين	٦٦	الطلاق	٢٦
الخاتم	٦٧	الزنا	٢٧
الاصرار	٦٨	المائده	٢٨
التنزيل	٦٩	المعجزات	٢٩
التحريف	٧٠	المنافقين	٣٠
العاملين	٧١	القتل	٣١
الآلاء	٧٢	الجزيه	٣٢
المحاجه	٧٣	الافك	٣٣
الميزان	٧٤	الضالين	٣٤
القبس	٧٥	الاخاء	٣٥
الأسماء	٧٦	الصيام	٣٦
الشهيد	٧٧	الكنز	٣٧
		الانبياء	٣٨
		الماكرين	٣٩
		الاميين	٤٠

تقسیم این کتاب به این صورت است که ابتدا مقدمه، سپس قسمتی به نام «البسمله»، آن گاه ۷۷ سوره کوتاه و بلند و در پایان قسمتی به نام «الخاتمه» آمده است. همان گونه که مشاهده می‌شود، اولین سوره آن به تقلید از قرآن کریم «الفاتحه» است، سپس المحبه، النور، السلام و... تا آخرین آنها «الشهید» که با آمین تمام می‌شود. در این کتاب شیطانی، به جای «بسم الله الرحمن الرحيم» عبارت «بسم الأب الکمه الروح الاله الأوحده...» به کار رفته است و در اولین سوره آن آمده است: «مثلث التوحيد موحد التثلیث ما تعدد * فهو أب لم یلد * کلمه لم یولد * روح لم یفرد * خلاق لم یخلق...»؛ که بیان‌گر عقیده تثلیث به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسایل این کتاب می‌باشد. با نگاهی به محتوای آیات شیطانی این کتاب، می‌توان اساسی‌ترین اهداف نویسنده آن را این گونه برشمرد: (۱) تبلیغ و اثبات «تثلیث»؛ (۲) معرفی مسیح(ع) به عنوان خاتم پیامبران و این که دین مسیحیت خاتم و اکمل همه ادیان است؛ (۳) اثبات دروغ بودن رسالت و نبوت بعد از عیسی(ع)، یعنی رسالت پیامبر(ص) و دین اسلام و مشوش جلوه دادن چهره این دین مبین و پیروان آن؛ (۴) معرفی الفرقان الحق به عنوان قرآن حقیقی نازل شده به بشریت و دروغین بودن قرآن کریم؛ (۵) معرفی مسلمانان به عنوان محور شرارت و تروریسم جهانی.

در این جا به مواردی از افتراات و اراجیف این کتاب در حد اختصار اشاره می‌شود:

نویسنده این کتاب با الگوبرداری از سبک و سیاق آیات الهی و تحریف کلمات سعی کرده است آیات را طبق عقاید خویش بازنویسی کند؛ مثلاً در سوره ثالث، آیه ۱۸ آمده است: «و مثل الذین کفروا و کذبوا بالانجیل الحق أعمالهم کرماد، اشتدت به الريح فی يوم عاصف، لا یقدرن مما کسبوا علی شیء ذلک هو الضلال الأكید»، یا در سوره خاتم، آیه ۱۲ چنین نوشته: «یا ایها الذین آمنوا من عبادنا ها أنتم أولاء تحبون الذین یعادونکم، و هم لا یحبونکم، و اذا لقوکم قالوا: آمنا بما أمّنتم و اذا خلوا عضوا علیکم الأنامل من الغیظ، و ان تمسکم حسنه تسؤهم، و ان تصبکم سیئه یفرحوا بها، و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدههم شیئا، و لا یضرون الا أنفسهم و ما یشعرون». هم‌چنین در جایی دیگر آمده است: «یا ایها

الناس لقد كنتم أمواتا فأحييناكم بكلمه الانجيل الحق... ثم نحبيكم بنور الفرقان الحق». نبی مکرم اسلام در این کتاب به اوصاف قبیحی هم چون افاک منسوب می‌شود: «و حذرنا عبادنا المؤمنین من رسول افاک تبينه من بینات الکفر، و عرفوه من ثمار أفعاله، و کشفوا افکه و سحره المبين، فهو رسول شیطان رجيم لقوم کافرين» (انبیاء / ۱۶). هم‌چنین به حضرت لقب طاغوت داده شده و در سوره‌ای با همین نام آمده است: «أفرأیتم اللات و العزی و مناه الثالثه الأخری، ان شفاعتهن لترجی، و کلما مسه طائف من الشیطان زجره صحبه فاخفی ما أبدی». (طاغوت / ۲۰۹).

هم‌چنین این کتاب مملو از بدگویی و دشنام‌های پی‌درپی علیه مسلمانان و توصیف آنان به بدترین اوصاف و الفاظ است که نشان‌دهنده حقد و کینه و دشمنی طراحان آن می‌باشد. جالب این که بسیاری از آن چه نویسنده به مسلمانان نسبت می‌دهد همان‌هایی است که در قرآن کریم به یهود و نصاری نسبت داده شده است. نام‌هایی هم‌چون «ماکرین، امیین، مفترین، طاغوت، کبائر، محرضین، بهتان و کافرین» که او بر سوره‌ها گذاشته، نشان‌دهنده کینه و حقد او نسبت به مسلمانان است. در این کتاب مسلمانان با اوصاف قبیحی هم‌چون کفر، نفاق، افترا و... یاد می‌شوند: «لقد أفریتم علینا شر فريه، فویل لكل مفتر زنيماً، و قلتم أمانا بالله و بما أوتی عیسی من ربه ثم تلوون منکرین، و من یتبع غیر ملتنا فلن یقبل منه و هذا قول المنافقین» (مسیح / ۲۲ - ۱۸). «فسیماؤکم کفر و شرک و زنی و غزو و سلب و سبی و چهل و عصیان» (کبائر / ۳)....

انجام تبلیغات علنی از سوی فرقه قادیانیه در شهر سنجند

برابر اطلاع واصله، مدتی است در برخی مساجد شهر سنجند در تبلیغاتی چهره به چهره، جوانان را با فرقه قادیانیه آشنا و آنها را دعوت به آن فرقه می‌نمایند.

فرقه قادیانیه که احمدی و میرزایی نیز نامیده می‌شود به وسیله میرزا غلام احمد قادیانی در هندوستان تقریباً هم‌زمان با پیدایش فرقه بابیه و بهائیه تأسیس گردید.

میرزا غلام احمد در سن پنجاه سالگی به دنبال ادعای خواب نما شدن و چندین رویا اعلام کرد که به او وحی نازل می‌شود و اجازه گرفتن بیعت از مردم به او داده شده است و از جانب خداوند به رهبری بشریت برگزیده شده است. او ابتدا مدعی مسیح موعود و مهدویت شد و سپس ادعای نبوت نمود و مدعی بود که روح محمدی در او تجسم نموده است و اعلام داشت که او همان رهبر واپسین گیتی است که زرتشتیان، هندوان، مسیحیان و مسلمانان همه در انتظار او چشم به راه دارند. از جمله فتاوی صادره از سوی او این بوده که جهاد با شمشیر ممنوع است و وفادار بودن به انگلیسی‌ها واجب می‌باشد.

پس از مرگ غلام احمد، فرقه احمدیه به دو گروه جماعت احمدیه و گروه لاهوری‌ها منشعب شد. گروه جماعت احمدیه (قادیانی، میرزایی) به مؤسس فرقه وفادار ماندند و ابتدا میرزا نورالدین را خلیفه اول و سپس پسرش میرزا بشیر الدین محمد احمد را به عنوان خلیفه دوم برگزیدند. این گروه در عصر حاضر دارای شورای مذهبی به نام مجلس مشاورت (نظیر بیت العدل بهائیان) می‌باشد و قدرت نهایی در دست مقام ریاست یا مقام جانشین است. و هر یک از اعضا می‌بایست یک چهارم درصد درآمد خود را به نام زکات به دستگاه مذهبی بپردازد.

این فرقه افرادی که قادیانی نباشند را کافر برمی‌شمردند و ازدواج با غیر فرقه را جایز نمی‌دانند. این گروه به نبوت و شریعت جدید غلام احمد معتقدند و به قیامت نیز به گونه اسلامی آن معتقد نیستند بلکه حاصل اعمال نیک و بد را در همین دنیا با توجیهات خاصی که به تناسخ و کرما و سامسارای بودائیان بی شباهت نیست می‌دانند.

جماعت احمدیه پس از تأسیس کشور پاکستان، مرکز خود را از قادیان (در هند) به محلی در ۱۴۵ کیلومتری جنوب غربی لاهور پاکستان منتقل کردند و آنجا را ربوه نامیدند و به ساختن شهری در همان ناحیه پرداختند.

با توجه به این نکته که فرقه قادیانیه همچون فرقه بهائیت، حاصل دست انگلیسی‌ها می‌باشد و در نظر داشتن حضور انگلیسی‌ها در منطقه میتوان پیدایش این قبیل فرقه‌ها را در کشور با حضور انگلیسی‌ها در منطقه مرتبط دانست.

طرح انتقال بهائیان ایران به بهارستان اصفهان

فعالیت عناصر فرقه ضاله بهائیت در شهر جدید «بهارستان» اصفهان افزایش یافته و اخیراً افراد ناشناس بیانیه‌ای در خصوص حکومت و این فرقه ضاله، در این شهر توزیع کرده‌اند.

طبق تصمیم مرکز جهانی بهائیت و سران این فرقه، قرار بر این بود که تمام یا اکثر بهائیان کشور به شهر «بهارستان» اصفهان منتقل شوند. اگرچه استقبال چندانی از این تصمیم نشده است اما به هر حال حدود ۲۰۰ خانواده بهایی از سراسر کشور به این شهر منتقل شده‌اند. ساکنان بهایی «بهارستان» به صورت هفتگی و ماهانه جلساتی برگزار می‌کنند و همه روزه از ساعت ۱۹ تا ۲۰ شنونده برنامه‌های رادیویی این فرقه هستند.

به ادعای بهائیان، نام «بهارستان» در واقع «بهائستان» بوده که توسط مقام‌های دولتی به بهارستان تغییر یافته است. یکی از عوامل بدحجابی در بهارستان حضور دختران و زنان بهایی با وضعیت نامناسب در مدارس این شهر می‌باشد. عده‌ای از نمایندگان پارلمان انگلیس، با انتشار بیانیه‌ای مدعی آزار و تبعیض نسبت به کودکان بهایی در ایران شده‌اند.

تأیید بابت و بهائیت در کتاب «ایران بین دو انقلاب»

بر اساس اطلاع در کتاب «ایران بین دو انقلاب» که برای یازدهمین بار در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه توسط مؤسسه نشر نی منتشر شده است و به عنوان یکی از کتب پرفروش مطرح است، نویسنده کتاب (پرواند آبراهامیان) به طور صریح فرقه ضاله بهائیت و بابیون را مورد تأیید قرار داده است.

- پرواند آبراهامیان نویسنده ایرانی‌الصل و استاد تاریخ کالج باروک دانشگاه نیویورک است.

- نویسنده در این کتاب به شرح تفصیلی تاریخ سیاسی ایران در قرن نوزدهم، به ویژه از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است.

- در صفحات ۲۲ و ۲۳ این کتاب نویسنده ضمن تحریف واقعیات مذهب تشیع، اقدام به تأیید فرقه ضاله بهائیت نموده است. مشارالیه بهائیت را چنین شرح می‌دهد:

موعود ملا حسین بشرویه در سال ۱۲۲۳ در هیأت تاجر جوانی به نام سید علی محمد، ظهور کرد. علی محمد بعد از سالها مطالعه نزد حکمای شیخی در کربلا خود را باب معرفی کرد و بسیاری از مریدان را دور خود جمع کرد. او نیاز به اصلاحات اجتماعی به ویژه از بین بردن فساد در بین مقامات عالی، تصفیه عالمان منحرف، حمایت قانونی از تجار، شکستن حرمت ربا و بهبود بخشیدن به موقعیت زنان را تبلیغ می‌کرد. پس طبیعی بود که پیام او دشمنی نهادهای حاکم و پشتیبانی برخی تجار، پیشه‌وران، علمای رده پائین و حتی روستائیان را برانگیزد. دولت بدلیل ترس از گسترش سریع جنبش به ویژه در ایالات ساحلی خزر در سال ۱۲۲۹ باب را به دار آویخت و مبارزه خونینی علیه بایبها به راه انداخت. گرچه آزار و اذیت و تعقیب نتوانست بایبه را از بین ببرد اما در انشعاب نهضت به دو فرقه بهایی و ازلی مؤثر بود و...

- این کتاب در نزد اساتید و محیطهای دانشگاهی مطرح است.
- اگر چه این تحلیل نشأت گرفته از اغراض سیاسی نویسنده است. اما این توقع بجا و شایسته است که ناشر و مترجمین بر خود وظیفه می‌دیدند تا در پاورقی کتاب خواننده را از اغراض نویسنده مطلع می‌نمودند.

تلاش برای تأسیس مدارس و دانشگاههای طریقتی در ایران

برابر گزارش واصله بنیاد روزنامه نگاران و نویسندگان وابسته به فتح الله گولن قصد تأسیس مدارس و دانشگاههای جماعت خود را دارند. جماعت فتح الله گولن از شاخه‌های طریقتی نورجی در ترکیه می‌باشد. فتح الله گولن رهبر جماعت مذکور پس از احساس خطر در ترکیه از حدود ۸ سال پیش به بهانه معالجه بیماری از ترکیه خارج و در کشور آمریکا اقامت گزیده است.

بنیاد مزبور برای راه اندازی مراکز مورد اشاره با برخی مسؤولین ایرانی ریزنی نموده است. هدف بنیاد مذکور از تعلیم و تربیت جوانان ایرانی چیزی جز ترویج و تبلیغ تفکر فرقه‌ای نمی‌باشد. اخیراً تعدادی از مسؤولین این جماعت ضمن سفر به جمهوری اسلامی ایران اقدام به ملاقات با بعضی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایران نموده‌اند. اعضای این جماعت دارای مواضع منفی فکری و عقیدتی نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. جماعت گولن در ۵۷ کشور دنیا دارای مدرسه، دانشگاه و خوابگاه دانشجویی فعال می‌باشند.

فعالیت‌های انحرافی «اشو» در ایران

از چندی پیش گروهی موسوم به «اشو» به بهانه مسایل اعتقادی، اقدام به فعالیت‌هایی غیر اخلاقی کرده‌اند از جمله عقاید انحرافی این گروه تبلیغ ازدواج‌های گروهی و ازدواج‌های عرفانی می‌باشد. همچنین عدم تقید به مسایل شرعی و آزادی‌های جنسی نیز در بین این گروه ترویج می‌شود.

این گزارش حاکی است سردمداران این گروه با توجیه این مطلب که در زمان ظهور باید عالم پر از فساد باشد، مبادرت به ترویج عقاید خود می‌کنند و به عقاید و رفتارهای خود جنبه‌های معنوی می‌دهند، تا اعضای گروه احساس کنند در یک جریان عرفانی به سمت نور در حرکت هستند.

جلوگیری از عبادت، تکنیک آرام‌بخش!

اطلاعات دریافتی حاکی است عوامل مروج فرقه بودایی در یکی از شهرهای اطراف تهران دوره‌های ویژه‌ای را در قالب تکنیک‌های آرام‌بخشی برگزار می‌کنند.

بر پایه این اطلاعات، این گروه که از دو سال پیش فعالیت خود را آغاز کرده‌اند از سوی مراکزی خاص در آمریکا و کانادا هدایت می‌شوند. این گروه فرقه بودایی «ویلتیا سایی بابا» را تبلیغ می‌کند و مرکز آموزشی خود را در شهر مذکور دایر کرده‌است. در این مرکز دوره‌هایی ۱۰

روژه، یک‌ماهه و ۴۵ روزه برای ۵۰ نفر برگزار می‌شود که برخی از شرکت‌کنندگان از شهرهای مختلف برای طی این دوره‌ها به شهر مذکور سفر می‌کنند.

افراد شرکت‌کننده در این دوره‌ها کاملاً در اختیار عوامل اجرایی فرقه بوده و حق خروج از محیط را ندارند. در این دوره‌ها عقاید بودا به گونه‌ای خاص مطرح می‌شود و در پایان دوره شرکت‌کنندگان به این نتیجه می‌رسند که خدایی وجود ندارد و هرکس خدای خود است.

دست‌اندرکاران اجرایی دوره برای القای بیشتر این باور نماز خواندن و انجام عبادات شرعی را در طول دوره ممنوع اعلام می‌کنند. دوره‌های مذکور در قالب «تکنیک‌های آرام‌بخشی» ارائه شده و پرونده افراد شرکت‌کننده در اختیار مراکز خاص این فرقه در آمریکا و کانادا قرار می‌گیرد.

برخورد قاطعانه با مروجان فرقه‌های خرافی

سردار «احمد رضا رادان» فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ گفت که این نیرو با کسانی که فرقه‌های خرافی را ترویج می‌کنند برخورد قاطعانه‌ای خواهد داشت.

وی گفت: «... طرح امنیت اجتماعی تا از میان رانده شدن تمامی کج‌روی‌ها و انحرافات رفتاری و اجتماعی در جامعه استمرار دارد...» به تازگی برخی از جوانان دختر و پسر با پوشش و نوع آرایش مو و صورت، الگوهای تازه‌ای از شبکه‌های ماهواره‌ای را ترویج می‌کنند. همچنین برخی دیگر به ترویج پوشش فرقه‌های خرافی از جمله دراویش می‌پردازند. آنچه این روزها می‌توان شاهد آن بود محافلی است که فرقه اکنکار را تبلیغ و ترویج می‌کند. همچنین است مباحثی مانند شعور کیهانی، فرادرمانی، مدیتیشن، فراروانشناسی و....

عرضه کتاب‌های خرافی توسط برخی ناشران خارجی

«تصوف اسلامی» نام کتابی است که در غرفه مربوط به کشور لبنان عرضه شد. این کتاب که نوشته «صهیب الرومی» است به غلط

منشاء تصوف را اسلام معرفی می‌نماید. اثر مذکور در برگیرنده آموزه‌های بدعت‌آمیزی در رابطه با دین مبین اسلام می‌باشد، تصوف اسلامی چاپ انتشارات «بیان» بیروت



است. هم‌چنین غرفه «دار ناصیف» مربوط به لبنان چند عنوان کتاب تبلیغی را در خصوص تصوف عرضه کرده بود. در این غرفه برخی از کتب خرافی هم‌چون «السله الذهبیه فی مناقب الساده النقشبندیه» و «الصوفیه الالهیم» عرضه شد. در این کتب نویسندگان کرامات دور از ذهن و واقعیتهای نسبت به مشایخ و اقطاب گمراه صوفیه مطرح کرده است که دارای القائنات خرافی متعددی می‌باشند. گفتنی است حداقل ۸ عنوان دیگر از این قبیل کتاب‌ها در غرفه «دار ناصیف» لبنان عرضه شده بود. کتاب «نوشتارهای بهاء... بعد از انزال کتاب اقدس» که نام عربی آن نیز «مجموعه من الواح حضره بهاء... نزلت بعد کتاب الاقدس» است، در غرفه لبنان عرضه شد. این کتاب که در «دارالصفوه» عرضه می‌شود، در برگیرنده برخی از تعالیم فرقه ضاله بهائیت است که در کنار برخی دیگر از کتب الحادی و ترویجی مسیحیت در سالن ریالی نمایشگاه کتاب تهران به فروش می‌رسید. کتاب مذکور توسط انتشارات «شرکت توزیع و نشر» لبنان چاپ و عرضه شده بود.

تحركات جدید شیطان پرستان در استان تهران

شنیده‌ها حاکی از تحركات جدید شیطان پرستان در مناطق بسیار مرفه نشین و یا فقیر نشین استان تهران حکایت دارد. طی سال‌های اخیر، گروه شیطان پرستان با راه اندازی سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌های

متعدد در صدد ترویج اندیشه‌های خود برآمده است. از چندی پیش بر روی دیوارهای نقاط مختلف یکی از مناطق جنوبی تهران شعارهایی در ترویج شیطان پرستی نوشته می‌شود و به نظر می‌رسد تمرکز بیشتری بر این مناطق شده است. بیشتر فعالیت این گونه گروه‌ها در محله‌های بسیار مرفه نشین و یا فقیر نشین صورت می‌گیرد. در دیوار نویسی‌ها و تبلیغات آنان و در کنار این شعارها، اشکالی با ادغام ستاره، دایره و مثلث ترسیم شده است.

